

کیمهان ۴۱۰

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده
جمعه ۱۵ تا ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ خورشیدی
سال سی و نهم - شماره ۱۸۷۶

اختاپوسی
به نام
سپاه!

#IRGCterrorists
PROSCRIBE THE
IRGC AS A
TERRORIST
ORGANISATION





بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

P.O. Box 435, Old Brompton Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684
Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: ads@kayhan.london

www.kayhan.london

سال سی و نهم

کیهان شماره ۱۸۷۶ (۴۱۰)

جمعه ۱۵ تا ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲
۵ تا ۱۱ مه ۲۰۲۳



مژده به هم‌میمنائی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند می‌توانند چاپ دوم این کتاب را از **کیهان** خریداری نمایند

نسخه دیجیتال کتاب نیز به‌زودی در دسترس خواهد بود

سقوط بهشت

خاندان پیلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندر و اسکاگت کوپر ترجمه رضا قلی زاده



کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم **حامد محمدی (اسر خیان)** برای نخستین بار به‌عنوان مجله‌ی «کیهان» و ناشر **سوریه** را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. خلاصه‌نویسی می‌تواند این کتاب را مستند از طریق ناس یا **کیهان لندن** ads@kayhan.london و با انتشارات ساراپ و سوریه در لندن و کانترول‌های معتبر ایران در اروپا و آمریکا به نشان های زیر به مبلغ ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

درگذشت

با نهایت غم و اندوه درگذشت شادروان

بانو میترا هدایت

در روز سه شنبه ۲۵ آوریل در تهران را

به استحضار بستگان و دوستان می‌رسانیم.

سهیلا سمیعی و علی همایونفر

● **کیهان لندن** درگذشت بانو میترا هدایت را به همه بازماندگان تسلیت می‌گوید.

درگذشت

با تأثر و تأسف فراوان درگذشت پدر عزیزمان



**نور محمد
عسگری**

را در روز ششم آوریل ۲۰۲۳ در سن ۹۸ سالگی به اطلاع دوستان و آشنایان می‌رسانیم. زنده یاد **نور**، در نهایت آرامش در بیمارستان **Huddinge** استکهلم، چشم از جهان فرو بست. **نور**، در قامت حقوقدان، وکیل دعوی و روزنامه‌نگار، چندین کتاب به چاپ رساند. او همچنین با حضور در گردهم‌آبی‌های عمومی و برنامه‌های هفتگی رادیو در زمینه تاریخ ایران شرکت می‌کرد با این هدف که به نسل جوان کمک کرده و آگاهی‌های لازم را برای برپایی آینده‌ای همراه با گسترش دموکراسی در خانه مادری‌اش پایه‌گذاری نماید.

شادروان **نور** در ۴۵ سال گذشته، سوئد را خانه خود می‌دانست و دوستانش فقدان او و جای خالی‌اش را به شدت احساس می‌کنند.

مراسم خاکسپاری زنده یاد **نور**، روز جمعه دوازدهم ماه مه ساعت ۹:۴۵ صبح در آرامگاه **Chapel of the Holy Cross** استکهلم برگزار خواهد شد. **فرشید و مهشید**

● **کیهان لندن** درگذشت **نور محمد عسگری** نماینده پیشین این نشریه در سوئد را به فرزندان، بستگان، دوستان و همکارانش صمیمانه تسلیت می‌گوید.

آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london



وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

www.kayhanlife.com

کیمهان

* فهرست مطالب *

۴ سرمقاله - بیداری برای اختیار و علیه اجبار / الاله بقراط
 ۴-۵ اختاپوسی به نام سپاه! / احمد رافت

۵ تظاهرات لندن برای تروریستی خواندن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ... /
 ۶ شاهزاده رضا پهلوی در نشست «ADL» در واشنگتن: پیمان ابراهیم با پیوستن ایران ... /
 ۷ شاهزاده رضا پهلوی «تظاهرات نابخردانه» ۳۲ عضو پارلمان اسرائیل را ... /
 ۸-۹ تجمعات صنفی در ایران به مناسبت روز جهانی کارگر ... /
 ۹ اکثر ۳۲ نماینده کنست که «تظاهرات نابخردانه» و «تعرض کلامی به تمامیت ... /
 ۱۰ ارائه شش طرح به کنگره آمریکایی برای مقابله با لغو تحریم‌ها و افزایش فشار ... /
 ۱۱ مشاوره برای مردن ... / احمد احرار
 ۱۲-۱۳ آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه (۱۱) ... / دکتر هوشنگ نهاوندی
 ۱۴ مایکروسافت: کارزار سایبری جمهوری اسلامی علیه «دشمنان» و چهره‌های ... /
 ۱۵ جمهوری اسلامی ۱۸ روز نامه نگار زندانی در روز جهانی ... / احمد رافت
 ۱۶ گفتگو با ایرج مصداقی: برای تشکیل پادشاهی مشروطه آیا ... / فیروزه نور دستروم
 ۱۷ ایران برای آخوندها «خطرناک» شده: علوی بر و جردی: بعضی طلاب دو ماه است ... /
 ۱۸-۱۹ گفتگو با عرفان قانعی فرد: نسل نوین ملی گرایان و ویژگی‌های ... / فیروزه نور دستروم
 ۲۰-۲۲ اعتبار قرارداد های جمهوری اسلامی با کشورهای دیگر ... / محمود مسانلی
 ۲۲ فخری نیکزاد گوینده و مجری پیشکسوت رادیو تلویزیون ... /
 ۲۳-۲۴ وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی: مواد سمی در مدارس پخش نشده ... /
 ۲۴-۲۵ تصورات رایج و اشتباه در مورد آموزش زبان مادری مهاجران در کشور میزبان ... /
 ۲۶-۲۷ ماتریوشکای دگرگونی بزرگ در ایران: از «تغییر رژیم» به «تبدیل رژیم» به ... /
 ۲۸-۲۹ نتایج یک نظر سنجی: ۹۳ درصد از پاسخ دهندگان بطور جدی به مهاجرت ... /
 ۲۹ روزنامه اورشلیم پست: بنیامین نتانیاهو والی کوهن به شدت در اروپا علیه ... /
 ۳۰-۳۱ دهان کجی بازار ارز به «بریدن بنده ناف دلار از اقتصاد» ... /
 ۳۱ وزیر «صمت» برکنار شد ... /
 ۳۲-۳۳ حجاب اجباری در ایران: ادامه مقاومت مدنی زنان و عقب نشینی حکومت ... /
 ۳۳ دهان کجی به نظام بانفرمانی مدنی: تخفیف ۵۰ درصدی به خوشگلابدون حجاب ... /
 ۳۴-۳۵ تداوم تباهی در ایران: زندگی در ترمینال، حیاط بیمارستان و ... /
 ۳۵ ادامه حملات فیزیکی به آخوندها: زیر گرفتن مجدد دو معمم ... /
 ۳۶-۳۸ فشارهای ضد انسانی و غیر قانونی علیه خانواده بختیاری ... /
 ۳۸ دیدار قصاب‌ها در «قصر الشعب» دمشق ... /
 ۳۹ تداوم فشار بر خانواده‌های داخوای؛ پدر نوید افکاری پس از بازداشت به ... /
 ۴۰-۴۱ یک مقام حکومتی: به زودی مجبوریم کیش و قشم و خوزستان را برای ... /
 ۴۲ خودداری جمهوری اسلامی از نصب دوربین‌های آژانس در تأسیسات اتمی ... /
 ۴۳ پروژه شهیدسازی از حمیدرضا الداغی نیز شکست خورد ... /
 ۴۴-۴۵ عدم انتشار آمارهای تورمی؛ پنهانکاری یا هراس از واکنش ... /
 ۴۵ برگزاری «همایش ملی محله اسلامی» ... /
 ۴۶ پشت جلد - عکس هفته / حمیدرضا الداغی در حمایت از یک دختر جوان توسط مردانی که

بازنشر
 بازنشر



سرمقاله

تیر هفته

اختاپوسی به نام سپاه!

بیداری برای اختیار و علیه اجبار

حجاب اجباری در ایران بلافاصله با پیروزی انقلاب اسلامی به اجرا در نیامد بلکه نزدیک به چهار سال طول کشید تا حکومت آنرا نخست در نهادهای دولتی و سپس خصوصی و آنگاه در کوچه و خیابان و اماکن عمومی اجرا کند. اکنون روندی معکوس توسط جامعه و در رأس آن، زنان، از کوچه و خیابان و اماکن عمومی به سوی بخش خصوصی در جریان است. اینکه آیا جمهوری اسلامی، پوشش اختیاری ر در نهادهای دولتی نیز تحمل خواهد کرد، به نظر می‌رسد بستگی به جمله معروف



روح‌الله خمینی دارد: حفظ نظام واجب واجبات است! یعنی «واجب‌ترین» است و امری واجب‌تر از آن وجود ندارد و برای آن می‌توان اصول دین را نیز زیر پا گذاشت چه برسد به حجاب! ضمن آنکه جمهوری اسلامی نه تنها از بی‌حجابان در تبلیغات خود بهره می‌برد بلکه برخی طرفداران حزب‌الله لبنان و دولت اسلامگرای ترکیه را نیز می‌بیند و برای حکومت آنچه «در سر» این طرفداران هست مهم‌تر از آنچیز است که «بر سر» شان نیست! جمهوری اسلامی همواره از همکاری اصلاح‌طلبان تحول‌طلب و اصولگرایان به عنوان دو بال نظام برای حفظ خود بهره برده است. اکنون نیز آنها می‌توانند آنچه را نه به اختیار بلکه به اجبار از سوی جامعه به آنها تحمیل می‌شود، نه تنها نادیده بگیرند بلکه چه بسا بر موج آن سوار شوند. اما دو نکته را به‌یاد داشته باشید از نظر دور داشت:

از یکسو جمهوری اسلامی ناخواسته موضوع پوشش زنان را به یک امر حیثیتی و سیاسی و چند لایه تبدیل کرده و تا حدی «حفظ» خود را به آن گره زده است!

از سوی دیگر موضوع «تغییر» در ایران به سرنوشت خانواده‌های مافیایی معمم و مکلاپی گره خورده که بیش از چهار دهه منابع قدرت سیاسی و اقتصادی را در انحصار داشته‌اند. پس موضوع «حفظ نظام» به عنوان واجب واجبات، در عمل چیزی جز حفظ این منابع برای این خانواده‌های مافیایی اعم از اصولگرا و اصلاح‌طلب تحول‌خواه نیست! اساساً «نظام» چیزی جز اینها نیست! نهادهای مملکت اعم از کشوری و لشکری همگی ساختار و ابزاری برای حفظ آنها هستند و گر نه اندکی از این منابع می‌بایست صرف مردم و کشور می‌شد و نه اینکه مشکلات اقتصادی و اجتماعی چنان روی هم تلنبار شوند که تغییرات بنیادین سیاسی ناگزیر شود! حال باید دید برای رهایی از بن‌بستی که نظام خانواده‌های مافیایی و جناحی در آن گرفتار آمده و حفظ خود را «واجب واجبات» می‌دانند تا کجا می‌توانند موضوع پوشش اختیاری را، که فقط محدود به نداشتن روسری اجباری نیست، به عنوان یکی از حقوقی که جامعه سال‌هاست با تکیه بر تجربه و بیداری خود به دنبال آن است، هم به سود خود و هم به سود جامعه حل کنند، بدون آنکه پایه‌های نظام بلرزند! آنهم در حالی که بین این دو سود هرگز، هرگز، همسویی وجود نداشته است!

*در باره «حفظ نظام [از] واجب واجبات است»؛ وبسایت محسن کدیور (اصلاح‌طلب)، وبسایت روزنامه اصلاح‌طلب «اعتقاد»، وبسایت روح‌الله خمینی، وبسایت «آپارات» سخنان علی خامنه‌ای



● **قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی یعنی قطع رابطه کامل سیاسی، دیپلماتیک و به ویژه اقتصادی و تجاری با ایران. امری که با منافع کشورهای اروپائی در تضاد است.**

مقام ارشد سیاست خارجی و امنیت اتحادیه اروپا است. جوزپ بورل پس از رای تاریخی پارلمان اروپا مبنی بر لزوم تروریست خواندن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفته بود تا زمانی که دادگاهی در یکی از ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا رای به تروریستی بودن سپاه پاسداران ندهد، نمی‌توان چنین تصمیمی اتخاذ کرد. البته این مقام اروپائی احتمالاً اطلاع نداشت، یا نمی‌خواست داشته باشد، که تروریست دانستن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از سوی دادگاهی در یک کشور دوست و متحد هم برای اتخاذ این تصمیم کافی است، علاوه بر اینکه مدارک بسیاری دال بر تروریستی دانستن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی توسط نیروهای امنیتی کشورهای عضو اتحادیه اروپا به دولت‌های این کشورها ارائه شده است و این کشورها در عمل با تحرکات سپاه پاسداران به عنوان یک سازمان تروریستی برخورد می‌کنند! منافع اقتصادی غرب در مفاشات با جمهوری اسلامی است در حقیقت اما مشکل در جای دیگریست. چندی پیش در گفتگویی غیررسمی یا به قول غربی‌ها Off the Record که با یکی از دستیاران ارشد جوزپ بورل داشتم، این دلایل واضح و بدون بازی با کلمات بیان شدند. این مقام اروپائی می‌گفت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بخشی از نیروهای مسلح رسمی جمهوری اسلامی است. فرماندهی کل این نیروها بنا بر قوانین جاری این کشور بر علی خامنه‌ای است، که همزمان رهبر جمهوری اسلامی نیز هست. تروریست خواندن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بدون تروریست خطاب کردن فرمانده کل آن یعنی علی خامنه‌ای امکانپذیر نیست. تروریست خواندن علی خامنه‌ای نیز برابر است با ارتقاء جمهوری اسلامی از کشور حامی تروریسم به یک دولت تروریست! با کشوری که دولت‌اش تروریست است نه می‌توان روابط سیاسی عادی داشت و نه به ویژه روابط اقتصادی و بازرگانی!

تجمع لندن در ۱۵۵امین روز اعتصاب غذای وحید بهشتی که همزمان بود با ۲۱۶ روز تحصن حسن نایب هاشم و شمار دیگری در مقابل دفتر اروپائی سازمان ملل متحد در وین، بار دیگر قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست تروریستی بریتانیا و اتحادیه اروپا را به مسئله روز تبدیل کرد. امروز یکی از خواست‌های مطرح عمده تجمعات ایرانیان در خارج کشور قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی است بریتانیا و اتحادیه اروپا است. پارلمان‌های بریتانیا و اتحادیه اروپا با اکثریت قاطع اعضای خود از این خواست حمایت کرده‌اند، ولی دولت‌های بریتانیا و ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا هنوز حاضر نیستند این خواست را حتا در دستور کار خود قرار دهند، اگرچه بدون شک گفتگو در مورد آن هم در داخل این دولت‌ها و هم رایزنی با دیگر کشورها انجام گرفته و می‌گیرد.

البته این تنها دولت‌های کشورهای اروپائی و برخی دیگر از کشورهای دموکراتیک چون کانادا، استرالیا و نیوزلند نیستند که در عمل مخالف قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی هستند. در بین مخالفان جمهوری اسلامی نیز برخی نه تنها با تروریستی دانستن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مخالفت می‌ورزند، بلکه آنرا تصمیمی خطرناک می‌دانند که می‌تواند روند گذر از جمهوری اسلامی را به تأخیر بیندازد و یا پس از براندازی جمهوری اسلامی، کشور را درگیر نوعی جنگ داخلی کند. این نگرانی البته در برخی کشورهای غربی نیز وجود دارد.

مخالفت غرب با تروریستی خواندن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

کشورهای اروپائی دلایل زیادی برای مخالفت با قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست گروه‌های تروریستی ارائه می‌دهند که بی‌اساس‌ترین آنها ادعای جوزپ بورل



نظرند که چنین تصمیمی از سوی جامعه جهانی و به ویژه کشورهای غربی مانع این ریزش خواهد شد یا حداقل از شتاب این روند خواهد کاست، در حالی که بسیاری دیگر اتفاقاً قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلابی در فهرست گروه‌های تروریستی را یکی از عوامل موثر در تسریع این ریزش می‌دانند. در مرحله پسا گذار نیز مخالفان تروریستی خواندن سپاه معتقدند که با فروپاشی جمهوری اسلامی به خودی خود این نیرو که قبلاً پسوند تروریست به آن چسبانده شده، منحل اعلام خواهد شد و چنین تصمیمی می‌تواند بخش‌های قابل توجهی از اعضای آن را که همگی مسلح نیز هستند به زیرزمین بفرستد و آنها برای بقای خود و باقیمانده‌های نظام جنگی مسلحانه را علیه نظام جدید که هنوز تمام ابزار قدرت را در دست ندارد، آغاز کنند. اشاره برخی از آنها به نمونه عراق سال ۲۰۰۳ و انحلال ارتش و پلیس در آن کشور است. در عراق بخش‌هایی از ارتش یعنی بلافاصله گروه‌های مسلحی را تشکیل دادند که بعدها به داعش و با حکومت اسلامی پیوستند. حامیان این نظریه البته یک واقعیت را نادیده می‌گیرند و آن وجود ارتش متعارف در ایران است که می‌تواند در شرایط پسا گذر مسئولیتی را بر عهده بگیرد که در این سال‌ها از آن سلب شده و به سپاه واگذار شده است. نادیده گرفتن نقش ارتش و بدنه‌ی سپاه پاسداران در شاخه‌های مختلف می‌تواند اشتباهی راهبردی با پیامدهای ناخوشایند باشد.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اختاپوسی است که پاهای خود را به دور شریان زندگی مردم ایران و منطقه پیچانده و نفس را از آنها گرفته است. یک قدرت تروریستی که در برون مرز دامنه حضورش به کشورهای خاورمیانه خلاصه نمی‌شود و تا سودان در آفریقا گسترش یافته و در درون کشور عمده‌ترین نیروی سرکوب علیه مردم به شمار می‌رود. همچنین این اختاپوس ایدئولوژیک- نظامی از گروه‌های مافیائی بسیاری تشکیل شده که هرکدام بخشی از اقتصاد قانونی و همچنین غیرقانونی چون قاچاق مواد مخدر را کنترل می‌کنند، و در سیاست نیز در دو دهه گذشته جای پای خود را تحکیم کرده و در عمل نهادهای مختلف مانند دولت و مجلس را نیز در چنگ خود دارد.

احمد رأفت

مخالف جمهوری اسلامی بر مبارزه علیه رقبای‌شان باشد و قدرت تحمل نظر مخالف را پیدا نکنند، ما جانشینی برای رژیم کنونی نمی‌بینیم که بخواهیم از این بدیل در مقابل

→ خلاصه مطلب اینکه، قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی یعنی قطع رابطه کامل سیاسی، دیپلماتیک و به ویژه اقتصادی و تجاری



حکومتی که هنوز سر کار است پشتیبانی کنیم.»

مخالفان ایرانی تروریستی خواندن سپاه از انسجام سپاه واهمه دارند

اگر بخواهیم اشاره‌ای نیز به مخالفان ایرانی تروریستی خواندن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کرده باشیم، می‌توان این دیدگاه را به دوران قبل و بعد از گذار تقسیم کرد. در دوران کنونی که مسئله ریزش در درون نظام و نیروهای وابسته به آن، و به ویژه نیروهای مسلح، از اهمیت خاصی برخوردار است، مخالفان تروریستی خواندن سپاه بر این

با ایران. امری که با منافع کشورهای اروپائی در تضاد است، به ویژه در این دوران که با حمله روسیه به اوکراین، اقتصاد این کشورها در وضعیت مناسبی قرار ندارد و برپایه آخرین آمار غول تورم بار دیگر در اتحادیه اروپا و بریتانیا سر بلند کرده است.

اروپا معتقد است «قطار انقلاب» در ایران هنوز به راه نیافته است

یکی از مقامات عالی‌رتبه اروپائی نیز در گفتگوی غیررسمی دیگری ضمن تأیید سخنان دستیار ارشد جوزپ بورل، به ملاحظات دیگری اشاره می‌کند. این مقام اروپائی که اخیراً در راس هیاتی برای دیدار با مقامات بریتانیائی به لندن سفر کرده بود، می‌گوید اعتراضات در ایران آغاز شده‌اند، ولی هنوز این نظام را به صورت جدی به چالش نکشیده‌اند و دورهای روشنی ندارند. همین فرد با اتکا به گزارش‌هایی که سفارت‌های اروپائی از تهران برای دولت‌های خود می‌فرستند و کم و بیش دیگر اعضای اتحادیه اروپا نیز به آن دسترسی دارند، اشاره به عدم حضور فعال قشر موسوم به خاکستری در انقلاب «زن زندگی آزادی» می‌کرد و می‌افزود «هروقت قطار انقلاب مردم ایران به راه افتاد شک نداشته باشید که چون در سال ۱۹۷۹ ما نیز سوار آن خواهیم شد.»

همین مقام عالی‌رتبه کشور اروپائی در ادامه به مسئله دیگری هم اشاره کرد و آن عدم انسجام در نیروهای مخالف جمهوری اسلامی و تفرقه رو به گسترش در این نیروها به ویژه در فضای مجازی و در اجتماعات خیابانی است. او می‌گوید «ما روزانه فعالیت‌های گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی را رصد می‌کنیم، حجم آنچه علیه یکدیگر در شبکه‌های اجتماعی می‌نویسند و خشونت کلامی که علیه یکدیگر به کار می‌برند، خیلی بیشتر از آنچه است که علیه جمهوری اسلامی می‌نویسند و می‌گویند!» جمع‌بندی این مقام اروپائی این است که «تا زمانی که تمرکز گروه‌های



تظاهرات لندن برای تروریستی خواندن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

چندین هزار ایرانی که برخی از دیگر شهرهای بریتانیا و یا از دیگر کشورها به لندن آمده بودند، در ۶۶امین روز اعتصاب غذای وحید بهشتی روزنامه‌نگار و فعال حقوق بشر تظاهراتی را با خواست قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی برگزار کردند. در این تظاهرات گروه‌های مختلف با وجود اختلاف نظر یکصدا از دولت بریتانیا خواستند که سپاه پاسداران را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار دهد. این تظاهرات که راس ساعت یک بعد از ظهر آغاز شد، در مقابل دفتر ریشی سوناک نخست وزیر بریتانیا پس از پنج ساعت و سخنرانی بیش از ۱۵ نفر، که برخی از آنان بریتانیائی و اوکراینی بودند به پایان رسید.

شاهزاده رضا پهلوی در نشست «ADL» در واشنگتن:

پیمان ابراهیم با پیوستن ایران سکولار و آزاد به روند صلح پایدار خواهد بود



شاهزاده رضا پهلوی

قول معروف کشیش آلمانی مارتین نيمولر آشنا هستيد که می‌گفت «اول به سراغ سوسیالیست‌ها آمدند سکوت کردم، چون سوسیالیست نبودم. بعد سراغ اتحادیه‌های صنفی آمدند، سکوت کردم زیرا عضو اتحادیه‌ها نبودم. بعد سراغ یهودی‌ها آمدند، سکوت کردم چون یهودی نبودم. سراغ خودم آمدند و دیگر کسی نبود تا اعتراض کند.» بعد از انقلاب اسلامی در ایران و خیلی جاهای دیگر اول سراغ یهودیان آمدند و بعد سراغ بقیه. به همین دلیل است که ما باید صحبت کنیم و من اکنون اینجا هستم و پیشتر به همین دلیل به اسرائیل رفتم تا در برابر یهودی‌ستیزی جمهوری اسلامی بایستم و با قربانیان هولوکاست اعلام همبستگی و در مقابل انکار هولوکاست توسط رژیم اعلام همدردی کنم.»

سفر به اسرائیل: چشم‌انداز جدید در منطقه

وی در ادامه عنوان کرد: «من به اسرائیل رفتم که از مردم کشورم دفاع کنم تا دیگر قربانی نفرت و تعصب نباشند زیرا وقتی اجازه می‌دهیم نفرت بی‌اساس توسط یک گروه کنترل نشود ناگزیر به موارد بیشتری منجر می‌شود. این چیزی است که در کشور من اتفاق افتاده. بنابراین سفرم به اسرائیل صرفاً برای پایبندی به اصول نبود. من برای تبیین یک چشم‌انداز جدید برای منطقه خودمان به این کشور رفتم. چشم‌اندازی که در تقسیم‌بندی‌های ایدئولوژیک اجباری دهه‌های اخیر خلاصه نمی‌شود. بلکه بر پایه روش‌های باستانی سرزمین‌مان و ارتباطات میان مردم استوار است. روابط میان مردم ایران و یهودیان هزاران سال قدمت دارد و ریشه آن به سنت‌های ملکه استر و کوروش برمی‌گردد. با روحیه‌ای برگرفته از کوروش بود که به اسرائیل رفتم زیرا این روحیه مدارا، دوستی و همکاری است که صدای واقعی ملت ایران است نه تروریسم یهودی‌ستیز و محرومیتی که رژیم کنونی اشغالگر کشورم نمایندگی می‌کند، اما برای دیدن این سنت نیازی نیست که به دوران کتاب مقدس برگردیم. این همان روشی است که

چنین سَمی که به سوی دیگران روانه می‌شود آسیب پذیرتر می‌کند. این واقعیت را من از نزدیک در کشورم ایران دیده‌ام.»

او در اینباره توضیح داد: «بهران انقلاب اسلامی و بنیانگذاران رژیم کنونی در سال ۱۹۷۹ که چنین وحشتی را بر کشورم تحمیل کردند خصومتی کور را به سوی مردم یهود سوق دادند. آنها که قدرت را در دست گرفتند دولتمردان پیشین ما را متهم به جاسوسی برای صهیونیست کردند. بازگنان و نیکوکاران یهودی ما مثل حبیب القانیان را اعدام کردند. درواقع از نظر جمهوری اسلامی کل سیستم گذشته بر اساس توطئه یهودی بود. این وحشت ضدیهودی فراگیر بود اما نفرت و توطئه آنها فقط به قوم یهود ختم نشد. با گسترش انقلاب اسلامی، یهودی‌ستیزی فراگیر شد و حکومت چشم به اهداف بعدی خود دوخت. زنان ایران به سرعت به مهمترین هدف انقلابیون و حکومت تبدیل شدند. آنها از نخسین روزهای انقلاب زنان را در ملاء عام ضرب و جرح می‌کردند و تحت آزار و اذیت قرار می‌دادند. از همان ابتدا تفکیک جنسیتی آغاز شد اما این فقط آغاز ماجرا بود و برای چهار دهه زنان را بطور سیستماتیک از حقوق خود محروم کردند و به ویژه از نظر قانونی ارزش آنها نصف یک مرد شد.»

شاهزاده رضا پهلوی در ادامه با اشاره به اقدامات حکومت علیه بهاییان، مسلمانان اهل تسنن و تهدید نوکیشان مسیحی گفت: «حتا اکثریت قریب به اتفاق مسلمانان شیعه در ایران، آنهایی که با تفسیر انحرافی خمینی از دین موافق نبودند نیز مورد اذیت و آزار قرار گرفتند. این آزار و اذیت شامل کسانی مثل آیت‌الله منتظری نیز شد که صدایشان را بلند کردند. اما آنها را یا ساکت کردند یا کشتند. این اذیت و آزار حتا فرهنگ و سنت‌های باستانی ما را نیز هدف قرار داد. رژیم تلاش کرد تا جشن نوروز را ممنوع کند. اکنون ۴۴ سال بعد از انقلاب اسلامی فهرست قربانیان آنچه تحت یک توطئه یهودی‌ستیزانه آغاز شده بود همچنان در حال گسترش است. شما بدون شک با نقل

● نشست «اجلاس رهبری ملی» در سازمان غیردولتی یهودیان آمریکایی «اتحادیه ضد افترا» (ADL) روز یکشنبه ۳۰ آوریل (۱۰ اردیبهشت) با حضور شاهزاده رضا پهلوی در واشنگتن برگزار شد.

● وی در این سخنرانی گفت: «بهران انقلاب اسلامی و بنیانگذاران رژیم کنونی در سال ۱۹۷۹ که چنین وحشتی را بر کشورم تحمیل کردند خصومتی کور را به سوی مردم یهود سوق دادند. آنها که قدرت را در دست گرفتند دولتمردان پیشین ما را متهم به جاسوسی برای صهیونیست کردند. بازگنان و نیکوکاران یهودی ما مثل حبیب القانیان را اعدام کردند.»

● شاهزاده پهلوی با اشاره به روابط حسنه میان مردم ایران و اسرائیل روایت کرد که «این دیپلمات ایرانی عبدالحسین سرداری بود که حاضر به فرار از پاریس اشغالی در جنگ دوم جهانی نشد و شخصاً برای بیش از دو هزار یهودی گذرنامه ایرانی صادر کرد و به آنها اجازه عبور امن به ایران و نجات از اردوگاه‌های کار اجباری هیتلر را داد. او شیندلر ما بود.»

● «امروز پیمان ابراهیم به ما یادآوری می‌کند که داشت روح همکاری و همزیستی همچنان ممکن است. اما من معتقدم چنین صلحی فقط زمانی پایدار خواهد بود و تنها زمانی به حداکثر ظرفیت خود برای بهبود زندگی همه مردم منطقه ما خواهد رسید که یک ایران سکولار و دموکراتیک نیز به آن پیوندد.»

● «همانطور که کوروش به آزادی یهودیان از بابل کمک کرد و به آنها در بازسازی معبد باری نمود، امروز مردم من در اسارت هستند و به همبستگی و حمایت نیاز دارند. معبدی وجود دارد که باید بازسازی شود. این معبد ایران ماست. کنار ما بایستید.»

نشست «اجلاس رهبری ملی» در سازمان غیردولتی یهودیان آمریکایی «اتحادیه ضدافترا» (ADL) روز یکشنبه ۳۰ آوریل (۱۰ اردیبهشت) با حضور شاهزاده رضا پهلوی در واشنگتن برگزار شد.

شاهزاده پهلوی در این سخنرانی که سه روز پس از بازگشت از رم پایتخت ایتالیا صورت گرفت با تریک به مناسبت هفتاد و پنجمین سالگرد تأسیس کشور اسرائیل به مردم آن کشور با اشاره به «۱۱۰ سال تلاش خستگی‌ناپذیر اتحادیه ضدافترا» گفت: «تعهد شما به مبارزه با نفرت به ویژه علیه باورمندان یهودی قابل احترام است و من از شما برای این تلاش‌ها تشکر می‌کنم. می‌دانم که همه مخاطبان اینجا با آفت یهودی‌ستیزی و همچنین اهمیت مقابله با یهودی‌ستیزی و لزوم آموزش آن آشنایی بسیاری دارند. بنابراین اینجا هستم تا دیدگاه خود را در مورد پیامدهای دائمی یهودی‌ستیزی و خسارات و تلفات ناشی از آن صحبت کنم.» وی سپس خود را «یک شاگرد در مکتب صلح جین شارپ تا دکتر مارتین لوتر کینگ و گاندی» دانست و افزود: «من از مدت‌ها پیش به فعالیت‌های ADL احترام می‌گذارم و معتقدم که تأثیر آن فراتر از مقابله با یهودی‌ستیزی است. درواقع تلاش شما به مقابله با تمام اشکال تبعیض کمک می‌کند زیرا نفرت، نفرت است و هر جا که عادی‌نمایی منعقلانه توسط یک گروه مجاز شود جامعه را در برابر

شاهزاده رضا پهلوی «اظهارات نابخردانه» ی ۳۲ عضو پارلمان اسرائیل را «تعرض کلامی به تمامیت ارضی ایران» و «غیرقابل پذیرش» خواند



شاهزاده رضا پهلوی، گیلا گاملیل وزیر اطلاعات، زاچی هانگی مشاور و رئیس ستاد امنیت ملی و ران درمر وزیر امور استراتژیک و سفیر پیشین اسرائیل در آمریکا / پنجشنبه ۳۱ فروردین ۱۴۰۲

نامه ۳۲ عضو پارلمان اسرائیل، کنست، که به نام حمایت این کشور از «اقلیت آذری» تنظیم شده است، بازتاب گسترده‌ای در میان کاربران ایرانی در شبکه‌های اجتماعی داشت. برخی از کاربران این نامه را نتیجه‌ی لابیگری جریان‌های سیاسی ایران می‌دانند که یا به دنبال تجزیه ایران هستند و یا مانند خود جمهوری اسلامی می‌خواهند جامعه را از هر نوع تغییری در جهت سرنگونی نظام کنونی دچار هراس کنند. همچنین «جبهه هفت آبان» با انتشار بیانیه‌ای اظهارات این نمایندگان را محکوم کرد و آن را «اقدامی خصمانه علیه ملت ایران» دانسته و نوشت: «نامه ۳۲ تن از نمایندگان مجلس اسرائیل در رابطه با آنچه که خود آن را «اقلیت آذری» نامیده‌اند نمونه آشکاری از اقدام علیه موجودیت ایران بوده و بهت و انزجار ملت ایران را برانگیخته است.»

اعلام کرد: «تعرض کلامی ۳۲ نماینده مجلس اسرائیل به تمامیت ارضی ایران غیرقابل پذیرش و در خدمت رژیم ضدایرانی جمهوری اسلامی است. این اظهارات نابخردانه در تقابل کامل با مواضع رهبران و مقامات ارشد اسرائیل در دیدارهایی است که با آنها داشتم. امروز نگرانی خودم و هم‌میهنان را به اطلاع دوستان‌مان در اورشلیم رساندم. امیدوارم که آنها با شفاف‌سازی در این خصوص، مانع سوءاستفاده کسانی شوند که از بازسازی دوستی قدیمی میان دو ملت ایران و اسرائیل ناخشنودند.»

این نامه پس از سفر تاریخی شاهزاده رضا پهلوی به اسرائیل و تأکید مقامات ارشد این کشور و وی بر تجدید روابط کهن دو ملت در ایران پس از جمهوری اسلامی منتشر شده است.

● نامه ۳۲ نماینده «کنست» پس از سفر تاریخی شاهزاده رضا پهلوی به اسرائیل و تأکید مقامات ارشد این کشور و وی بر تجدید روابط کهن دو ملت در ایران پس از جمهوری اسلامی منتشر شده است.

● «جبهه هفت آبان» با انتشار بیانیه‌ای اظهارات این نمایندگان را محکوم کرد و آن را «اقدامی خصمانه علیه ملت ایران» دانسته و نوشت: «نامه ۳۲ تن از نمایندگان مجلس اسرائیل در رابطه با آنچه که خود آن را «اقلیت آذری» نامیده‌اند نمونه آشکاری از اقدام علیه موجودیت ایران بوده و بهت و انزجار ملت ایران را برانگیخته است.»

شاهزاده رضا پهلوی در پی نامه ۳۲ تن از ۱۲۰ نماینده مجلس اسرائیل به الی کوهن وزیر خارجه این کشور درباره تجزیه استان آذربایجان طی پیامی به فارسی و انگلیسی

و تنها زمانی به حداکثر ظرفیت خود برای بهبود زندگی همه مردم منطقه ما خواهد رسید که یک ایران سکولار و دموکراتیک نیز به آن بپیوندد. در ایران سکولار و دموکراتیک آینده حاکمیت قانون بر اساس اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه کوروش بزرگ در دفاع از آزادی‌های مذهبی به عنوان یک حق اساسی تثبیت و تضمین خواهد شد. تا مردم در ایران بتوانند آزادانه در کنار یکدیگر زندگی کنند.»

شاهزاده رضا پهلوی در پایان تأکید کرد: «در چنین ایرانی این امر بر اساس اصل احترام متقابل و همزیستی مسالمت‌آمیز، رابطه ما را با همه همسایگان گسترش خواهد داد. این همان ایرانی است که من تصور می‌کنم هم‌میهنانم برای آن می‌جنگند. همانطور که کوروش به آزادی یهودیان از بابل کمک کرد و به آنها در بازسازی معبد یاری نمود، امروز مردم من در اسارت هستند و به همبستگی و حمایت نیاز دارند. معبدی وجود دارد که باید بازسازی شود. این معبد ایران ماست. کنار ما بایستد.»

مردم خاورمیانه هستند از جمله اقلیت‌های مذهبی که در نتیجه‌ی تبعیض، ظلم و درگیری از منطقه فرار می‌کنند و به اروپا پناه می‌برند. توجه به این نکته لازم است که همین چند دهه پیش این مردم اروپا از جمله اعضای جامعه یهودیان این قاره بودند که به دلیل هولوکاست و جنگ به ایران پناه می‌آوردند. این روح همزیستی با همکاری ایران و اسرائیل تا مشارکت ما با کشورهای عرب در خلیج فارس و سراسر خاورمیانه ادامه یافت.»

پیمان ابراهیم با پیوستن ایران سکولار و آزاد به روند صلح پایدار خواهد بود

بخش پایانی سخنرانی شاهزاده پهلوی بیشتر مربوط به مسائل و تهدیدات ناشی از جمهوری اسلامی در خاورمیانه بود. وی گفت: «امروز پیمان ابراهیم به ما یادآوری می‌کند که داشتن روح همکاری و همزیستی همچنان ممکن است. اما من معتقدم چنین صلحی فقط زمانی پایدار خواهد بود

→ ما به عنوان یک ملت تا همین چهار دهه پیش در آن زندگی می‌کردیم. ایرانیان مسلمان، یهودی، مسیحی، زرتشتی، بهایی و افراد بی‌دین به عنوان شهروندانی که دارای حقوق برابر بودند در کنار هم زندگی می‌کردند. این همان چیز است که باعث شد کشور ما پیش از انقلاب اسلامی روحیه کوروش را به سطح منطقه و بین‌الملل نیز گسترش دهد.»

شاهزاده پهلوی در ادامه با اشاره به روابط حسنه میان مردم ایران و اسرائیل روایت کرد که «این دیپلمات ایرانی عبدالحسین سرداری بود که حاضر به فرار از پاریس اشغالی در جنگ دوم جهانی نشد و شخصاً برای بیش از دو هزار یهودی گذرنامه ایرانی صادر کرد و به آنها اجازه عبور امن به ایران و نجات از اردوگاه‌های کار اجباری هیتلر را داد. او شیندلر ما بود [اشاره به اسکار شیندلر سرمایه‌دار و کارآفرین آلمانی که هزاران یهودی را با استخدام در واحدهای تولیدی خود در جنگ جهانی دوم از مرگ نجات داد] امروز این

تجمعات صنفی در ایران به مناسبت روز جهانی کارگر؛ احضار، تهدید و بازداشت با هدف بهم زدن تجمعات



اصلی‌ترین خواسته آنها اجرای دقیق قانون «تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری و تعدیل کارانه‌های پرستاری» است. اساس این قانون انجام پرداخت‌ها بر اساس امتیازدهی به نوع و کیفیت خدمات پرستاری است تا از تبعیض در میان پرستاران جلوگیری شود. قانون «تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری و تعدیل کارانه‌های پرستاری» سال ۱۳۸۶ تصویب شد اما بیش از ۱۵ سال اجرای آن به تعویق افتاده است. عدم امنیت شغلی و شیفت‌های طولانی از جمله دیگر مشکلاتی است پرستاران حتی در اوج دوران همه‌گیری کرونا با آن درگیر بوده‌اند. همزمان با روز کارگر دو شهروند دارای معلولیت در شهر کرمان با گرفتن پلاکارد اعتراضی در برابر بهزیستی این استان به اعتراضات سراسری معلولان ایران پیوستند. این دو شهروند پلاکاردهایی در دست داشتند که روز آن نوشته شده بود: «معیشت شایسته حق مسلم ماست»؛ «اجرای ماده ۲۷، حق مسلم ماست».

معلولان ایران طی روزهای گذشته اعتراضاتی را در شهرهای مختلف به عدم اجرای ماده ۲۷ قانون حمایت از معلولان در پنجمین سالگرد ابلاغ و عدم اجرای قانون برگزار کرده‌اند. روز جهانی کارگر امسال متأثر از جنبش ملی ماه‌های گذشته علیه جمهوری اسلامی، مورد توجه قرار گرفت و یاد کارگران جانباخته زنده شد. شاهداده رضا پهلوی با انتشار عکس‌های کارگران معترض کشته شده در سال‌های اخیر نوشت: «در روز جهانی کارگر، به یاد کارگران میهن‌پرستی هستم که جان‌شان را برای آزادی و آبادی ایران دادند. دوشادوش هم برای روزی مبارزه کنیم که کارگر ایرانی در سایه یک دولت ملی دموکراتیک، دگرباره به رفاه و منزلتی شایسته دست یابد.»

شاهین نجفی فعال سیاسی مشروطه‌خواه، خواننده و آهنگساز نیز در توییتری به مناسبت روز جهانی کارگر نوشت: روز کارگر هر روزی‌ست که کارگر از جان و بدن خویش برای ساختن خرج می‌کند. نظام سیاسی فاسد اسلامی اما کارآفرین‌کش و کارگرکش است. آنکه ایده دارد را فراری می‌دهد و کارگری را که به فساد و فقر اعتراض داشته باشد به دار می‌سپارت. این نظام رفتنی‌ست اما یاد کارگران جان‌باخته‌ی راه آزادی و میهن در تاریخ ماندگار است.

● بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی در چند شهر از جمله کرمان، کرمانشاه، شوش، اهواز و ساری در اعتراض به وضعیت معیشتی و حقوق ناچیز تجمع اعتراضی برگزار کردند.

● در مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، عوامل مدیریت با کمک نیروهای حراست» به نمایندگان مستقل کارگری که در مقابل ساختمان مدیریت اعتصاب غذا کرده بودند، حمله کردند.

● حدود ۲۰ فعال صنفی بازداشت و دست‌کم ۵۰ فعال کارگری در استان‌های تهران، کردستان و گیلان همزمان با روز جهانی کارگر احضار شدند.

● شاهزاده رضا پهلوی: در روز جهانی کارگر، به یاد کارگران میهن‌پرستی هستم که جان‌شان را برای آزادی و آبادی ایران دادند. دوشادوش هم برای روزی مبارزه کنیم که کارگر ایرانی در سایه یک دولت ملی دموکراتیک، دگرباره به رفاه و منزلتی شایسته دست یابد.

● هنگامه چوبین مادر آرتین رحمانی از جانب‌باختگان جنبش انقلابی به مناسبت روز کارگر نوشت: چرا اسیر خاکت کرده‌اند! مگر دستان کوچک و پینه‌بسته تو از این دنیا چه می‌خواست. جز سهمی برابر از کار و زندگی!

روز جهانی کارگر در ایران مثل هر سال صحنه تجمعات فعالان کارگری شاغل و دیگر اصناف حقوق‌بگیر بود. در کنار مطالبات کارگری، امسال کارگران جانباخته در اعتراضات نیز همزمان با روز جهانی کارگر مورد توجه ایرانیان قرار داشتند. روز دوشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۲ برابر با اول ماه مه و همزمان با روز جهانی کارگر، تجمعاتی از سوی کارگران، بازنشستگان و دیگر حقوق‌بگیران در ایران برگزار شد. آنهم در حالی که در روزهای گذشته ده‌ها نفر از فعالان صنفی در ایران بازداشت شده و جمهوری اسلامی همه تلاش خود برای جلوگیری از برگزاری هر تجمعی در روز کارگر و روز معلم در ۱۲ اردیبهشت را به کار گرفت.

در مجتمع کشت و صنعت هفت تپه همزمان با روز کارگر به شماری از کارگران در این مجتمع اعتصاب غذا کرده بودند حمله شد. کانال مستقل کارگران هفت‌تپه در اینباره گزارش داده که «عوامل مدیریت با کمک نیروهای حراست» به نمایندگان مستقل کارگری که در مقابل ساختمان مدیریت اعتصاب غذا کرده بودند، حمله کردند.

بر اساس این گزارش «نیروهای حراست با یوسف بهمنی و ابراهیم عباسی درگیر شدند» و در اعتراض به این اقدام، کارگران تجمع کردند و در واکنش، نیروهای حراست و عبدعلی ناصری مدیر شرکت، در اقدامی از پیش برنامه‌ریزی شده، شرایط را «متشنج» کردند.

عبدعلی ناصری مدیر مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه در پاسخ به انتقادات از شیوه مدیریتش و بی‌اعتنایی به خواسته‌های کارگران در گفتگو با خبرگزاری «ایرنا» با اشاره به ضرب‌المثل «خر مال کسی است که سوارش می‌شود»، گفته بود: «ما هم سوار خر شدیم و پیاده هم نمی‌شویم. هفت‌تپه را ول نخواهیم کرد.»

این سخنان عبدعلی ناصری سبب تشدید اعتراضات کارگری در مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه شده است.

از اول اردیبهشت‌ماه هزاران کارگر شاغل در شرکت‌های پیمانکاری صنعت نفت در اعتراض به وضعیت دستمزد، عدم تناسب میان روزهای کار و استراحت، شرایط دشوار کار و امکانات ناچیز خوابگاه‌ها دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب با همراهی شماری از کارگران شاغل در صنایع فلزی از جمله مس و فولاد ادامه پیدا کرد.

در روز جهانی کارگر نیز مدیران پتروشیمی چوار ایلام ۲۰۰ کارگر پیمانی را که به اجرا نشدن طبقه‌بندی مشاغل و وضعیت معیشتی خود معترض بودند ممنوع‌الورود کردند. به گزارش منابع کارگری، در روزهای گذشته پس از اعتراض به دستمزد پایین و اجرا نشدن طرح طبقه‌بندی از ورود آنها به پتروشیمی جلوگیری شده‌است. تمامی این کارگران قرارداد موقت و به واسطه شرکت‌های پیمانکاری مشغول به کار هستند.

همزمان، خبرگزاری «ایلنا» خبر داد که اعتصاب کارگران پیمانکاری لاستیک‌سازی «بیزتایر» روز دوشنبه و در روز جهانی کارگر وارد سومین روز شد. آنها در اعتراض به تداوم مشکلات خود، وضعیت بد معیشتی و دستمزدهای پایین اعتصاب کرده‌اند.

این کارگران پیشتر در بهمن سال گذشته اعتصاب کرده بودند که به آنها «قول مساعد» برای رسیدگی به مشکلات‌شان داده شده بود اما به گفته آنان، تاکنون اتفاقی نیفتاده است و کارفرمایان به وعده خود عمل نکرده‌اند.

همچنین روز دوشنبه ۱۱ اردیبهشت بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی در چند شهر کشور از جمله کرمان، کرمانشاه، شوش، اهواز و ساری در اعتراض به وضعیت معیشتی و حقوق ناچیز تجمع اعتراضی برگزار کردند.

«حسین حسین شعارشون، دروغ و دزدی کارشون»، «تنگ ما تنگ ما وزیر الدنگ ما»، «فقط کف خیابون به دست میاد حق‌مون» و «ظلم و ستم کافیه، سفره ما خالیه» از جمله شعارهای معترضان در ایران بود.

همزمان کادر درمان و پرستاران بیمارستان «سجاد» شهریار در اعتراض به عدم پاسخگویی مسئولان به خواسته‌هایشان دست به تجمع اعتراضی زدند. پرستاران در هفته‌های اخیر بارها در شهرهای مختلف تجمعات اعتراضی برگزار کردند.

اکثر ۳۲ نماینده کنست که «اظهارات نابخردانه» و «تعرض کلامی به تمامیت ارضی ایران» را امضا کرده بودند، امضای خود را پس گرفتند



شاهزاده رضا پهلوی و گیلا گاملیل وزیر اطلاعات اسرائیل / تل‌آویو / ۲۸ فروردین ۱۴۰۲

است که با آنها داشتیم. امروز نگرانی خودم و هم‌میهنان را به اطلاع دوستان‌مان در اورشلیم رساندم. امیدوارم که آنها با شفاف‌سازی در این خصوص، مانع سوء‌استفاده کسانی شوند که از بازسازی دوستی قدیمی میان دو ملت ایران و اسرائیل ناخشنودند.»

همه فعالان کارگری از جمله کیوان مهدتی، عضو کانون نویسندگان ایران، و دیگر زندانیان سیاسی و عقیدتی شد. حسن سعیدی، کیوان مهدتی و رضا شهابی، فعالان کارگر زندانی، در اطلاعیه مشترکی به مناسبت روز کارگر نوشتند: «سرکوب و بگروبیند در آستانه روز جهانی کارگر و روز معلم پدیده جدیدی نیست. اما استیصال و پرخاش‌جویی دستگاه امنیتی که حتی تحمل همدلی انسانی در حریم خصوصی افراد را ندارد، نشانگر افسار گسیختگی و فرار رو به جلوی حاکمیت است.»

این فعالان کارگری زندانی تأکید کردند که حکومت «می‌خواهد به جای پرداختن به ریشه مشکلات، با پرونده‌سازی و ایجاد رعب و وحشت صورت‌مسئله را پاک کند؛ غافل از آن‌که جامعه ما دیگر بیدار شده و این قلدری‌ها نه تنها از جانب هیچ بخشی از جامعه تحمل نمی‌شود بلکه فقط به تقویت همبستگی و اتحاد بیشتر میان معترضان به وضع موجود منجر خواهد شد.»

اسماعیل عابدی، آموزگار محبوس در زندان «کچویی» کرج نیز به مناسبت روز ملی معلم و روز جهانی کارگر در پیامی نوشت: «شهروندان این کشور صرفاً خواسته‌های طبیعی و قانونی خود را طلب می‌کنند و سزای آن‌که جویای حق است، داغ و درفش نیست.»

او افزوده که «احکام قضایی و سرکوب مانع حق طلبی مردم نخواهد شد، بی‌توجهی به خواسته‌های معیشتی، و اصل آزادی در جنبه‌های مختلف و نادیده‌انگاری مردم ایران نه تنها به عقب‌نشینی فعالان منجر نمی‌شود، بلکه طغیان اجتماعی و عصیان عمومی را در پی خواهد داشت.»

● گیلا گاملیل وزیر اطلاعات اسرائیل: «پس از اطلاع از توصیه به حمایت از تشکیل دولتی در بخشی از خاک ایران برای آذری‌ها، اکثر اعضای امضاکننده را قانع کردم تا امضای خود را پس بگیرند و از آن خارج شوند.»

گیلا گاملیل وزیر اطلاعات اسرائیل که میزبان شاهزاده رضا پهلوی در سفر تاریخی وی با پیام صلح و آشتی بین دو ملت ایران و اسرائیل بود، در پیامی اعلام کرد: «پس از اطلاع از توصیه به حمایت از تشکیل دولتی در بخشی از خاک ایران برای آذری‌ها، اکثر اعضای امضاکننده را قانع کردم تا امضای خود را پس بگیرند و از آن خارج شوند.»

پس از گفتگوهایی که با آنها داشتم نتیجه گرفتیم که این اقدام به برقراری مناسبات بین دو ملت که به تازگی شروع کرده‌ایم آسیب می‌زند. مبارزه با رژیم آیت‌الله سود مشترک همه ماست.»

اخیراً ۳۲ تن از ۱۲۰ عضو پارلمان اسرائیل در نامه‌ای به الی کوهن وزیر خارجه این کشور توصیه کرده بودند که برای کمک به «اقبلیت آذری» در ایران از آنها «حمایت» شود!

شاهزاده رضا پهلوی در پیامی این نامه را محکوم و اعلام کرد: «تعرض کلامی ۳۲ نماینده مجلس اسرائیل به تمامیت ارضی ایران غیرقابل پذیرش و در خدمت رژیم ضدایرانی جمهوری اسلامی است. این اظهارات نابخردانه در تقابل کامل با مواضع رهبران و مقامات ارشد اسرائیل در دیدارهایی

خانه محمد حبیبی، سخنگوی زندانی کانون صنفی معلمان تهران، جمعی از معلمان، فعالان کارگری و صنفی و مدنی را که به دیدار خانواده او رفته بودند، بازداشت کردند.

بنا بر این گزارش، مأموران حکومتی در جریان این یورش شماری از فعالان صنفی به نام‌های ریحانه انصاری‌نژاد، عسل محمدی، هیراد پیربداقی، آیشا اسدالهی، سروناز احمدی، کامیار فکور، حسن چرتابی، ژاله روحزاد، احمد حیدری، و الدوز هاشمی را بازداشت و به زندان اوین منتقل کردند.

خبرگزاری فارس در خبری جداگانه ادعا کرد که دلیل بازداشت برخی از این فعالان گردهمایی آن‌ها «با هدف طراحی و هماهنگی برای ایجاد تنش در تجمعات کارگری و معلمان و هدایت آن‌ها به سوی اعتصابات سراسری» بوده است.

بر اساس گزارش دیگری دستکم ۵۰ فعال کارگری در استان‌های تهران، کردستان و گیلان همزمان با روز جهانی کارگر احضار شدند.

در آنسو تشکلهای صنفی مختلف در ایران با صدور بیانیه‌هایی به مناسبت روز کارگر، فشار بر فعالان صنفی را محکوم و جمهوری اسلامی را هدف انتقاد قرار دادند.

شورای بازنشستگان ایران با انتشار بیانیه‌ای به مناسبت روز جهانی کارگر نوشت: «با گستردگی اعتصابات و اعتراضات کارگران و معلمان و بازنشستگان و زنان برای تغییر شرایط موجود، در دل وسیع‌ترین یورش‌های پلیسی به همه بخش‌های اجتماعی، جامعه در یک رویارویی قطبی برای تعیین تکلیف قرار گرفته است.»

کانون نویسندگان ایران نیز با انتشار بیانیه‌ای، ضمن گرامی‌داشت روز جهانی کارگر، خواهان آزادی بی‌قیدوشرط

هنگامه چوبین مادر آرتین رحمانی از جانب‌خاستگان جنبش انقلابی آبان گذشته در ایده با نشر تصویری از فرزندش در محیط کار، به مناسبت روز کارگر در اینستاگرام نوشت: «چرا اسیر خاکت کرده‌اند! مگر دستان کوچک و پینه‌بسته تو از این دنیا چه می‌خواست. جز سهمی برابر از کار و زندگی!» هنگامه چوبین در ادامه دلنوشته‌اش برای آرتین نوشته که «بیدار شو. دنیا بدون انسانهای شجاعی مثل تو

هر روز تبدیل به زندان بزرگتری می‌شود.. هم درس می‌خواندی هم کارگر بودی پسرم. امروز روز توست. بلند شو، نگو شرمندهم مادر، که دینداران دستان خودشان و فرزندانشان را با شیر و عسل می‌شورند و داغ دروغ و ریا بر پیشانی می‌گذارند.»

مادر آرتین رحمانی در ادامه نوشته که «امروز روز توست پسرم. کارگر باشرف و شجاع سرزمینی که دینداران دروغین با شکم‌های پرآمده سیر می‌خواهند و کودکان و کارگران و زنان نان‌آور گشته... مرگ بر این بی‌عدالتی. مرگ بر این اسارت. مرگ بر این دیکتاتوری.»

آرتین رحمانی نوجوان ۱۶ ساله ایده‌های شامگاه ۲۵ آبان بر اثر اصابت گلوله در جریان اعتراضات در شهر ایده کشته شد. آن شب کیان پیرفلک کودک ۱۰ ساله و چند شهروند دیگر نیز با شلیک مستقیم مأموران حکومتی جان باختند.

روز گذشته و در آستانه روز کارگر نیز تجمعاتی اعتراضی از سوی کارگران و دیگر اصناف در شهرهای مختلف برگزار شد. منابع کارگری گزارش دادند که ۱۳ شهر در یازده استان خوزستان، اصفهان، فارس، تهران، کرمانشاه، گیلان، مازندران، سیستان و بلوچستان، مرکزی، خراسان رضوی، و یزد روز یکشنبه ۱۰ اردیبهشت صحنه تجمعات اعتراضی بودند.

در استان خوزستان شماری از کارگران صنعت نفت و گاز در چهار واحد صنفی مجزا شامل پتروشیمی رازی در ماهشهر و کارگران سه دفتر فنی شاغل در پروژه‌های میدان نفتی جفیر اهواز اعتصاب کردند.

اعتراضات کارگری در حالی ادامه داشته که نهادهای امنیتی و قضایی طی روزهای گذشته همه تلاش خود را برای احضار، تهدید و بازداشت فعالان صنفی به کار گرفتند تا از هر گونه هماهنگی و سازماندهی برای تجمعاتی در روز جهانی کارگر و روز معلم جلوگیری کنند.

همچنین در روز جهانی کارگر ۱۰ فعال کارگری در شهر سندرچ با احضار توسط ستاد خبری اداره اطلاعات و نیروی انتظامی روبرو شده و پس از مراجعه به این نهادها برای ساعات طولانی بازداشت شدند. منابع محلی خبر دادند که سوسن رازانی، هاجر سعیدی، مظفر صالح‌نیا، شریف ساعدینا، کامران ساختمانگر، رامین کریمی، ربیوار عبداللهی، توفیق محمودی، رضا امجدی و حبیب‌الله کریمی فعالان کارگری در سندرچ هستند که تا بعد از ظهر دوشنبه در بازداشت بوده‌اند. همزمان در تهران عطا باباخانی از اعضای قدیمی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حوله روز دوشنبه ۱۱ اردیبهشت بازداشت شد.

به گزارش سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، آقای باباخانی به همراه همسر و فرزندش در حال رانندگی بود که مأموران امنیتی، آنها را به خانه برگرداندند و پس از تفتیش خانه، این فعال کارگری را بازداشت کردند و با خود بردند. سندیکای کارگران شرکت واحد ضمن محکوم کردن «تداوم سرکوب و پرونده‌سازی برای اعضای سندیکا و فعالان کارگری و بازنشسته»، از جمله «بازداشت عطا باباخانی و اذیت و آزار خانواده‌اش»، خواهان «منع تعقیب و پرونده‌سازی و آزادی بدون قید و شرط» برای این فعال کارگری شد.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران نیز خبر داده بود روز جمعه ۸ اردیبهشت مأموران امنیتی با یورش به

ارائه شش طرح به کنگره آمریکا برای مقابله با لغو تحریم‌ها و افزایش فشار بر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی



بازدید محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در کنار عبدالرحیم موسوی فرمانده ارتش از یکی از پایگاه‌های زیرزمینی پهبادی ارتش

می‌کند تا با نمایندگان برای یافتن راه حلی جهت رسیدگی به فعالیت‌های هسته‌ای و مخرب ایران همکاری کند.»

طرح داگ لمبورن

بر اساس طرح نماینده داگ لمبورن، تحریم‌های سپاه بیشتر می‌شود و هزاران شرکت و هسته‌های کوچک‌تری را که توسط این سازمان تروریستی اداره می‌شوند شامل می‌شود. شبکه گسترده سپاه که به آمریکای لاتین و اروپا گسترش یافته، از اکثر تحریم‌های آمریکا در حال حاضر مصون مانده است.

طرح برایان استیل

اقدام دیگری با حمایت نماینده برایان استیل در جریان است که دولت بایدن را از لغو تحریم‌های مرتبط با تروریسم باز می‌دارد، مگر اینکه بتواند ثابت کند که فرد یا نهادی از مشارکت در این فعالیت‌ها دست کشیده است. منابع آگاه در کنگره گفته‌اند که این طرح پاسخی مستقیم به تصمیم دولت اوباما برای دور زدن یکجانبه تحریم‌های تروریسم علیه رژیم ایران از طریق یکسری مجوزهای اجرایی است.

طرح کوری میلز

طرح چهارم هم توسط نماینده کوری میلز نماینده فلوریدا تهیه شده که دولت بایدن را از لغو تحریم‌های موجود منع می‌کند.

طرح میلز همچنین تحریم‌ها را علیه سپاه پاسداران گسترش می‌دهد. اگرچه این نهاد در سال ۲۰۱۹ به عنوان یک سازمان تروریستی از سوی آمریکا معرفی شد، اما شبکه گسترده وابسته به آن همچنان فعال است. طبق این طرح هر مؤسسه مالی که با یکی از شرکت‌های مرتبط با سپاه معامله کند مشمول تحریم‌های آمریکا می‌شود.

این طرح همچنین مانع دولت بایدن از لغو تحریم‌های موجود علیه «ماهان ایر» و تمام ناوگان ایران که سلاح و جنگنده‌های شبه‌نظامیان را در سراسر منطقه حمل می‌کند، خواهد شد. مقامات رژیم ایران برای لغو این تحریم‌ها به عنوان بخشی از هرگونه توافق جدید با ایالات متحده فشار می‌آورند.

دو طرح دیگر، از سوی ویلسون و پت فالون ارائه شده که دسترسی سپاه به مؤسسات مالی بین‌المللی را قطع کرده و این تشکیلات نظامی و نامتعارف و ایدئولوژیک را بیش از پیش منزوی می‌کند.

که این گفتگوها ممکن است محرک رژیم ایران برای افزایش فعالیت‌های نظامی و حملات خود به ایالات متحده باشد. کوین هرن رئیس کمیته مطالعاتی جمهوریخواهان می‌گوید که این اقدام قانونی هشدار به کاخ سفید است که جمهوریخواهان «تلاش‌های مستمر دولت بایدن برای ورود مجدد به توافق ایران را فراموش نکرده‌اند.»

با توجه به تردید چاک شومر رهبر اکثریت سنا برای مداخله در دیپلماسی کاخ سفید با رژیم ایران، کسب تأییدیه در سنا تحت کنترل دموکرات‌ها می‌تواند مشکل ایجاد کند. هرن گفت، اما کارگروه امنیت ملی کمیته مطالعاتی به رهبری جو ویلسون، «نقش اساسی» در ارائه این طرح‌ها به دموکرات‌ها و جمهوریخواهان کنگره ایفا خواهد کرد. به گفته چندین دستیار نماینده‌های جمهوریخواه، کارزار لایبگری جمهوریخواهان شامل یک فشار «بسیار تهاجمی» برای گنجاندن این طرح‌ها در قانون «مجوز دفاع ملی» امسال است که میزان هزینه‌های سالانه آن بطور مشترک با سنا تدوین می‌شود.

بسته کمیته مطالعاتی، دولت بایدن را در استفاده از اختیارات اجرایی برای لغو یکجانبه تحریم‌ها علیه تهران منع می‌کند. درست همانطور که دولت اوباما کنگره را برای امضای توافقنامه اصلی برجام در سال ۲۰۱۵ دور زد.

طرح جان جیمز

یکی از ابزارهای اصلی برای توقف یک توافق جدید، لایحه‌ای است که توسط جان جیمز نماینده جمهوریخواه رهبری می‌شود که بر اساس آن هرگونه توافق با ایران یک معاهده رسمی تلقی شده و نیاز به تأیید کنگره دارد. با تقسیم سنا، دولت بایدن احتمالاً در جذب دو سوم لازم برای تصویب یک معاهده شکست خواهد خورد. این لایحه به تنهایی دیپلماسی را خنثی می‌کند و کاخ سفید را از عمل به هرگونه وعده به تهران باز می‌دارد.

طرح جیمز همچنین تحریم‌ها علیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و شاخه برون‌مرزی آن «سپاه قدس» را گسترش می‌دهد. طبق این طرح تحریم افراد و نهادهایی که با تأمین مالی سپاه مرتبط هستند گسترش می‌یابد.

جیمز در بیانیه‌ای به فری بیکن گفت: «با وجود مخالفت دو حزبی در کنگره و عدم حمایت متحدان و شرکای اسرائیلی و عرب، پرزیدنت بایدن در را بطور کامل به روی مذاکره درباره توافق هسته‌ای معیوب با ایران نبسته است.... طرح من بر اساس مسئولیت قانونی کنگره دولت را مجبور

● این طرح‌ها توسط اعضای کمیته مطالعات جمهوریخواه محافظه‌کار حمایت می‌شود و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی شامل ارتش و سپاه، مقامات دولتی و بخش مالی ایران را هدف قرار می‌دهد.

● واشنگتن فری بین گزارش داده اگرچه دولت بایدن ادعا می‌کند که مذاکرات با ایران دیگر اولویت نیست اما شماری از نمایندگان مطلع از این موضوع معتقدند کاخ سفید همچنان در پشت صحنه برای تضمین یک توافق هسته‌ای جدید کار می‌کند.

● به گفته چندین دستیار نماینده‌های جمهوریخواه، کارزار لایبگری جمهوریخواهان شامل یک فشار «بسیار تهاجمی» برای گنجاندن این طرح‌ها در قانون «مجوز دفاع ملی» امسال است که میزان هزینه‌های سالانه آن بطور مشترک با سنا تدوین می‌شود.

● بسته کمیته مطالعاتی، دولت بایدن را در استفاده از اختیارات اجرایی برای لغو یکجانبه تحریم‌ها علیه تهران منع می‌کند. درست همانطور که دولت اوباما کنگره را برای امضای توافقنامه اصلی برجام در سال ۲۰۱۵ دور زد.

● بر اساس طرح نماینده داگ لمبورن، تحریم‌های سپاه بیشتر می‌شود و هزاران شرکت و هسته‌های کوچک‌تری را که توسط این سازمان تروریستی اداره می‌شوند شامل می‌شود. شبکه گسترده سپاه که به آمریکای لاتین و اروپا گسترش یافته، از اکثر تحریم‌های آمریکا در حال حاضر مصون مانده است.

جمهوریخواهان مجلس نمایندگان آمریکا مجموعه‌ای از شش طرح برای گسترش تحریم‌ها علیه رژیم ایران و محدود کردن کاخ سفید برای لغو احتمالی تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی در معاملات آتی ارائه دادند. این طرح‌ها توسط اعضای کمیته مطالعات جمهوریخواه محافظه‌کار حمایت می‌شود و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی شامل ارتش و سپاه، مقامات دولتی و بخش مالی جمهوری اسلامی را هدف قرار می‌دهد.

«واشنگتن فری بیکن» در همین ارتباط ۲۸ آوریل (۸ اردیبهشت) گزارش داد این طرح‌ها در حالی پیگیری می‌شود که دولت بایدن برای «احیای برجام» تلاش می‌کند. اگرچه دولت بایدن ادعا می‌کند که مذاکرات با ایران دیگر اولویت نیست اما شماری از نمایندگان مطلع از این موضوع معتقدند کاخ سفید همچنان در پشت صحنه برای تضمین یک توافق هسته‌ای جدید کار می‌کند. فری بیکن در این ماه گزارش داد

بازنش

مشاوره برای مردن

(کیهان لندن شماره ۱۱۷۶)

مهر ۱۳۸۶

احمد احرار



گورستان «پرلاشز» پاریس - آرامگاه صادق هدایت

دوازده صفحه گزارش دیدار با ملک‌الموت، اسلام می‌نویسد «تا هوا بکلی روشن نشده و وقت نگذشته دست به کار شوم که بالاخره اینجا هم شکست خوردم. کار تمیز از آب درنیامد و کثافتکاری شد. ببخشید». علتش این بود که رفیق فقید ما نمی‌دانست در عصر حاضر برای خودکشی باید قبلاً با یک متخصص مشورت کرد تا کار تمیز انجام شود. من هم نمی‌دانستم تا همین چند روز پیش که شرحی درباره آقای «تون وینک» مشاور خودکشی خواندم.

تون وینک اهل هلند، دکتر در فلسفه و مشاور خودکشی است. در هلند، «اتانازی» یا مرگ با کمک پزشک (شاید واژه مرگ‌درمانی ترجمه ساده‌تر و بهتری برای euthanasie باشد) از سال ۲۰۰۲ قانونی شناخته شد و پزشک مجاز است به زندگی بیمارانی که امیدی به نجاتشان نیست و از بیماری غیر قابل علاج رنج می‌برند خاتمه دهد اما کمک به خودکشی مجاز نیست. اکنون طرفداران خودکشی تمیز نیز انجمنی تشکیل داده‌اند به نام «بنیاد افق» و برای مجاز شناخته شدن «اتو - اتانازی» فعالیت می‌کنند. دکتر تون وینک، که عمری است در موضوع خودکشی مطالعه می‌کند و چندین کتاب، از جمله کتابی به نام «فلسفه و عمل» در زمینه خودکشی نوشته است با این بنیاد همکاری دارد.

بنیاد افق «Einder» مراکز برای گفت و گو درباره خودکشی و شیوه‌های مختلف آن دایر ساخته است که به گفته دکتر تون وینک، هدف گفت و گوها تشویق مردم به مردن نیست. هدف، یاری دادن به آنهاست تا درباره کاری که می‌خواهند انجام دهند آگاهی لازم داشته باشند: «من توصیه نمی‌کنم. من مشاورم. اطلاعات می‌دهم. از بین کسانی که به من مراجعه می‌کنند تنها ۱۰ تا ۱۵ درصدشان واقعاً قصد خودکشی دارند، دیگران فقط می‌خواهند کسب اطلاع کنند. در اغلب موارد کسانی که به من مراجعه می‌کنند که بیش از شصت سال دارند و برای مردن با کمک پزشک از شرایط کافی برخوردار نیستند. ضمناً میل ندارند در خانه سالمندان بمانند. می‌خواهند با آرامش بمیرند و برای کسب اطلاعات با بنیاد افق تماس می‌گیرند. به هر حال، مردن حق هر انسان و شاید طبیعی‌ترین حق اوست!»

تون وینک برای هر نوبت مشاوره ۵۰ یورو حق «ویزیت» می‌گیرد و هرگز به دیدن «بیماران» نمی‌رود، ضمناً به مراجعاتش اجازه نمی‌دهد در وصیتنامه خود پاداشی برای کمکهای او منظور دارند.

اطلاعات بیشتری اگر لازم داشتید با «پستچی» کیهان مکاتبه کنید!

او یک شب تا صبح با مرگ کشمکش داشت و در تمام این مدت، حال و وضع خود را می‌نوشت. اسلام، هم نویسنده، هم شاعر، هم نقاش و هم خطاط بود. ابتدا با خط خوش وصیتنامه‌اش را می‌نویسد. بعد، تریاک می‌خورد و به انتظار می‌نشیند ولی اثری از مرگ ظاهر نمی‌شود. یادداشتهای خودش، از این لحظه‌ها، خواندنی است:

«من در چند ماه پیش که خیال خودکشی و راحت شدن آرام و همراه با نشسته به سرم زد یک مثال و نیم (تریاک) از آن بیوک آقای ترک به قیمت گران خریدم، مقدار کمی هم جنس اعلای سناتوری قبل از انقلاب متعلق به مرحوم... از مدت‌ها پیش، از رفیق عزیزی به دست من رسیده بود همه را برای روز مبادا نگهداشته بودم و کسی نمی‌دانست. اول آن یک مثال و نیم خریداری را با دقت پودر کردم و در کپسولهای پیچیده در خمیر نان خوردم. به علاوه غذای شور و یک بطری شراب و نیم بطری ویسکی که هر یک می‌گویند برایم سم مهلک است. (قبل از ساعت ۱۲ شب) مخفی مانادم که در نوشتن، ساعتی بعد قدری دستم لرزید و چرتم برد و فکر کردم شکر خدا تمام شد ولی پیداست کاری نیست. دارم شام می‌خورم، می‌نویسم، و بقیه سم را که پودر کرده‌ام و از عصر در خمیر نان کپسول کرده‌ام یکی یکی می‌اندازم بالا و رویش شراب. اما اختراع دیگری هم برخاستم و کردم. دنیا را چه دیدی، شاید چیزی که این بیوک آقای ترک ترکیه می‌فرود قلابی باشد. باید به وسیله مؤثرتری هم دست زد... (پنج دقیقه فاصله) اختراع کامل شد. یک کیسه پلاستیکی و خفگی. الان ملنگم و خوشحالم که راحت می‌شوم، شما هم خوشحال باشید. یکی دیگر انداختم بالا و شراب و غذای نمک‌دار خوشمزه. تله‌ویزیون احمقانه روشن است. حافظ را هم باز کردم. آمد: یارب آن نوگل خندان که سپردی به منش الخ... (کم کم خط اسلام در هم و برهم می‌شود) دیگر من که عاشق زیبایییم از زشتی خطم بدم آمد... حالا یک سیگار که ۹ ماه در ذخیره داشتم روشن کنم و از ترس این که سم بیوک آقا کاری نباشد خودم را خفه کنم یا به قول بیهقی خیه سازم... دیگر ساعت ۷/۵ صبح شد. اگر دستم می‌لرزد اثر بیست و چهار ساعت بی‌خوابی و اینهمه ناپرهیزی است. به اساس حرفها معتقدم ولی دیگر احوال منظم نوشتن مانده است... ساعت ۷/۴ صبح ششم آوریل... یاهو. اسلام. دیگر دلم سخت می‌خواهد لالا کنم ولی می‌ترسم سُر و مَر و گنده بیدار شوم.»

البته آن خوابی بود که بیداری نداشت. اما چه شد که به یاد اسلام افتادم و خودکشی او. در آخرین سطور از ده -

در گورستان «پرلاشز» پاریس، اندکی پایین‌تر از آرامگاه صادق هدایت، نام یک ایرانی بر سنگی نقش بسته است: اسلام کاظمیه.

اسلام، که او نیز از طایفه اهل قلم بود، نزدیک به نیم قرن پس از خودکشی هدایت، همان راه را برای پیوستن به هفت‌هزار سالگان برگزید با این تفاوت که هدایت از فرط دلزدگی نسبت به جهانی که آن را ترک می‌گفت آخرین نوشته‌های خود را قبل از مرگ پاره کرد و دور ریخت. اسلام کاظمیه، تا واپسین لحظه زندگی قلم را در دست فشرد و شرح دیدارش را با مرگ بر روی کاغذ آورد.

درباره خودکشی هدایت بسیار نوشته‌اند. یکی از آخرین نوشته‌ها، خاطره‌ای از دکتر هوشنگ کاووسی است که آن زمان در پاریس تحصیل می‌کرد: «دکتر حسن شهید نورائی، یکی از یاران هدایت و خانلری در این هنگام در پاریس می‌زیست و از بیماری کلیه در رنج بود. ما دانشجویان گاه‌گاه به دیدارش می‌رفتیم، به ویژه در آخرین روزهای حیاتش... یک روز ناگهان دانستیم که در اثر همین بیماری فوت کرده است. عده‌ای از دانشجویان برای شرکت در تشییع جنازه او به خانه‌اش رفتیم. همینطور که در حیاط مشعر زیبای خانه در انتظار رسیدن اتومبیل مخصوص حمل جنازه بودیم، دوست دانشجوییم، سعید فاطمی، که از راه می‌رسید به من گفت می‌گویند دیشب صادق هدایت در خانه‌اش خودکشی کرده... خبر ناگهانی و حیرت‌آور بود چون که دو سه روز پیشتر هدایت و یکی از دوستانش را در یکی از کافه‌های بولوار سن‌میشل (کارتیه لاتن) ملاقات کرده بودم. گفتم حتماً شایعه است. اما عصر همان روز در روزنامه Le Soire که مدیریت آن را فرانسوا آراگون به‌عهده داشت خواندم که صادق هدایت نویسنده ایرانی در آپارتمان خود در بخش هیجدهم پاریس با گاز خودکشی کرده. فردایش روزنامه‌های دیگر این خبر تأسّف‌آور در نوشتند... بعدها ما دانستیم که او پس از مسدود کردن تمام منافذ اتاق، شیر گاز را باز کرده و خوابیده و همسایه با احساس بوی گاز، پلیس و «پومپیه - ساپور» را خبر کرده و آمده‌اند و شیر گاز را بسته و جنازه را به پزشکی قانونی انتقال داده‌اند.»

خودکشی با گاز، از قراری که می‌گویند، نوع مطبوعی از خودکشی است زیرا انسان بر اثر استنشام گاز به‌نوعی خلسه فرو می‌رود و بدون آن که رنجی احساس کند به آرامی جان می‌سپارد. عیبش فقط این است که خطر انفجار را در پی دارد. جرقه‌ای کافی است که گاز را مشتعل و خانه را منفجر کند. خودکشی اسلام کاظمیه اما به این سادگی صورت نگرفت.

پس از واقعه ۱۷ شهریور، شاه از نظر روانی متلاشی شد و در اندوهی ژرف فرو رفت

پخش ترانه انقلابی «مرغ سحر» از رادیو شاه را شدیداً خشمگین کرد
نه فقط وفاداری، بلکه سود مملکت نیز ایجاب می‌کرد که در آن روزها

دشوار از شاه پشتیبانی کنیم

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از آذر ۱۳۸۳ تا شهریور ۱۳۸۴ - از شماره ۱۰۳۳ تا ۱۰۷۱)

بازنش

آخرین روزها
پایان سلطنت و
درگذشت شاه
(۱۱)



دکتر هوشنگ نهاوندی

اساس رویدادها و حوادث واقعی زندگی انسانها نوشته می‌شود. برای نوشتن این کتاب، نویسنده از کمکهای بی دریغ و سخاوتمندانه اردشیر زاهدی، دکتر اصلاان افشار، شجاع‌الدین شفا، پروفیسور عباس صفویان و دکتر داریوش شیروانی بهره‌مند بوده است. این شخصیتها که در ماههای آخر سلطنت محمدرضا شاه تماس روزانه با او داشتند، اطلاعات، خاطرها و به‌یادمانده‌های خود را در اختیار نویسنده قرار داده‌اند. نویسنده ضمناً از دکتر هادی هدایتی، دکتر کاظم ودیعی و بیژن خلیلی مدیر شرکت کتاب سپاسگزاری کرده است. کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» دارای ۱۵ فصل است و با یک پی‌نوشت کوتاه و احساسی به‌پایان می‌رسد. کیهان بخشهایی از این کتاب را با موافقت نویسنده و ناشر، از این شماره به‌چاپ می‌رساند.

در ایران یا با شاه به‌دست می‌آید، یا به دست نمی‌آید». این اظهار نظر مختصر، در پاره‌ای از محافل «پیشرو» آن زمان، جنجالی به‌پا کرد. باور داشتم باید از شاه پشتیبانی کرد تا تحول سیاسی که در نهایت به آن نیازمند بودیم، در آرامش و صلح و بر اساس قانون، با وجود او صورت گیرد.

بنابراین از کوچکترین بهانه‌ای سود می‌جستم و به دیدار شاه می‌رفتم و بر پشتیبانی‌م از او، تأکید می‌کردم. و اندکی بعد، زمانی که به گفته اصلاان افشار کاخ شاه «بیش از پیش خالی» شد و دیدارکنندگان انگشت‌شمار، فقط می‌رفتم تا درکنارش باشم.

اما این بار، بهانه شرفیابی جدی بود. می‌خواستم خطوط اصلی طرح قانونی استقلال دانشگاهها را که تصمیم داشتم به مجلس بدهم، به او ارائه کنم. طرحی انقلابی بود که به‌موجب آن دانشگاهها تقریباً خودگردان می‌شدند. این رؤیای همه دانشگاهیان بود. او با حواس‌پرتی به من گوش سپرد و گفت که موافق است.

آنگاه دگرگونیهایی را که می‌خواستم روز بعد در محدوده رؤسای دانشگاهها، مسؤولین سازمانهایی که در حیطه وزارتخانه‌ام بودند، و معاونان وزیر انجام دهم برایش شرح دادم.

پرسید: پیش از آن که دولت رأی اعتماد بگیرد؟
پاسخ دادم: سال تحصیلی روز ۲۱ همین ماه آغاز می‌شود. آنها باید آماده باشند.

سرش را تکان داد. متوجه شدم که موضوع جالب توجهش نیست. به‌نظر می‌رسید در دوردستها به‌سر می‌برد. جایی دیگر، اما هنگامی که گفتم می‌خواهم یکی از معاونان وزیر را که در اداره سازمان تحت مسؤولیتش ناکارا و همواره غایب است عوض کنم، ناگهان از جا پرید و گفت: «نه، این... راه، ناگهان با شگفتی بسیار شنیدم که یکی از بی‌ادبانه‌ترین ناسزاهای زبان فارسی را به‌کار برد که: «اگر خدا بخواد و ما بتوانیم دوباره اوضاع را مرتب کنیم، می‌دانم با این مفسد دسیسه‌گر کثیف چه کنم. تمام خدعه‌هایش را می‌دانم، حتی در خانه ما». شنیدم آن ناسزاهای از زبان شاه که همواره با بیانی مؤدب، مهربان و مبادی آداب سخن می‌گفت، شگفت‌انگیز ←

سر کلاس می‌رفت و هیچگاه کار تدریس را رها نکرد و به‌مدد همین سوابق دانشگاهی بود که پس از مهاجرت به فرانسه ۱۷ سال به‌عنوان استاد در دانشگاه پاریس تدریس کرد.

نهاوندی در سالهای ۱۳۵۰ گروه بررسی مسایل ایران را بنیان گذاشت به امید آنکه پیشنهادات این گروه راهگشای اصلاحاتی در ساختار آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران شود. نهاوندی برای جمع‌آوری مطالب کتاب پانصد صفحه‌ای خود، مختصری از حافظه معروفش و مقدار زیادی از یادداشت‌های روزانه یا شبانه‌اش سود جسته است.

کتاب از آغاز تا پایان، سرشار است از حوادث پرهیجان و اخبار دست اول که بیشتر اوقات نویسنده شخصاً درگیر آن بوده است و به همین دلیل محتوای کتاب شبیه رمانهای جذابی است که بر

ترجمه فارسی کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» نوشته دکتر هوشنگ نهاوندی از سوی شرکت کتاب در لس‌آنجلس منتشر شده است.

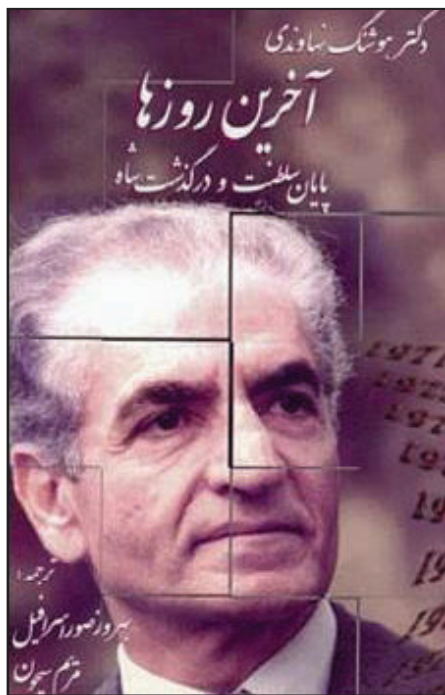
پهروز صوراسرافیل و مریم سیحون مترجمان این کتاب، به‌خوبی از عهده برگرداندن آن از زبان فرانسه به فارسی برآمده‌اند.

دکتر نهاوندی در دوران سلطنت محمدرضا شاه پهلوی وزارت آبادانی و مسکن و علوم و آموزش عالی و ریاست دانشگاههای پهلوی و تهران را به‌عهده داشت. وی مدتی نیز رئیس دفتر علیاحضرت شهبانو و چندی رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی بود. اما در تمام این سالها وی بیشتر با محافل روشنفکری، علمی و دانشگاهی نشست و برخاست داشت تا با دولتیان. نهاوندی در دوران ریاست‌ش بر دانشگاههای پهلوی و تهران هفته‌ای چند ساعت

روز ۱۰ سپتامبر، درست دو هفته پس از تشکیل، هیأت دولت که به پایان کارش رسیده بود، به مجلسین معرفی شد، و پس از بحث و گفتگوهای مبهم که از رادیو دولتی پخش شد، رأی اعتماد گرفت. همان روز، گروه «بررسی مسایل ایران» با انتشار بیانیه‌ای طولانی اعلام کرد که افرایون انقلابی، چنانکه خود گفته‌اند، خیال دارند همه آزادیبها را که زنان ایران به‌تدریج و در طول ده‌ها سال به‌دست آورده بودند، و همچنین برابری آنان را با مردها در جامعه و سیاست، پس بگیرند و قوانین اجتماعی و اصلاحات ارضی را که در تضاد با اسلام می‌دانستند، مورد تردید قرار دهند. در پایان بیانیه، گروه با لحنی تند، به دولت در برابر روند شرایط، اخطار کرده بود: «چگونه می‌توان گذاشت همه حقوق اجتماعی و سیاسی و اقتصادی که زنان و همچنین روستائیان و کارگران در پانزده سال گذشته به‌دست آورده‌اند، از میان برود؟».

دو روزنامه بزرگ عصر پایتخت، متن کامل آن بیانیه را چاپ کردند. سه وزیر در میان اعضای گروه بودند. هشدار بیانیه، کاملاً روشن و آشکار بود. بخشی از دولت، با سیاستهای آن موافق نبود. بسیاری دیگر از وزیران نیز با این هشدار هم‌رأی بودند.

ساعت پنج و نیم بعد از ظهر قرار بود با شاه ملاقات کنم. هنگامی که آجودان ویژه مرا به دفتر او راهنمایی کرد، شاه پیش از آن که با من دست بدهد، با لحنی عجیب گفت: «چگونه جرأت کردید؟» درک نکردم منظورش چیست. سپس بلافاصله افزود: «در موقعیت کنونی، برآستی شجاعت می‌خواهد که چیزی که گروه شما گفته، بیان شود. هم اکنون روزنامه‌ها را خواندم.» و آنگاه گفت: «از رادیو - تلویزیون خواستم... (معمولاً می‌گفت دستور دادم) ...» بیانیه‌تان را پخش کنند.» ناگهان دریافتم که چه اندازه گمان می‌کند که همگان ره‌ایش کرده‌اند - در حالی که چنین نبود. و سپس ادامه داد: «شعارهایشان را شنیده‌اید؟» و بی آن که در انتظار پاسخ بماند، افزود: «مگر من با آنها چه کرده‌ام؟ بگوئید با آنها چکار کرده‌ام؟» پاسخ دادم که فریادهای نفرت یک اقلیت ناچیز نباید به‌منزله احساسات ملتی تلقی شود که به شاه خود وفادارند و به دنبال وسیله‌ای برای اثبات آن هستند. و این،



هنوز واقعیت داشت.

اما من به‌خاطر مسائل دیگری تقاضای شرفیابی کرده بودم. خالی کردن پیرامون شاه آغاز شده بود: سودجویان از جمله در خانواده خودش، رنگ عوض کرده بودند و می‌کوشیدند اطمینان به ادامه سودجوییهایشان را در جاهای دیگر بجویند. شاه خود را بیشتر و بیشتر ره‌اشده و تنها احساس می‌کرد.

نه فقط وفاداری و اخلاق، بلکه سود مملکت نیز ایجاب می‌کرد که در آن روزهای دشوار از او پشتیبانی کنیم. تردید نداشتم که هر انتقادی هم از سیاستهای او می‌کردم، باید پشتیبانیش می‌ماندم. هنوز هم پس از گذشت سالها، گمان می‌کنم حق داشتم. او همچنان تنها اهرم هر پیشرفتی در ایران بود. به نشریه مشهور انگلیسی «بزرور» گفتم: «دموکراسی



رادیو و تلویزیون ملی ایران

نبود، ولی به ندرت پخش می‌شد. شاه حق داشت. این احتمالاً تحریک بود. ما در دوران نشانه‌ها و اشاره‌ها بودیم.

– اعلیحضرت، از من چه برمی‌آید؟ رادیو در اختیار من نیست.

– یک کاری کنید. این فاجعه است، خرابکاری است.

برای یک بار، حرف درستی زده شد، سپس، قطع کرد.

خشکم زده بود. رئیس رادیو – تلویزیون ملی پسر دایی و همانند برادر شهبانو بود. معمولاً هیچ کاری بدون اجازه او انجام نمی‌شد. باید او را به کاخ احضار می‌کردند، وگرنه، نباید نخست وزیر را که در این گونه موارد مخاطب همیشگی بود مورد پرسش قرار می‌دادند؟ متوجه شدم شاه، که همیشه همه از او اطاعت می‌کردند، حتی در یک مورد پیش پا افتاده نمی‌داند باید چه کند.

چند ساعت بعد با خبر شدم نخست وزیر، که شاه دست او را باز گذاشته بود تا هرچه می‌خواهد بکند، دو روز پیش از آن، از شاه تقاضای برکناری رضا قطبی را کرده بود – از آن رو که او از بستگان و تقریباً برادر شهبانو بود، شاه گفته بود که برکناری او همسرش را ناراحت خواهد کرد و افزوده بود: «آخرین اخطار را به قطبی بدهید. باید کمونیست‌هایی را که اطرافش را گرفته‌اند و مهار همه چیز را در دست دارند، بیرون کنند.» و نخست وزیر پاسخ داده بود: «او حتی تلفنهای مرا پاسخ نمی‌دهد.» این شاید توجیهی باشد که شاه چون خود را تا حدودی مقصر می‌دانست، به شریف امامی زنگ زده بود.

به راستی نمی‌دانستم در این مورد، چه باید کرد. به وزیر اطلاعات که رئیس رضا قطبی بود تلفن کردم و ملاحظاتی شاه را به او گفتم. همکارم گفت که خواهد کوشید او را بیاید، و افزود: «اما این، کار آسانی نیست.» (ادامه دارد)

➔ بود. افزود: «فعلاً نباید به او هیچ بهانه‌ای داد که خود را قربانی وانمود کند، چون او از هر آخوری آب می‌آشامد. اگر ممکن است، چشم از او برندارید.»

با این حال، چند هفته بعد، شاه گویا به خواهش شهبانو، آن شخص را به مدت پانزده دقیقه ملاقات کرد.

شرفیابی من کوتاه بود. بیست دقیقه هم به درازا نکشید. هنگامی که می‌خواستم مرخص شوم ناگهان از من پرسید: «نظرتان در مورد شریف امامی چیست؟» این، پرسشی غیر عادی بود، زیرا شاه هرگز از وزیران در مورد نخست‌وزیر که رئیسشان بود پرسشی نمی‌کرد، زیرا نمی‌خواست او را تضعیف کند. پاسخ دادم: «قربان، جلسات هیأت دولت را خوب می‌گرداند.» که حقیقت داشت. او گفت: «بله، حتماً.» آیا او از انتخاب خود پشیمان شده بود؟ احتمالاً.

خشم شاه

روز یازدهم سپتامبر، ساعت هشت و نیم صبح در اتومبیل اداری در بلوار کمربندی تهران که شهرداری آن را «دوگل» نام داده بود، در حال ورود به پایتخت بودیم. چند دقیقه پیش، اخبار بامدادی رادیو دولتی که بر حسب عادت گوش می‌دادم، پایان یافته بود. تا وزارتخانه ده دقیقه راه بود. تلفن اتومبیل زنگ زد. مأمور محافظم پاسخ داد. ناگهان رنگش پرید. دستش تقریباً می‌لرزید. با هیجان بسیار گفت: «اعلیحضرت می‌خواهند با شما صحبت کنند.» البته خود شاه نبود، تلفنچی کاخ بود. من نیز کمتر از محافظ شگفت زده نشدم. شاه، هرگز به وزیران تلفن نمی‌کرد. کسی هم جز شهبانو، نخست وزیر، وزیر دربار – و بسیار کمتر – رئیس ستاد کل ارتش، به او تلفن نمی‌کرد. اردشیر زاهدی نیز هنگامی که وزیر امور خارجه بود این کار را می‌کرد، اما نه وزیران پیش از او، و نه جانشینش عباس خلعتبری چنین نمی‌کردند. آنان در موارد اضطراری، از طریق نخست وزیر تماس می‌گرفتند. حتماً وضع بدی پیش آمده بود. شاه، که به او ادای احترام کردم، بدون تأمل تقریباً فریاد زد: «شنیدید؟» گفتم که در اتومبیل هستم و اگر اجازه دهد به فرانسه سخن بگویم و پاسخ دهم.

– در چه مورد؟ اعلیحضرت.

– بیانیه شما را پخش کردند.

– گمان می‌کنم که خود اعلیحضرت امر فرموده بودید.

– البته. ولی تصنیفی که پس از آن پخش کردند... این



رضا قطبی در کنار شهبانو فرح پهلوی

مایکروسافت: کارزار سایبری جمهوری اسلامی علیه «دشمنان» و چهره‌های اپوزیسیون



طرح: آیدا عامر / آکسیوس

گروه قرار گرفته‌اند.

وی معتقد است این تغییر استراتژی مقدمه‌ای برای دسترسی به زیرساخت‌های حیاتی آمریکاست تا در صورت صدور دستور از سوی جمهوری اسلامی، اقدامات تلافی‌جویانه انجام شود.

شرکت مایکروسافت همچنین تاکید کرد تشدید حمله گروه‌های سایبری ایران و همزمانی آن با سایر اقدامات رژیم جمهوری اسلامی می‌تواند به یک سیاست جدید امنیت ملی مرتبط باشد. سیاستی که نشان می‌دهد چنین گروه‌هایی در اقدامات خود از آزادی عمل بیشتری برخوردار هستند.

مایکروسافت اعلام کرده که رژیم ایران در حال حاضر دارای یک «راهنمای بازی قابل پیش‌بینی» در عملیات سایبری خود است. این راهنما شامل استفاده از حساب‌های آنلاینی که قبلاً ایجاد کرده‌اند- از جمله حساب‌های رسانه‌های اجتماعی و سرویس‌های پیام‌رسان- برای علنی کردن و بزرگنمایی از تأثیر یک حمله سایبری سطح پایین است.

مایکروسافت این هشدار را داده است که این حملات اطلاعاتی و تخریبی در آینده ادامه خواهد داشت و توصیه کرده که افراد و سازمان‌ها از ابزارهای امنیتی مختلف برای محافظت از خود در برابر این نوع حملات استفاده کنند.

بخش دیگری از فعالیت این اکانت‌ها انتشار پست‌هایی در رسانه‌های اجتماعی است که محتوای آنها با اهداف خاصی تنظیم شده است. سپس، انبوهی از اکانت‌های غیرمعتبر برای تقویت و «برای تبلیغات» به سود آن محتوا فعال می‌شوند.

مایکروسافت برآورد کرده شیوه نشر اطلاعات غلط توسط حکومت نسبت به شیوه قبلی آن یعنی حمله از طریق باج‌افزار یا حذف اطلاعات بیشتر شده است. با این حال، مایکروسافت هشدار داده که تمام انواع حملات سایبری در آینده به زیرساخت‌های حیاتی ایالات متحده و اسرائیل همچنان پابرجاست، زیرا برخی از گروه‌های ایرانی احتمالاً به دنبال تاکتیک‌های جدیدی برای انجام چنین حملاتی هستند.

طبق گزارش مایکروسافت تاکتیک‌های حکومت ایران در حملات سایبری در حال تغییر است، اما اهداف حکومت تا حد زیادی یکسان باقی مانده و عمدتاً بر محور نشر اطلاعات غلط در مورد اسرائیل، چهره‌های اپوزیسیون ایران و آمریکا و کشورهای عربی منطقه حاشیه خلیج فارس متمرکز است.

بر اساس این گزارش، بین اکتبر ۲۰۲۲ و مارس ۲۰۲۳ نزدیک به یک چهارم عملیات سایبری حکومت ایران علیه اسرائیل بود اگرچه ایالات متحده، امارات متحده عربی و عربستان سعودی نیز شامل تهدیدات وسیعی شدند.

به گزارش وبسایت مایکروسافت «بازیگران سایبری ایران در خط مقدم حملات فعال سایبری قرار دارند که در آن عملیات سایبری تهاجمی را با عملیات نفوذ چندجانبه ترکیب می‌کنند تا تغییرات ژئوپلیتیک را در راستای اهداف رژیم تقویت کنند. اهداف این حملات شامل تلاش برای تقویت مقاومت فلسطین، دامن زدن به ناآرامی در بحرین، و مقابله با تداوم عادی شدن روابط اعراب و اسرائیل، با تمرکز ویژه بر ایجاد وحشت و ترس در میان شهروندان اسرائیل است.»

همچنین تاکید شده رژیم ایران از طریق این فعالیت‌های سایبری به دنبال افشای اطلاعاتی با هدف تخریب و سرفکندگی چهره‌های اپوزیسیون رژیم یا افشای روابط «فاسد» آنهاست تا شتاب اعتراضات سراسری را کاهش دهد. اکثر عملیات نفوذ سایبری توسط یک گروه ایرانی که مایکروسافت آن را «توفان شن پنهان» می‌نامد، اجرا می‌شود. برخی دیگر این گروه را «Emennet Pasargad» می‌نامند.

مدیر تیم‌های اطلاعاتی و تحقیقاتی واحد امنیت مایکروسافت را می‌گوید این گروه بیشتر به تعقیب فعالین سیاسی و اجتماعی، مخالفان و همچنین پایگاه‌های صنایع دفاعی شهرت دارد اما حالا شاهد یک تغییر قابل توجه در شیوه فعالیت آنان هستیم.

به گفته او، تمرکز این گروه بر زیرساخت‌های حیاتی آمریکا معطوف شده، بطوری که تا کنون چندین بندر، بخش حمل و نقل و همچنین بخش انرژی این کشور هدف حمله این

طبق گزارش مایکروسافت تاکتیک‌های حکومت ایران در حملات سایبری در حال تغییر است، اما اهداف حکومت تا حد زیادی یکسان باقی مانده و عمدتاً بر محور نشر اطلاعات غلط در مورد اسرائیل، چهره‌های اپوزیسیون ایران و آمریکا و کشورهای عربی منطقه حاشیه خلیج فارس متمرکز است.

بر اساس گزارش‌ها، تمرکز گروه سایبری که مایکروسافت فعالیت آنها را «توفان شن پنهان» می‌نامد، بر زیرساخت‌های حیاتی آمریکا معطوف شده، بطوری که تا کنون چندین بندر، بخش حمل و نقل و همچنین بخش انرژی این کشور هدف حمله این گروه قرار گرفته‌اند.

در گزارش مایکروسافت تاکید شده «بازیگران سایبری ایران در خط مقدم حملات فعال سایبری بوده‌اند که در آن عملیات سایبری تهاجمی را با عملیات نفوذ چندجانبه ترکیب می‌کنند تا تغییرات ژئوپلیتیک را در راستای اهداف رژیم تقویت کنند. اهداف این حملات شامل تلاش برای تقویت مقاومت فلسطین، دامن زدن به ناآرامی در بحرین، و مقابله با تداوم عادی شدن روابط اعراب و اسرائیل، با تمرکز ویژه بر ایجاد وحشت و ترس در میان شهروندان اسرائیل است.»

همچنین تاکید شده رژیم ایران از طریق این فعالیت‌های سایبری به دنبال افشای اطلاعاتی با هدف تخریب و سرفکندگی چهره‌های اپوزیسیون رژیم یا افشای روابط «فاسد» آنهاست تا شتاب اعتراضات سراسری را کاهش دهد.

مایکروسافت اعلام کرده که رژیم ایران در حال حاضر دارای یک «راهنمای بازی قابل پیش‌بینی» در عملیات سایبری خود است. این راهنما شامل استفاده از حساب‌های آنلاینی که قبلاً ایجاد کرده‌اند. از جمله حساب‌های رسانه‌های اجتماعی و سرویس‌های پیام‌رسان- برای علنی کردن و بزرگنمایی از تأثیر یک حمله سایبری سطح پایین است.

مایکروسافت برآورد کرده شیوه نشر اطلاعات غلط توسط حکومت نسبت به شیوه قبلی آن یعنی حمله از طریق باج‌افزار یا حذف اطلاعات بیشتر شده است.

شرکت مایکروسافت سه‌شنبه ۲ ماه مه (۱۲ اردیبهشت) در گزارشی هشدار داد که هکرهای تحت حمایت حکومت ایران اقدامات سایبری خود را برای انتشار اطلاعات نادرست به شدت افزایش داده‌اند.

فعالیت‌های مخرب سایبری جمهوری اسلامی در سال ۲۰۲۲ بیش از سه برابر افزایش پیدا کرده است.

براساس گزارش آکسیوس مایکروسافت تخمین می‌زند که حکومت ایران پشت ۲۴ مورد تلاش برای «عملیات نفوذ سایبری» در طول سال ۲۰۲۲ بوده است که ۱۷ مورد آن پس از ژوئن ۲۰۲۲ (خرداد ۱۴۰۱) اتفاق افتاد.

این یافته‌های مایکروسافت نشان می‌دهد اقدامات سایبری متخاصم رژیم ایران افزایش پیدا کرده و این در حالیست که پیش از این فعالیت هکرهای وابسته به حکومت ایران بیشتر بر حملات مخرب سایبری متمرکز بود.

بطور معمول تا پیش از این روسیه و چین دشمنان ایالات متحده در انتشار گسترده اطلاعات نادرست بودند.

جمهوری اسلامی با ۱۸ روزنامه‌نگار زندانی در روز جهانی آزادی مطبوعات



● جمهوری اسلامی بر اساس آخرین فهرست آزادی مطبوعات که از سوی سازمان «روزنامه‌نگاران بدون مرز» بین ۱۸۰ کشور در رده ۱۷۸ قرار دارد. در حال حاضر ۱۸ روزنامه‌نگار در جمهوری اسلامی در زندان بسر می‌برند که ده نفر از آنها زن هستند.

● در آستانه «روز جهانی آزادی مطبوعات» الهه محمدی و نیلوفر حامدی که به دلیل اطلاع رسانی در رابطه با قتل مهسا (ژینا) امینی از بیش از ۲۰۰ روز پیش در بازداشت هستند، به «همکاری با دولت متخاصم آمریکا، تباری علیه امنیت ملی و فعالیت تبلیغی علیه نظام» متهم شدند.

● کیوان صمیمی روزنامه‌نگار با سابقه که ۶ بهمن سال گذشته پس از تحمل دو سال زندان آزاد شده بود، ۳۱ فروردین بار دیگر به اتهام «ارتباط دوباره با گروهک‌های ضد انقلاب خارج از کشور» بازداشت شد.

● روزنامه‌نگاران ایرانی که در خارج کشور زندگی می‌کنند نیز از همان ماه‌های اول تشکیل جمهوری اسلامی تحت فشار قرار دارند. فشارهایی که در ۶ ماه گذشته به صورت چشمگیری افزایش یافته است.

احمد رأفت - مجمع عمومی سازمان ملل متحد در دسامبر ۱۹۹۳ میلادی در چهل و هشتمین اجلاس خود، روز سوم ماه مه را به عنوان «روز جهانی آزادی مطبوعات» اعلام کرد. این روز در بسیاری از کشورها جشن آزادی مطبوعات است، در حالی که در برخی دیگر از کشورها این روز یادآور فقدان هرگونه آزادی رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران است.

جمهوری اسلامی بر اساس آخرین فهرست آزادی مطبوعات که از سوی سازمان «روزنامه‌نگاران بدون مرز» بین ۱۸۰ کشور در رده ۱۷۸ قرار دارد. بر اساس آخرین آمار «فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران» در حال حاضر ۱۸ روزنامه‌نگار در جمهوری اسلامی در زندان بسر می‌برند که ده نفر از آنها زن هستند.

در آستانه «روز جهانی آزادی مطبوعات» سخنگوی قوه قضائیه اعلام کرد که کیفرخواست علیه الهه محمدی و نیلوفر حامدی که به دلیل اطلاع رسانی در رابطه با قتل مهسا (ژینا) امینی بازداشت شده بودند و بیش از ۲۰۰ روز است که در زندان بسر می‌برند، صادر شده است. این دو روزنامه‌نگار متهم به «همکاری با دولت متخاصم آمریکا، تباری علیه امنیت ملی و فعالیت تبلیغی علیه نظام» شده‌اند. هنوز مشخص نیست که کی و در کجا دادگاه این دو روزنامه‌نگار برگزار خواهد شد. ۳۱ فروردین کیوان صمیمی نیز بار دیگر بازداشت شد. کیوان صمیمی ۶ بهمن سال گذشته پس از تحمل دو سال زندان آزاد شده بود. اینبار این روزنامه‌نگار ۷۴ ساله را به اتهام «ارتباط دوباره با گروهک‌های ضد انقلاب خارج از کشور» بازداشت کرده‌اند. این روزنامه‌نگار با سابقه یک روز پس از برگزاری انتخابات بحث‌برانگیز سال ۸۸ نیز بازداشت و به ۶ سال زندان محکوم شده بود.

فشارهای جمهوری اسلامی بر رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران تنها به داخل کشور محدود نمی‌شود. تهدید روزنامه‌نگاران ایرانی که در خارج کشور زندگی می‌کنند نیز از همان ماه‌های اول تشکیل جمهوری اسلامی آغاز شد و هنوز هم

ادامه دارد. کم نیستند روزنامه‌نگارانی که در این چهار دهه به دلیل تهدیدهایی که دریافت کرده‌اند تحت مراقبت‌های ویژه پلیس کشورهای محل خود قرار گرفتند. اگر بخواهیم تنها به آخرین مورد اشاره کنیم، ۲۴ بهمن سال گذشته، شبکه تلویزیونی «ایران انترنشنال» در لندن به درخواست پلیس بریتانیا و در پی تهدیدهای بی‌شماری که دریافت کرده بود مجبور شد دفتر خود را در این کشور تا اطلاع ثانوی تعطیل کند و برنامه‌های زنده خود را از دفتر این رسانه در واشنگتن پخش کند.

یکی از روزنامه‌نگارانی که در ایران کار می‌کند، و به دلایل قابل درک نمی‌خواهد نامی از او برده شود، به کیهان لندن می‌گوید «شرایط کار در داخل واقعا بسیار سخت است و هر لحظه کسانی که تلاش می‌کنند به تعهد خبررسانی مستقل پایدار بمانند می‌توانند بازداشت شوند.» همین روزنامه‌نگار می‌افزاید «تنها در ۶ ماه گذشته علاوه بر کسانی که بازداشت شدند و در زندان هستند یا به قید وثیقه آزاد و در انتظار برگزاری دادگاه هستند، و شمار آنها بیش از ۷۰ نفر است، حداقل صد نفر دیگر نیز به دلایل سیاسی یا تعطیلی رسانه‌هایی که در آن به کار مشغول بودند کار خود را از دست دادند.»

در روزهای پایانی سال ۱۴۰۱ روزنامه «هم‌میهن» در ایران در گزارشی، با استناد از یک نظرسنجی، فعالیت رسانه‌ای روزنامه‌نگاران در سالی که گذشت و بطور مشخص ۶ ماه اخیر را بررسی کرده است. در این نظرسنجی که ۵۰ خبرنگار روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های مستقل، نیمه‌مستقل و دولتی در آن شرکت کردند، ۹۲ درصد اعلام کردند که همچنان به رسالت خبرنگاری اعتقاد دارند و در خیرش «زن، زندگی، آزادی» تاثیرگذارتر بوده‌اند. در این گزارش آمده است که بعضی از فعالان رسانه‌ای و خبرنگاران به دلیل حجم بالای شکایت‌ها، احضارها، دستگیری‌ها، فشارها و محدودیت‌های کاری و پاسخگو نبودن مسئولان دولتی درباره تصمیمات‌شان، سال ۱۴۰۱ را سال سخت روزنامه‌نگاری توصیف کرده‌اند، ولی معتقدند با وجود این در همین مدت، گزارش‌های متعددی

از اعتراضات، وضعیت بازداشتی‌ها و خانواده‌های‌شان در روزنامه‌های مستقل منتشر شد، هرچند در برخی موارد منتهی به دستگیری خبرنگارانی هم شده است.

اکبر منتجبی سردبیر روزنامه «سازندگی» و رئیس انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران (TPJA) در مصاحبه با روزنامه «هم‌میهن» می‌گوید: «سالی که گذشت، یکی از بدترین سال‌های روزنامه‌نگاری حداقل در ۲۰ سال اخیر از نظر امنیت شغلی بود.» اکبر منتجبی در همین گفتگو می‌افزاید «روزنامه‌نگارانی بودند که پس از مرگ مهسا امینی به دلیل ماموریت‌هایی که از طرف روزنامه‌های‌شان داشتند، بازداشت و احضار شدند یا تذکر گرفتند. بطور کلی مجموعه این اتفاقات سبب شد تا تقریباً ۱۰۰ روزنامه‌نگار در همین مدت اخیر بازداشت شوند. این آمار بسیار بالاست و نشان‌دهنده عدم امنیت شغلی برای حرفه خبرنگاری است.» روزنامه‌نگار یکی از تلویزیون‌های خارج کشور که به دلیل مقررات رسانه‌ای خواسته است نامی از او برده نشود به افزایش فشار بر خانواده‌اش در ایران اشاره می‌کند و می‌گوید: «در ۶ ماه گذشته دو بار پدرم را احضار کرده‌اند و هر بار او را تهدید کردند در صورتی که من همکاری‌ام با این رسانه را قطع نکنم آنها می‌توانند او را بازداشت کرده و یا از شرکتی که در آن مشغول به کار است بخواهند او را به خاطر همکاری با ضدانقلاب اخراج کند.» همین روزنامه‌نگار می‌افزاید «در گذشته نیز هر از گاهی تلفنی تذکر می‌دادند ولی حالا احضار می‌کنند و تهدیدها بسیار جدی‌تر است.»

البته جمهوری اسلامی تنها حکومتی نیست که رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران را تحت فشار قرار می‌دهد. در حال حاضر دست‌کم ۵۷۰ روزنامه‌نگار در کشورهای مختلف تنها به خاطر فعالیت‌های رسانه‌ای در زندان بسر می‌برند. از دیگر کشورهای که سازمان «خبرنگاران بدون مرز» از آنها به عنوان «زندانی روزنامه‌نگاران» نام می‌برد می‌توان به میانمار (۷۵ روزنامه‌نگار زندانی) ترکیه (۳۲ روزنامه‌نگار زندانی)، سوریه (۲۷ روزنامه‌نگار زندانی) پادشاهی سعودی (۲۴ روزنامه‌نگار زندانی) و مصر (۲۲ روزنامه‌نگار زندانی) اشاره کرد.

گفتگو با ایرج مصداقی؛ برای تشکیل پادشاهی مشروطه آیا شاهزاده رضا پهلوی آمادگی پذیرش چنین مقامی را دارد؟



عکس از فیسبوک ایرج مصداقی

که رستم در صدر همه آنهاست.» ما این پدیده را حتی در حافظ با یک فاصله چند صد ساله با فردوسی نیز می‌بینیم. مردم پس از استیلای عرب و بعدها مغول وقتی خرابی‌ها و نابسامانی‌ها را می‌بینند، وقتی ظلم و تعدی و فساد را مشاهده می‌کنند و از کشت و کشتار و خون و خونریزی بیزار می‌شوند، وقتی فرهنگ نوحه و عزای اسلامی روح و روان‌شان را می‌آزارد دل‌تنگ گذشته می‌شوند. گذشته‌ای که نسبت به امروز اصلاً روشن نیست. کمتر سند و نوشته‌ای از آن زمان وجود دارد. در حالی که هزاران فیلم سینمایی و مستند از دوران شاه هست، همه آلبوم‌های خانوادگی‌شان را ورق می‌زنند و واقعیت‌ها را می‌بینند. معلوم است که نسبت به آن دوران غبطه می‌خورند. مردم از دخالت مذهب در زندگی‌شان خسته هستند در حالی که می‌دانند در دوران گذشته چنین چیزی در جامعه ایران نبود. می‌دانند ایرانی در همه جای دنیا دارای عزت و احترام بود. اینها افسانه نیست.

● فکر می‌کنید شرایط سیاسی و اجتماعی کشور به نحوی پیش خواهد رفت که بجای استبداد دینی کنونی یک پادشاهی مشروطه بر اساس اصول دموکراتیک روی کار بیاید؟
- من فکر می‌کنم آنچه مهم است براندازی نظام اسلامی است و نه شکل حکومتی که قاعداً صندوق رای و آرای مردم می‌بایست آن را تعیین کند. برای تشکیل یک پادشاهی مشروطه هم بایستی دید آیا کسی مثل شاهزاده رضا پهلوی اصلاً آمادگی پذیرش چنین مقامی را دارد؟
با توجه به آنچه در کشورهای منطقه، آفریقا، و اروپای شرقی در سه دهه گذشته اتفاق افتاده من شانس برای به قدرت رسیدن دوباره سلطنت نمی‌بینم. اما به نظرم شاهزاده رضا پهلوی می‌تواند به عنوان یک چهره مهم نقش‌آفرینی کند.

● ولی آیا اساساً بازسازی پادشاهی مشروطه در ایران امکانپذیر است؟

- به نظرم بازگشت به گذشته نه منطقی است و نه امکانپذیر است. شاهزاده رضا پهلوی به عنوان یک چهره می‌تواند نقش‌های متفاوتی را به عهده بگیرد. به نظرم لزومی ندارد که افراد به دلیل وراثت از حقی برخوردار شوند. شاهزاده رضا پهلوی نیز به مقام انتخابی باور دارد و نه موروثی. سلطنت به هیچیک از کشورهای که در ۳۳ سال گذشته دستخوش تغییر شدند بازنگشته است. بعید می‌دانم سرنوشت ایران متفاوت باشد.

● فکر می‌کنید به چه علت ساختار پادشاهی در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته همچنان حفظ شده؟

- در دنیای نظام‌های حکومتی تاجایی که مشکلی برای مردم ایجاد نکنند پایدار باقی می‌مانند و کسی دست به ترکیب آن نمی‌زند. سوالی که می‌توان مطرح کرد اینست که چرا در کشورهای مثل آلمان و اتریش و فرانسه و یونان و... که قبلاً پادشاهی بودند تلاشی برای بازگشت به گذشته وجود نداشته و ندارد!

● به نظر شما، احتمال اینکه یک استبداد ناسیونالیستی با پوشش ملی‌گرایی بجای استبداد مذهبی در ایران بنشیند تا چه اندازه است؟

- این احتمال وجود دارد. ما باید کاری کنیم که این احتمال منتفی و یا تا حد ممکن تضعیف شود. نظام حکومتی پادشاهی اردن و مراکش به هیچ وجه غیردموکراتیک‌تر و سرکوبگرتر از جمهوری‌هایی مانند سوریه و مصر و لیبی نبوده‌اند. تفاوت چندانی هم بین مصر جمهوری و مراکش سلطنتی نیست. به نظر من شکل نظام‌های حکومتی تعیین‌کننده نیستند بلکه محتوای آنها مهم است و نه اسمی که دارند.

سلسله قاجار و پس از تبعید رضاشاه این فکر بود که در ایران جمهوری برقرار شود که هر یک بنا به دلایلی انجام نشد.

● آیا می‌توان گفت آیین شهریاری خود را در ملی‌گرایی تعریف می‌کنند؟

- ملی‌گرایی لزوماً در آیین شهریاری و یا سلطنتی متحقق نمی‌شود ما انواع حکومت‌ها را می‌توانیم داشته باشیم که ملی‌گرا باشند اما سلطنتی نباشد. البته آیین شهریاری و یا سلطنتی نیز می‌تواند خود را ملی‌گرا تعریف کنند. ملی‌گرایی نمی‌تواند در انحصار کسی باشد.

● چرا جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر از بین براندازان بیش از همه علیه پادشاهی‌خواهان فشار امنیتی وارد می‌کند؟

- در دهه‌های گذشته و به ویژه دهه اول انقلاب پدیده پادشاهی‌خواهی در جامعه ایران مطرح نبود و ما نیز که در زندان بودیم با چنین پدیده‌ای روبرو نبودیم. بنابراین فشارهای امنیتی دستگاه‌های امنیتی بر روی آنها وجود نداشت. اما امروز وضعیت فرق کرده و کسانی که در همین جنبش اخیر اعدام شدند به روشنی خود را پادشاهی‌خواه و یا طرفدار شاهزاده رضا پهلوی می‌خواندند. دستگاه امنیتی به صراحت از چهره‌های سیاسی می‌خواهد که علیه شاهزاده رضا پهلوی موضع‌گیری کنند تا از رانت امنیتی برخوردار باشند و امتیازهای متعددی در اختیارشان گذاشته شود. حتی می‌بینیم که تلویزیون نظام اسلامی برنامه تلویزیونی مجاهدین علیه شاهزاده رضا پهلوی را پخش می‌کند. نبض اجتماع در دست رژیم است و به خوبی از اقبال عمومی نسبت به شاهزاده رضا پهلوی خبر دارد به همین دلیل است که فشار امنیتی را روی طرفداران او می‌گذارد و با حساسیت بیشتری فعل و انفعالات آنها را دنبال می‌کند.

● اغلب نسل‌هایی که زندگی در دوران پهلوی را تجربه نکرده‌اند از دستاوردهای آن دوران به خوبی یاد می‌کنند؛ آیا دلیل این نکوداشت و حمایت‌ها تنها تنفر از رژیم جمهوری اسلامی است؟

- برای اولین بار نیست که چنین باوری در مردم ایران شکل می‌گیرد. در گذشته نیز ما با چنین پدیده‌ای روبرو بودیم. دکتر اسلامی ندوشن می‌گوید: «بعد از ایجاد شاهنامه این فکر عمومیت پیدا کرد که از خسروان گذشته با آب و تاب یاد شود، از دادگستری نوشیروان، شکوه پرویزی، شادی و شور دور بهرام گور، حکمت بزرگمهر، تا برسد به پهلوانان

● هزاران فیلم سینمایی و مستند از دوران شاه هست، همه آلبوم‌های خانوادگی‌شان را ورق می‌زنند و واقعیت‌ها را می‌بینند. معلوم است که نسبت به آن دوران غبطه می‌خورند. مردم از دخالت مذهب در زندگی‌شان خسته هستند در حالی که می‌دانند در دوران گذشته چنین چیزی در جامعه ایران نبود. می‌دانند ایرانی در همه جای دنیا دارای عزت و احترام بود. اینها افسانه نیست.

● نبض اجتماع در دست رژیم است و به خوبی از اقبال عمومی نسبت به شاهزاده رضا پهلوی خبر دارد به همین دلیل است که فشار امنیتی را روی طرفداران او می‌گذارد و با حساسیت بیشتری فعل و انفعالات آنها را دنبال می‌کند.

● آنچه مهم است براندازی نظام اسلامی است و نه شکل حکومتی که قاعداً صندوق رای و آرای مردم می‌بایست آن را تعیین کند. برای تشکیل یک پادشاهی مشروطه هم بایستی دید آیا کسی مثل شاهزاده رضا پهلوی اصلاً آمادگی پذیرش چنین مقامی را دارد؟

● با توجه به آنچه در کشورهای منطقه، آفریقا، و اروپای شرقی در سه دهه گذشته اتفاق افتاده من شانس برای به قدرت رسیدن دوباره سلطنت نمی‌بینم. اما به نظرم شاهزاده رضا پهلوی می‌تواند به عنوان یک چهره مهم نقش‌آفرینی کند.

فیروزه نوردستروم - ایرج مصداقی نویسنده، پژوهشگر و زندانی سیاسی سابق یکی از جان‌به‌دربندگان اعدام‌های تابستان ۱۳۶۷ است که در تمام سال‌های گذشته در همین زمینه افشاکاری و تلاش کرده است. پیگرد و محاکمه حمید نوری دستیار سیدابراهیم رئیسی معروف به «قاضی مرگ» در دهه شصت خورشیدی و اعدام‌های سال ۶۷ با تلاش و پیگیری‌های وی به عنوان یکی از شاکبان نوری تحقق یافت. این کنشگر سیاسی که خود را یک جمهوریخواه می‌داند معتقد است در میان چهره‌های سیاسی ایران بجز شاهزاده رضا پهلوی فردی را برای رهبری گذار از جمهوری اسلامی به آینده‌ای که مردم درباره سرنوشت خویش تصمیم بگیرند، مقبول‌تر نمی‌یابد. کیهان لندن در گفتگویی با ایرج مصداقی پرسش‌هایی را با وی در همین زمینه مطرح کرده است.

● آقای مصداقی، چرا ایران همیشه و حتی در زمانی که در تاریخ معاصر با انقلاب مشروطه امکان شکل گرفتن جمهوری وجود داشت اما به صورت پادشاهی اداره شده؟
- در قرن‌های گذشته که بجز پادشاهی البته با استثنائاتی شیوه‌های دیگر حکمرانی در دنیا مرسوم نبوده است. طبیعی است در ایران نیز شیوه دیگری مد نظر نبود. پس از فروپاشی



تشییع جنازه عباسعلی سلیمانی عضو مجلس خبرگان در قم / ۷ اردیبهشت ۱۴۰۲

ایران برای آخوندها «خطرناک» شده؛ علوی بروجردی: بعضی طلاب دو ماه است از خانه بیرون نیامده‌اند!

ماهو می‌ما را به شبکه رسانه‌ای عنکبوتی می‌رساند که متولی نفرت‌پراکنی و ترور شخصیت روحانیت خدمتگزار هستند.» در این گزارش تأکید شده این شبکه به دنبال «ایجاد کانون جدید و متعدد از نفرت و سرخوردگی در درون جامعه» و «جنگ ترکیبی» است که بخشی از مأموریت آن به اصلاح‌طلبان واگذار شده است.

کیهان تهران همچنین می‌نویسد این شبکه به دنبال بحران‌سازی از مسائل و حوادث عادی با هدف ایجاد فشار روانی، اضطراب و خشم انباشته، سیاه‌نمایی از همه شئون حکومت و ایجاد نفرت نسبت به مسئولین و روحانیت، ناامیدسازی از بهبود اوضاع، به‌خصوص اوضاع اقتصادی و معیشتی است.

روزنامه «وطن امروز» با اشاره به ترور شهرکی رئیس آگاهی سراوان در گزارش نوشت «یک جنایت دیگر توسط دوستان عبدالحمید اسماعیل‌زهی در سیستان و بلوچستان اتفاق افتاد.»

در این گزارش آمده «بعد از فروکش کردن اعتراضات مواضع دشمن‌پسند عبدالحمید اسماعیل‌زهی در تریبون نماز جمعه مسجد مکی زاهدان تحریک‌آمیز است که موجب تضعیف نیروهای پلیس و مدافعان امنیت شده است.»

موضوع ترور شهرکی در بالاترین سطوح نظام نیز مورد توجه قرار گرفته است. محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی خواستار برخورد با عوامل ترور شهرکی شده است. شماری از فرماندهان ارشد نیروی انتظامی و سپاه پاسداران خود را سروان رسانده‌اند تا وضعیت را از نزدیک پیگیری کنند. یکی از آنها سردار پاسدار قاسم رضایی معاون فرمانده نیروی انتظامی است.

سردار پاسدار قاسم رضایی جانشین فرمانده انتظامی جمهوری اسلامی تهدید کرده «قطعاً جنایتی که رخ داده است بی‌پاسخ نخواهد ماند و انشالله به زودی با همکاری دستگاه‌های امنیتی و قضایی این جنایتکاران به سزای عمل خود خواهند رسید.»

خطر انداختن امنیت فیزیکی و روانی مردم را بدون هرگونه معطلی و هرچه سریع‌تر و خارج از نوبت، در نهایت دقت و قاطعیت مورد رسیدگی قرار دهند.»

کشته شدن آیت‌الله عباسعلی سلیمانی در بانک ملی بابل، زیرگرفتگی سه طلبه در قم و تهران، کشته شدن یک بسیجی در سزووار بعد از تذکر به چند جوان و کشته شدن رئیس پلیس آگاهی سراوان آنهم در کمتر از یک هفته حکومت را با یک معضل امنیتی از بطن جامعه مواجه کرده است.

محمدجواد علوی بروجردی استاد حوزه علمیه قم با بیان اینکه «بین ما و مردم فاصله افتاده و اگر کم نشود خطرناک است»، هشدار داد «چنین روزگاری نداشتیم که در قم، طلبه را با ماشین زیر بگیرند و بعد برای اینکه اطمینان پیدا کنند که ضربه کاری شده، پیاده شوند و با چاقو هم کار خود را تکمیل کنند.»

شواهد نشان می‌دهد که آخوندها از مردم ترسیده‌اند. در همین ارتباط علوی بروجردی گفته «شرایط دشواری است. الان در شهرهایی هم که برخی از شما طلبه‌ها حضور دارید، حرف‌ها دارند و می‌گویند صد رحمت به قم و تهران! بعضی می‌گویند الان دو ماه است که ما در شهرمان نمی‌توانیم از خانه بیرون بیاییم! چه اتفاقی دارد می‌افتد؟! چه شده؟! این عمامه از نظر مردم لباس پیغمبر بوده.»

ضارب آیت‌الله سلیمانی بازنشسته نیروی انتظامی بوده که در بانک به عنوان محافظ مشغول کار بوده است. برخی منابع گزارش دادند وی یک جانباز جسمی و اعصاب و روان است و دلیل تصمیم او برای تیراندازی به سلیمانی، عصبانیت از فقر و موافقت نکردن بانک با درخواست وام ۵۰ میلیونی این آیت‌الله بوده است.

کیهان تهران: شبکه عنکبوتی علیه انقلاب

روزنامه «کیهان تهران» در گزارشی با عنوان «سهم مروجان فساد، دروغ و بی‌عفتی در دامن زدن به ترور و خشونت» با اشاره به این رویدادها نوشت «توالی و تشابه آنها از حیث

● غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس دستگاه قضایی جمهوری اسلامی: وی گفت «مسئولان قضایی، پرونده‌های مرتبط با به خطر انداختن امنیت فیزیکی و روانی مردم را بدون هرگونه معطلی و هرچه سریع‌تر و خارج از نوبت، در نهایت دقت و قاطعیت مورد رسیدگی قرار دهند.»

● محمدجواد علوی بروجردی استاد حوزه علمیه قم با بیان اینکه «بین ما و مردم فاصله افتاده و اگر کم نشود خطرناک است»، هشدار داد «چنین روزگاری نداشتیم که در قم، طلبه را با ماشین زیر بگیرند و بعد برای اینکه اطمینان پیدا کنند که ضربه کاری شده، پیاده شوند و با چاقو هم کار خود را تکمیل کنند.»

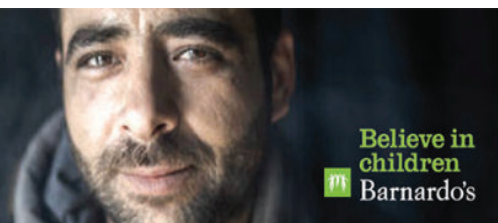
● روزنامه «کیهان تهران»: یک شبکه عنکبوتی به دنبال «ایجاد کانون جدید و متعدد از نفرت و سرخوردگی در درون جامعه» و «جنگ ترکیبی» است. این شبکه با بحران‌سازی از مسائل و حوادث عادی با هدف ایجاد فشار روانی، اضطراب و خشم انباشته، سیاه‌نمایی از همه شئون حکومت و ایجاد نفرت نسبت به مسئولین و روحانیت، ناامیدسازی از بهبود اوضاع، به‌خصوص اوضاع اقتصادی و معیشتی است.

● روزنامه «وطن امروز» با اشاره به ترور شهرکی رئیس آگاهی سراوان در گزارش نوشت «یک جنایت دیگر توسط دوستان عبدالحمید اسماعیل‌زهی در سیستان و بلوچستان اتفاق افتاد... بعد از فروکش کردن اعتراضات مواضع دشمن‌پسند عبدالحمید اسماعیل‌زهی در تریبون نماز جمعه مسجد مکی زاهدان تحریک‌آمیز است که موجب تضعیف نیروهای پلیس و مدافعان امنیت شده است.»

● غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس دستگاه قضایی جمهوری اسلامی دوشنبه ۱۱ اردیبهشت با اشاره به حملات صورت گرفته به چند آخوند و بسیجی در ایران تأکید کرد «چنانچه رسیدگی‌ها با تأخیر همراه باشد، آن آثار و بازدارندگی مناسب و مقتضی پدیدار نخواهد شد.»
وی گفت «مسئولان قضایی، پرونده‌های مرتبط با به

Boloh مشاوران سازمان کمک‌دهنده
با تسلط به زبان مادری شما، همواره آماده همکاری و کمک به متقاضیان بزرگسال پناهندگی در بریتانیا هستند.

لطفاً با شماره تلفن:
۰۸۰۰۱۵۱۲۶۰۵
تماس بگیرید.



Believe in
children
Barnardo's

است بلکه بدان خاطر که این نابغه هدایتگر ما، اهل تسامح و رواداری بود و میراث هویت ایرانی را شکل داده و تا امروز توسط برخی شاهان دارای لقب «کبیر» حفظ شده است «داریوش، شاپور، نادرشاه، رضاشاه» همین سنت ایرانی، سدی در برابر هجوم فرهنگی بیگانگان بود و هویت پربار جامعه ما- جامعه خالق و نواندیش و دارای منش و آئین ایرانی- نگه داشته بود. در واقع، در آیین شهریاری، شاه، نگهدارنده فرهنگ بوده و شهریار هم حافظ ارثیه نیاکان ماست که با داشتن فهم مدنی و اندیشه و خرد، فرزند تمدن روزگار خویش است و امروز هم علت وجودی فکر پادشاهی، عشق دوباره به ایران و ایرانی ماندن است. وگرنه کسی به دنبال سلطانیسم استبدادی نیست، اسمش «پادشاهی ایرانی» است و باید برخورد عقلانی و سیاسی با این واقعیت مطلوب داشت و به هویت و تاریخ خویش بازگشت و نام ایران را دوباره پر غرور کرد. چون نام ایران به همراه تمدن کهن است و تفکر پادشاهی ایرانی هم قابل حذف نیست، زیرا عصاره تمدن ایرانی است.



عرفان قانعی فرد در نشست «رهبری و آینده انقلاب ایران» در دانشگاه جرج میسون / ۱۸ فروردین ۱۴۰۲

گفتگو با عرفان قانعی فرد؛ نسل نوین ملی‌گرایان و ویژگی‌های آئین شهریاری در جهان مدرن

● آیا می‌توان گفت آئین شهریاری خود را در ملی‌گرایی باز می‌یابد؟

-در تاریخ ایران، شهریاران بر اساس یک سیستم منسجم، آموزش دیده‌اند و به قانون حرمت گذاشته‌اند. مراحل تحصیل داشته‌اند و اصول اخلاقی و شهروندی و انسانی در اندیشه آنان نهادینه شده و از همه مهم‌تر حافظ ملک و مملکت بوده‌اند و مدارج دولتی و کشوری را بر اساس شایستگی و لیاقت به دست آورده‌اند. هرکسی هم لایق صفت شهریار نبوده زیرا شهریار دارای قدرت اجرایی بوده و حافظ قانون و اخلاق و عدالت تا صدای ملت باشد و این یک منش سیاسی و فلسفه شناختی خاص است که در پادشاهی ایرانی هست. در این شناخت معرفتی، ملی‌گرایی می‌درخشد یعنی توجه به منافع ملت و به آگاهی و خرد ملت. زیرا شهریار دارای باور و آرمان و هویت تاریخی است که مصالح و منافع ملت را در نظر داشته باشد. به عبارتی دیگر، خود نماد ملت است و طبعاً باور به او، یعنی زیست هویت جامعه از یک واقعیت که همانا فرمانروایی حافظ و پرچمدار ملت و اراده ملی است.

-چرا جمهوری اسلامی از بین براندازان بیش از همه علیه پادشاهی خواهان فشار امنیتی وارد می‌آورد؟

-هراس اول از نام ایران و تمدن ایرانی است. چون در اصل یک مشت بی‌وطن به جان وطن افتاده‌اند. انسان به وطن علاقمند باشد، دست به فعالیت تروریستی می‌زند؟! کدام گروه شرکت کننده در جنایت و مکافات ۱۳۵۷ هست که به نوعی درگیر تروریسم نبوده باشد؟ شما دقت بفرمائید، کتاب درباره کوروش و ایران و تمدن باستان بنویسید. واکنش وزارت مثال فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت اطلاعات چیست؟ سانسور مطلق! اما انتشارات «نگاه» در ایران، کتاب منتشر کرده به اسم «حماسه سیاهکل». یادتان هست که نشریه لیبی‌ها در ایران، به اسم «امید ایران»، عکس صفحه مجله را نوشته بودند: «حمید اشرف، فدایی کبیر!» یعنی چه؟ یعنی وزارت‌های ارشاد و اجا، مشکلی با جنایتکار و تروریسم ندارند و نهادهای امنیتی از این آثار استقبال می‌کنند. بی‌بی‌تعارف، فلان تلویزیون با سردبیر «بژاک»ی و ملی مذهبی پیرو «نهضت آزادی» و یا تجزیه‌طلب، لیست سیاه از مهمانان ملی‌گرا و وطن‌پرست پادشاهی‌خواه دارد اما اعضای فلان گروه کهنه تروریست، شبانه‌روز مشعشات فکری خود را نشر می‌دهند که چه؟ فایده‌اش؟ توسعه‌گفتمان ضد پادشاهی‌خواهی. اما از طرفی جوان هنوز به ۲۰ سال نرسیده را به زندان می‌اندازند از طرف دیگر یاهو‌گویی‌های ضد پادشاهی ایرانی و شاهنشاهی

فیروزه نوردستروم- بیش از چهار دهه از وقوع انقلاب اسلامی بهمن ۱۳۵۷ می‌گذرد با اینهمه سال‌هاست که شهروندان ایرانی به‌خصوص جوانان نسل سوم انقلاب که دوران پهلوی را تجربه کرده‌اند در اعتراضات مختلف علیه جمهوری اسلامی با تکیه بر ایران‌گرایی و میهن‌دوستی شعارهایی چون «رضاشاه روح شاد» و «ای شاه خوبان، برگرد به ایران» را سر می‌دهند.

آیا دلیل این نکوداشت و حمایت‌ها تنها تنفر از رژیم جمهوری اسلامی است؟

آیا شرایط سیاسی و اجتماعی کشور به نحوی پیش خواهد رفت که بجای حکومت استبداد دینی کنونی یک نظام پادشاهی مشروطه بر اساس اصول دموکراتیک جایگزین شود؟ احتمال اینکه یک استبداد ناسیونالیستی با پوشش ملی‌گرایی به جای استبداد مذهبی در ایران بنشیند تا چه اندازه است؟ کیهان لندن این پرسش‌ها را با عرفان قانعی فرد پژوهشگر و تحلیلگر ایرانی مقیم آمریکا، دانش‌آموخته «مطالعات امنیت» و «مطالعات خاورمیانه» از دانشگاه‌های لندن و کالیفرنیا و پژوهشگر خاورمیانه در مرکز ضد تروریسم در میان گذاشته است.

● برای برجسته کردن گفتمان آئین شهریاری در ایران نقاط چه اشتراکاتی بین جمهوریخواهان ملی‌گرا و پادشاهی‌خواهان می‌بینید؟

-شرط اول قدم «ایران» است و «ایرانی ماندن»؛ پس از فروپاشی ساختار ملایان در ایران، دوران انتقالی بسیار پر نشیب و فرازی در انتظار خواهد بود و یک شخص قوی دارای اعتبار و حیثیت سیاسی می‌بایست مردم را به گرد وطن‌پرستی و عشق به ایران جمع کند تا با حفظ امنیت کامل هم جامعه به نهادینه کردن اصول دموکراسی و تقویت جامعه مدنی بپردازد و هم در صندوق رای، سرنوشت خود را تعیین کند. در حال و روز فعلی، تنها کسی که دارای این اعتبار هست، شهریار ایران «شاهزاده رضا پهلوی» است.

● چرا سرزمین ایران همواره به شکل پادشاهی اداره می‌شده، حتی پس از انقلاب مشروطه و تغییراتی که می‌توانست به برپایی یک جمهوری بیانجامد؟

-چون بخشی از هویت ملی ماست. ایران، در نهاد خود، کوروش داشته است، فرمانروای آشتی و صلح و خالق امپراتوری بزرگ. مشابه این ابرمردهای تاریخ ایران، وجود دارند. کوروش، از مردان بزرگ تاریخ و سیاست ایرانی، در تاریخ مانده است نه به خاطر اینکه نامش به معنی «خورشید»

● «علت وجودی فکر پادشاهی، عشق دوباره به ایران و ایرانی ماندن است. وگرنه کسی به دنبال سلطانیسم استبدادی نیست، اسمش «پادشاهی ایرانی» است و باید برخورد عقلانی و سیاسی با این واقعیت مطلوب داشت و به هویت و تاریخ خویش بازگشت و نام ایران را دوباره پر غرور کرد. چون نام ایران به همراه تمدن کهن است و تفکر پادشاهی ایرانی هم قابل حذف نیست، زیرا عصاره تمدن ایرانی است.»

● «هراس اول از نام ایران و تمدن ایرانی است. چون در اصل یک مشت بی‌وطن به جان وطن افتاده‌اند. انسان به وطن علاقمند باشد، دست به فعالیت تروریستی می‌زند؟! کدام گروه شرکت کننده در جنایت و مکافات ۱۳۵۷ هست که به نوعی درگیر تروریسم نبوده باشد؟ شما دقت بفرمائید، کتاب درباره کوروش و ایران و تمدن باستان بنویسید. واکنش وزارت مثال فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت اطلاعات چیست؟ سانسور مطلق! اما انتشارات «نگاه» در ایران، کتاب منتشر کرده به اسم «حماسه سیاهکل».

● «باید دور یک چهره سازنده و خوشنام و برجسته و متنقد و امین گرد آمد. کسی که جایگاه خاصی دارد و مردم برای او در کوی و برزن، فریاد زده‌اند. یک نماد ملی و شخصیت فرا گروهی و فراجنایی داریم که حق هر ایرانی است با او تعامل کند. او هم شهریار ایران است. پایگاه قدرت اجتماعی هم بی‌تعارف، در دست یک فرد است. همین ثروت و اعتبار به رسمیت شناخته شده می‌تواند در دوران فروپاشی و انتقالی، به کار آید تا در صندوق رای، توان رقابت در عرصه سیاسی را شاهد باشیم.»

● امکان و استعداد و هدف باید مشخص باشد که جز حمایت مردم و جوانان، سرمایه‌ای دیگر نمی‌توان داشت. دوران مصادره رستاخیز با شبنامه و هرزنامه و حمله گله‌ای و فحاشی هم گذشته. تکلیف و مشق شب را باید قبل از روز امتحان انجام داد. در روی صحنه سیاسی، کدام چهره، ثبات دارد؟ مرکز ثقل سیاسی کیست؟ شارلاتانیسم، خرابکاری، عوامفریبی و خودبزرگ‌بینی و تروریسم پنجاه و هفتی هم مفید به فایده نخواهد بود.

● «معیار ارتجاع و استبدادخواهی را باید با خط‌کش پنجاه و هفتی‌ها و اسلامی‌ها سنجید. استبداد مذهبی را چه کسانی خلق کردند؟ کلیه شرکت کنندگان در بلوای ۱۳۵۷؛ و یاوران اختاپوس مذهبی در ایران و شیفتگان استبداد پرتلاریا. همه هراس اینها هراس از باخت گفتمانی است. با این آشفتنگی گفتمانی و پرخاش رفتاری، چیزی برای عرضه به نسل جدید ندارند. روایت مسلط امروز همان توجه به سنت شاهی است و جدایی نهاد حکومت از دین ساخته دست بشر.»

از حکومت نکبت جمهوری اسلامی بر میهنمان می‌گذرد، اندیشمندان و روشنفکران ایران بیش از هر زمان دیگری در کندوکاو عوامل شکست و دلایل خارج شدن ایران از ریل پیشرفت و توسعه اقتصادی و اجتماعی هستند، آنهم درست در زمانی که ایران در شاهراه پیشرفت و ترقی قرار گرفته بود. گویی، تاریخ ۵۷ در سرزمین ما در ۳ چیز خلاصه شده: تخریب، دروغ و فساد! «همه پادشاهید به زمان خویش/ نگهبان مرز و نگهبان کیش» (فردوسی).

● **احتمال اینکه یک استبداد ناسیونالیستی با پوشش ملی‌گرایی به جای استبداد مذهبی در ایران بنشیند تا چه اندازه است؟**
- اگر پادشاهی‌خواهان وطن‌پرست به قدرت برسند، احتمال ظهور هر نوع استبدادی هیچ است زیرا حکومت بر اساس قانون خواهد بود و کسی فراتر از قانون نخواهد بود. وانگهی، چون نماد رواداری پادشاهی‌خواهان، کوروش بزرگ است. معیار ارتجاع و استبدادخواهی را باید با خط‌کش پنجاه و هفتی‌ها و اسلامی‌ها سنجید. استبداد مذهبی را چه کسانی خلق کردند؟ کلیه شرکت‌کنندگان در بلوای ۱۳۵۷؛ و یاوران اختاپوس مذهبی در ایران و شیفتگان استبداد پرولتاریا. امروزه هم در خارج از کشور وقتی که دیده‌اند گفتمان ملی‌گرایی و ایران‌خواهی رشد می‌کند و نسل جوان به اینسو می‌آید، یکی از خودرهبانان در رسانه ۲۴ ساعته خود، علیه مشروطه‌خواهان ذرفاشانی می‌کند؛ یکی از دوستانار تجزیه‌طلبان و یکی از اعضای مجاهدین خلق، مشروطه‌خواهان را به راست افراطی متهم می‌کند و آخرالمرم یکی از غایبان اصلاح‌طلبان حکومتی که برای موسوی و کروبی عزاداری راه انداخته، مشروطه‌خواهان و پادشاهی‌خواهان را به استبداد شورای نگهبان جدید معرفی می‌کند.

همه اینها نشانه یک چیز است. هراس از باخت گفتمانی. با این آشفتنگی گفتمانی و پرخاش رفتاری، چیزی برای عرضه به نسل جدید ندارند. روایت مسلط امروز همان توجه به سنت شاهی است و جدایی نهاد حکومت از دین ساخته دست بشر. یعنی توجه به حاکمیت ملی. بقایای ۵۷ و یا اصلاح‌طلبان و تجزیه‌طلبان که دست‌شان به خون آلوده است، لطف فرموده دم از دموکراسی زنند. نادرشاه که حزب تروریستی فلق را درست نکرده! کوروش کبیر که در آب تهران می‌خواست سم بریزد یا اداره برق شیراز را منفجر کند! داریوش کبیر که هواپیمای مسافربری خط دومی تهران را نندزید و به عراق نبرد! رضاشاه که دائم غش می‌کرد و تروریست یک نخست‌وزیر را با ماده واحد آزاد کند!

بجای پرداختن به ملبنیسم سیاسی و هیاهو و غوغاسالاری مشت‌هیچی، به آینده ایران فکر کنیم که چه باید کرد. در آینده ایران، در صندوق رای، باید کسانی مشارکت کنند که تفکر و اندیشه سازنده داشته باشند نه اندیشه‌های مخرب و ویرانگر. نه بقایای ۵۷ یا اصلاح‌طلبان حکومت شیفته قدرت و ثروت و رادیکالیسم.

شما ببینید که در جلسه سخنرانی برای صندلی‌های خالی اروپا، چه کسی سخنرانی کرد؟ شخصی که مشاور موسوی است و در وسایت «کلمه» برای مرگ تروریست اعظم، قاسم سلیمانی، شیون کرد. یا کسی که پیرو خرافات و موهومات تروریسم اسلامی شریعتی و موحدین اسلامی است. اینها چه پایگاه و جایگاهی در اندیشه نسل جوان دارند؟ هیچ! چرا باید جامعه متمدن ایرانی، دنبال هیچ باشد؟

دولت بیدار پادشاهی، رمز بقای ایران است و جزو وظایف میهن‌پرستان است تا شناخت بهتری از اندیشه، فلسفه، اصول و مبانی این سامانه و نقش پادشاه / شهزاد به دست آید.

دوران فروپاشی و انتقالی، به کار آید تا در صندوق رای، توان رقابت در عرصه سیاسی را شاهد باشیم.

● **به چه علت ساختار پادشاهی در بسیاری کشورهای توسعه‌یافته از جمله ژاپن حفظ شده؟**

- باور به نظام سیاسی و وطن‌پرستی، پاک‌باخته نشده‌اند. سیر قهرقربایی را نیمه‌وده‌اند. به عظمت تاریخ خود باور دارند و دموکراسی را باور دارند و با حفظ قانون و ارزش ملی حرکت کرده‌اند. نخست‌وزیری نداشته‌اند که علیه شاه کودتا کند. شیفته قدرت و ثروت نداشته‌اند که ۲۱ گروه تروریستی را مدیریت کند تا کشور را به سمت تاریکی و نابودی ببرند، اما امروزه، در ایران ما، تاریخ جنگ و جدل و نبرد بین بربریت و تمدن است؛ بین حضور کاذب و موج ناماندار، ماندگاری تاریخی با کژفهمی رسانه‌ای فرق دارد... این رابطه را نمی‌توان به صورت انتزاعی و تصنعی در جامعه ایجاد و یا نهادینه کرد بلکه آن را باید در اصول تمدن تاریخی‌اش جستجو کرد.

● **آیا اساساً بازسازی پادشاهی مشروطه در ایران امکان‌پذیر است؟**

- نجات‌گفتمان ایران‌دوستی، یک مبارزه ماراتنی است نه دو ۱۰۰ متر. جوانان هم استقامت کردند و کم‌کم گفتمان ملی سر برآورد. بذرها، جوانه شد و امروز گل صبرگ شده‌اند. بدون هواداران مشروطه و ملی‌گرا هم نمی‌شود در هیچ حرکتی در رستاخیز ملی ایران، موفق بود. در این عصر مدرن، باید انسجام واقعی داد و این جنبش خوشنام، در هیچ خیانتی هم فریب نمی‌خورد. چه بسا رنسانسی است برای الگوی آیندگان.

مباران تبلیغات هم فایده ندارد. امکان و استعداد و هدف باید مشخص باشد که جز حمایت مردم و جوانان، سرمایه‌ای دیگر نمی‌توان داشت. دوران مصادره رستاخیز با شبنامه و هرزنامه و حمله گله‌ای و فحاشی هم گذشته. تکلیف و مشق شب را باید قبل از روز امتحان انجام داد. در روی صحنه سیاسی، کدام چهره، ثابت دارد؟ مرکز ثقل سیاسی کیست؟ شارلاتانیسم، خرابکاری، عوام‌فریبی و خودبزرگ‌بینی و تروریسم پنجاه و هفتی هم مفید به فایده نخواهد بود. در تاریخ ایران کوروش داریم، خرد نهفته در دل ایرانیان مانده، دانه‌های زنجیر تمدن را بهم وصل کرده‌اند.

برای اهانت پنجاه و هفتی‌ها می‌گویند: سلطنت‌طلب و ملاحا هم می‌گویند: طاغوت سلطنت! اما هر دو غلط اندر غلط است. همان بهتر که به زاغ‌مُثال دلخوش باشند. کسی دنبال سلطنت و سلطان نیست، شیفتگان پادشاهی ایرانی، حق خودشان هست که درباره گفتمان خودشان، سخن بگویند و بنویسند. سانسورچی‌های محترم ۵۷ هم می‌توانند چشم و گوش‌شان را بگیرند! جوانان امروز، ملت‌اند نه رعیت. دنبال پادشاهی ایرانی‌اند و نه پیرو سلطان زبان‌نقهم، با غلبه گفتمان ملی و ایران‌خواهی، می‌توان دوباره به قانون اساسی حاکم بر کشور در یک روز قبل از بلوای ۵۷ برگشت و قانون ملایان و پنجاه و هفتی‌ها را برای همیشه به سطل زباله سپرد. این جوانان، وارث سرافرازی ایران هستند و توان دوباره حکمفرما شدن قانون در کشور را دارند که خود مالک و صاحب ملک و مملکت‌اند تا برای روز رای‌گیری در کنار صندوق رای حاضر شوند. بدون شناخت و بدون قانون هم نمی‌تواند مراحل کویر وحشت و راه سنگلاخ و پر نشیب و فراز «فروپاشی - انتقالی و صندوق رای» را با سلامت طی کرد. حال با رسوایی گفتمان مخرب و ویرانگر پنجاه و هفتی (اصلاح‌طلب و چپ و ملی‌مذهبی و تجزیه‌طلب) می‌توان دوباره این مشعل فروزان ایران‌دوستی را در دست گرفت و به یاری شهزاد ایران شتافت. امروز که بیش از چهار دهه

را آزادانه نشر می‌دهند. آیا نسل جوان فعلی در ایران، هوادار هویت ملی خویش است یا طرفدار فلان گروه تروریست شرکت‌کننده در جنایت و مکافات بلوای ۱۳۵۷؟ هراس اصلی هم کم‌رنگ شدن تبلیغات شوم مافیای اختاپوس مذهبی است و نشر خرافات و موهومات.

● **در ایران اغلب نسل‌هایی که زندگی در دوران پهلوی را تجربه نکرده‌اند از دستاوردهای آن به نیکی یاد می‌کنند آیا دلیل این نگرش و حمایت‌ها تنها تنفر از رژیم جمهوری اسلامی است؟**

- نه! بازگشت به خویشتنی است. شهزاد ایران، زنده است و ۶۳ سال دارد و نسل جدید می‌خواهد که از سانسور و بایکوت پنجاه و هفتی بگریزد و از زیر یوغ و زندان اوهام پنجاه و هفتی‌ها رها شود. از کژراهه ویرانگر ۵۷ عبور کند اما هنوز پنجاه و هفتی‌ها مشت‌بازی با سایه دارند و در خیالات واهی خود با خرس ساواک می‌جنگند! در اباطیل خود غرقند و مزاحم تکاپو و رشد، نسل پرغرور ایرانی که خواهان بازیافت هویت ملی خویش است. حال و روز ایران را می‌بینند و می‌خواهند شاهزاده - یادگار پادشاهی ایرانی و آئین شهریاری - برایشان کاری کند و این شانس و فرصت تاریخی این نسل است. در این سرزمین، همگی مهمان تاریخ بودند و رفتند. جمهوری اسلامی هم با همه لابی‌ها، مامورها و هوادارانش، می‌رود. جایی برای عبا و نعلین و عمامه در تاریخ ایران نیست. گرچه برخی به دنبال تولد جمهوری اسلامی دوم هستند و یا حفظ ساختار آن، اما این نسل، ساختار شکن است و راه خودش را می‌رود و این رستاخیز ملی به سویی خواهد رفت که نسل جدید تصمیم می‌گیرد و حقه‌سازی تفکر ویرانگر را هم نمی‌پذیرد. پرونده‌سازی و کینه‌توزی پنجاه و هفتی‌ها هم به جایی نمی‌رسد.

● **فکر می‌کنید شرایط سیاسی و اجتماعی کشور به شکلی پیش خواهد رفت که یک نظام پادشاهی مشروطه بر اساس اصول دموکراتیک جایگزین جمهوری اسلامی شود؟**

- قصد سانسورکده‌ها و مافیای رسانه‌ای وابسته به چپ اسلامی (اصلاح‌طلبان) و چپ مارکسیست لنینیستی (پنجاه و هفتی‌ها) و یا ماشین تبلیغات وابسته به مجمع جنایت و خیانت همراهان خمینی، کالای فریب را فروختن و همه را به حاشیه راندن و گوی سبقت را بردن و ۵۷ دوم را رنگ کردن و به مردم انداختن است. اما خواسته نسل جدید، بازیافت غرور ملی و هویت ملی ایرانی است و نام شاهزاده برای این نسل، نماد مشروطه‌خواهی و تفکر ملی است. با چماق نمی‌شود این نسل باهوش را به عقب راند و ذهن‌شان را به سمت سراب هدایت کرد. اگر این جوانان خواهان گفتمان ملی هستند، بله امکان‌پذیر است. در مقابل ضعف گفتمان ۵۷ و برهوت اندیشه اختاپوس مذهبی در ایران، این رشد گفتمان ملی به خاطر حضور شاهزاده رضا پهلوی است و شعارهای نسل جدید، گواه این مسئله است. همین فعالیت‌های شاهزاده در این چند ماه، تصویری نو از ایران پرغرور و صاحب‌تمدن را به جهان عرضه کرد. لاجرم، فرهنگ مشروطه زنده است. متدرجا، توسعه بیشتری هم می‌یابد؛ در آئین شهریاری ایرانی، آموخته که نقش بزرگ را ایفا کند. باید دور یک چهره سازنده و خوشنام و برجسته و منتقد و امین گرد آمد. کسی که جایگاه خاصی دارد و مردم برای او در کوی و برزن، فریاد زده‌اند. یک نماد ملی و شخصیت فرا گروهی و فرا جناحی داریم که حق هر ایرانی است با او تعامل کند. او هم شهزاد ایران است. پایگاه قدرت اجتماعی هم بی‌تعارف، در دست یک فرد است. همین ثروت و اعتبار به رسمیت شناخته شده می‌تواند در

اعتبار قراردادهای جمهوری اسلامی با کشورهای دیگر از جمله روسیه و چین

بخش چهار: اعتبار قراردادهای بین‌المللی در مقاله‌نامه حقوق معاهدات یا کنوانسیون ۱۹۶۹ وین



● توسعه معاهدات بین‌المللی به عنوان پاسخ به نیازهای جامعه بین‌المللی به سرعت در حال تحول، این ضرورت را اجتناب‌ناپذیر ساخت تا قواعد بین‌المللی مشخصی بر نحوه تنظیم، اجرا، و موارد اختلاف حاصل از آنها نظارت داشته باشند. مقاله‌نامه حقوق معاهدات در سال ۱۹۶۹ این ضرورت را تامین نموده و به عنوان یکی از مهمترین معاهدات چندجانبه بین‌المللی شناخته شد. طرح این مقاله‌نامه مهم بین‌المللی توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل تهیه، در سال ۱۹۶۹ برای امضا به کشورها ارائه، و در ۲۷ ژانویه سال ۱۹۸۰ حالت اجرایی پیدا کرد.

● مقاله‌نامه حقوق معاهدات یا کنوانسیون وین با تأکید بر رضایت کشورها برای توسعه همکاری‌های دوستانه از طریق شیوه‌های مسالمت‌آمیز و با احترام به اصول عدالت، راه را برای هر نوع بهانه‌ای برای مداخله در امور داخلی دیگران مسدود می‌سازد.

● در قرارداد ۲۵ ساله جمهوری خلق چین و جمهوری اسلامی، اقرار سخنگوی دولت روحانی مبنی بر اینکه دولت چین مایل نیست متن آن قراردادها فاش شود، و یا اظهارات برخی دیگر از مقامات که به دلیل خطر دسترسی کشورهای غربی، این قراردادها نباید آشکار باشند، همگی این ظن را به یقین نزدیک می‌سازد که اصل برابری حقوقی ملت‌ها در این قراردادها رعایت نشده است. پنهان نگهداشتن مفاد معاهده را می‌توان به عنوان مصداق روشن عدم حسن نیت طرفین، مورد تردید قرار داد.

محمود مسائلی - به دنبال انعقاد قراردادهایی میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای چین و روسیه، و چه بسا کشورهای دیگری، آیا پنهان کردن متن قراردادها از نقطه نظر حقوق بین‌الملل اعتبار آنها را مورد سؤال قرار نمی‌دهد؟ اگر چنین است، آن بی‌اعتباری چگونه و به چه طریق می‌تواند احراز شود؟ اساساً اینگونه قراردادها و معاهدات چه جایگاهی در همکاری‌های مسالمت‌آمیز بین‌المللی برای مقاصد صلح‌آمیز و مبتنی بر عدالت بر اساس حقوق بین‌الملل ایفا می‌کنند؟ مردم ایران چه اقداماتی را در رابطه با برملا ساختن اینگونه معاهدات می‌توانند ایفا کرده و یا زمینه‌های ابطال آنها را فراهم آورند؟

در بخش نخست به فرآیند و شکل قراردادها و در بخش دو به اعتبار آنها بر اساس منشور ملل متحد پرداخته شد. در بخش سه به جایگاه قراردادهای بین‌المللی در ارتباط با حق تعیین سرنوشت ملل پرداختیم و در اینجا به اعتبار این قراردادها در حقوق معاهدات نگاهی می‌اندازیم.

بخش چهارم: اعتبار قراردادهای بین‌المللی در مقاله‌نامه حقوق معاهدات

از دیرباز انعقاد معاهدات بین‌المللی برای توسعه روابط و یا موضوعات دفاعی و امنیتی در میان جوامع مرسوم بوده است. اما در تاریخ مدرن مهمترین اینگونه قراردادها میان کشورها، معاهده وستفالی است که در سال ۱۶۴۸ منعقد شده و به موجب آن روابط و حقوق بین‌الملل کنونی پا به عرصه ظهور گذاشتند. قرون ۱۸ و ۱۹ بر شتاب انعقاد معاهدات میان دولت‌های مدرن افزود، و قرن بیستم با معاهدات چندجانبه بین‌المللی تأثیرگذاری آغاز شد که ضرورت همکاری‌های بین‌المللی برای زندگی مسالمت‌آمیز

توسعه و تدوین معاهدات بین‌المللی، گامی اجتناب‌ناپذیر در رسیدن به اهداف ملل متحد بوده و ملت‌ها را برای توسعه روابط دوستانه و همکاری‌ها در جهت جهانی صلح‌آمیز یاری خواهد کرد. بنابراین صرف نظر از هر عنوانی که برای اینگونه معاهدات استفاده شود، آنها باید مشمول حقوق بین‌الملل باشند تا به موجب آن از یکسو اصل رضایت کشورها رعایت شود، و از دیگر سو این رضایت در مسیر اهداف صلح‌آمیز جامعه بین‌المللی قرار گیرد.

در عین حال، مقاله‌نامه حقوق معاهدات با تأکید بر رضایت کشورها برای توسعه همکاری‌های دوستانه از طریق شیوه‌های مسالمت‌آمیز و با احترام به اصول عدالت، راه را برای هر نوع بهانه‌ای برای مداخله در امور داخلی دیگران مسدود می‌سازد.

بخش اول مقاله‌نامه شرایط و محدوده توافقات و قراردادهای مشخص می‌کند.

بخش دوم آن قواعدی را برای انعقاد و تصویب معاهدات، از جمله رضایت طرفین برای التزام به معاهدات و تنظیم شرط‌ها - یعنی امتناع از التزام به یک یا چند ماده خاص از یک معاهده در حین پذیرش باقی‌مانده مقرر می‌دارد.

بخش سوم به کاربرد و تفسیر معاهدات می‌پردازد.

بخش چهارم به ابزارهای تعدیل یا اصلاح معاهدات می‌پردازد. این بخش‌ها اساساً قوانین عرفی موجود را تدوین می‌کنند. مهمترین بخش کنوانسیون، قسمت پنجم، مبانی و قواعدی را برای بی‌اعتبار کردن، فسخ یا تعلیق معاهدات مشخص می‌کند و شامل مقرراتی است که صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری را در صورت بروز اختلافات ناشی از اجرای آن قواعد اعطا می‌کند.

بخش‌های پایانی تأثیرات معاهدات تغییر دولت در داخل یک دولت، تغییرات در روابط کنسولی بین دولت‌ها و بروز خصومت‌ها بین دولت‌ها و همچنین قوانین امانتداران، ثبت و تصویب را مورد بحث قرار می‌دهد.

مقاله‌نامه حقوق معاهدات مصوب سال ۱۹۶۹ موسوم

به مقاله‌نامه وین [۲] که ایران از امضاکنندگان ←

میان کشورهای مختلف را هرچه بیشتر آشکار ساخت. معاهده ورسای در سال ۱۹۱۹، مقاله‌نامه مونتته ویدیو در سال ۱۹۲۳، منشور سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵، مقاله‌نامه‌نامه علیه تبعیض نژادی در سال ۱۹۴۸، مقاله‌نامه‌های ژنو در سال ۱۹۴۹، و میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر در سال ۱۹۶۶ مهمترین قراردادهای بین‌المللی چند جانبه‌ای هستند که هر کدام به طریقی زمینه‌های یک زندگی مسالمت‌آمیز را فراهم آوردند. توسعه معاهدات بین‌المللی به عنوان پاسخ به نیازهای جامعه بین‌المللی به سرعت در حال تحول، این ضرورت را اجتناب‌ناپذیر ساخت تا قواعد بین‌المللی مشخصی بر نحوه تنظیم، اجرا، و موارد اختلاف حاصل از آنها نظارت داشته باشند. مقاله‌نامه حقوق معاهدات در سال ۱۹۶۹ این ضرورت را تامین نموده و به عنوان یکی از مهمترین معاهدات چندجانبه بین‌المللی شناخته شد. [۱] طرح این مقاله‌نامه مهم بین‌المللی توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل تهیه، در سال ۱۹۶۹ برای امضا به کشورها ارائه، و در ۲۷ ژانویه سال ۱۹۸۰ حالت اجرایی پیدا کرد. این مقاله‌نامه بر معاهدات کتبی که میان اعضای جامعه بین‌المللی شکل می‌گیرند نظارت می‌کند. تأکید این است که معاهدات کتبی باشند تا اصل رضایت کشورها، که برآمده از عقلانیت و ستفالیایی است، در آنها به روشنی تبلور پیدا کند. برای درک اهمیت این مقاله‌نامه مهم بین‌المللی که سنگ بنای اصلی همکاری‌های بین‌المللی برای جهانی صلح‌آمیز را تشکیل می‌دهد و براساس ماده ۲۸ اساسنامه دادگاه بین‌المللی دادگستری از اصلی‌ترین منابع حقوق بین‌الملل است، مناسب است بخش‌هایی از آن به ساده‌ترین شکل ممکن توضیح داده شوند.

مقدمه مقاله‌نامه با یادآوری منشور ملل متحد مبنی بر تساوی حقوق ملت‌ها و حق آنها در تعیین سرنوشت خود، اصل تساوی حاکمیت و استقلال کشورها، اصل عدم مداخله در امور داخلی دیگران، اصل ممنوعیت تهدید به و یا اعمال زور، و اصل احترام و رعایت جهانشمول حقوق بشر و آزادی‌های اساسی همه افراد، توضیح می‌دهد که

غیرعضو آن است، در ماده ۲، بند ۱، قسمت الف، یک معاهده معتبر بین‌المللی را اینگونه تعریف می‌کند: «معاهده عبارت است از یک توافق بین‌المللی که میان کشورها به صورت کتبی منعقد شده و مشمول حقوق بین‌الملل باشد».

مهمترین نکته‌ای که در این تعریف باید مورد توجه قرار گیرد، موضوع مشمول حقوق بین‌الملل بودن است. ولی منظور از این مشمول بودن چیست؟ به عبارت بهتر، چه قواعد حقوقی بین‌المللی باید ناظر بر انعقاد قراردادها باشند که اگر نادیده گرفته شوند، آن قراردادها را بی‌اعتبار می‌سازند؟

در ابتدا به عنوان سنگ بنای حقوق بین‌الملل، اصلی‌ترین این‌گونه قواعد در مقدمه منشور ملل متحد توضیح داده شده است: «ایجاد شرایطی که به موجب آن عدالت و احترام به تعهدات ناشی از معاهدات و سایر منابع حقوق بین‌الملل می‌تواند حفظ شود». این فراز از مقدمه منشور تأکید می‌کند که معاهده باید در ذات خود احترام بر تعهدات را برانگیزد تا دیگر منابع حقوق بین‌الملل، شامل حقوق بین‌الملل عرفی و یا اصول کلی حقوق بین‌الملل، نیز قوام و دوام پیدا کنند. بر این اساس بوده است که توسعه معاهدات بین‌المللی زمینه‌های احترام به همه توافقات شفاف منعقد شده را برای همکاری کشورها در امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فراهم آورده است. اما هنوز دامنه قواعد بین‌المللی ناظر بر معاهدات نیاز به توضیح بیشتری دارد. در اینباره می‌توان گفت که منظور از قواعد ناظر بر معاهدات بین‌المللی این است که با حسن نیت [۳] کامل منعقد شوند. یا در برگزیده الزام به اصل وفای به عهد [۴] باشند هم در جریان شکل‌گیری قرارداد و هم به عنوان ضامن اجرای آن. یا اینکه برای همکاری‌های مسالمت‌آمیز برای توسعه حقوق بشر باشد. و در نهایت اینکه معاهده نمی‌تواند شامل ابعاد و محتوایی باشد که در تناقض با قواعد آمره بین‌المللی [۵] قرار گیرد.

در این ارتباط مبانی حقوقی ناظر بر قراردادها بین‌المللی به شکلی دیگر توسط رویه‌های قضایی هم مورد تأیید قرار گرفته است. به عنوان مثال، در دعوی قطر علیه بحرین در نزد دادگاه بین‌المللی دادگستری درباره اختلافات میان دو کشور بر سر جزایر هوار و میتنی بر دو قرارداد که در سال‌های ۱۹۸۷ و ۱۹۹۰ میان دو کشور منعقد شده بود، قاضی شیگرو اودا در دادگاه بین‌المللی دادگستری در نظریه مخالف خود بیان داشت که معاهده‌ای می‌تواند معتبر باشد که به معنی واقعی کلمه شکل گرفته باشد: «من نظر نسبتاً قطعی دارم که در دسامبر ۱۹۸۷، هیچ معاهده یا مقاله‌نامه‌ای به معنای واقعی کلمه در ماده (۱) ۳۶ اساسنامه (دادگاه بین‌المللی دادگستری) وجود نداشته است». او ادامه می‌دهد که همچنین می‌توان به این نکته اشاره کرد که قطر که موافقت‌نامه دسامبر ۱۹۸۷ را مبنای صلاحیت دیوان می‌داند، آن توافق‌نامه را نزد دبیرخانه سازمان ملل ثبت نکرده است، در حالی که توافق‌نامه ۱۹۹۰ را به ثبت رسانده است: «این واقعیت ممکن است انسان را به این تردید بیندازد که آیا قطر همیشه موافقت‌نامه دسامبر ۱۹۸۷ را یک معاهده را به معنی واقعی کلمه تلقی کرده است». [۶] درواقع، قاضی اودا اختلاف میان دو قرارداد را از نقطه نظر ثبت آنها در نزد دبیرخانه ملل متحد مبنای نظر مخالف خود قرار داده و توافق‌نامه سال ۱۹۸۷ را به معنی واقعی کلمه مورد تردید قرار می‌دهد. هنگامی که این نظریه را در کنار دیگر قواعد صحت معاهدات قرار می‌دهیم در می‌یابیم که هم اصول حقوق بین‌الملل و هم رویه‌های قضایی توافق نظر دارند که موافقت‌نامه‌ها باید

تابع اصول و قواعد مشخصی باشند تا هنگام بروز اختلافات بتوان آنها را به نهادهای حل اختلاف ارجاع داد.

به دلیل پیچیدگی قواعد ناظر بر تعریف یک موافقت‌نامه، می‌بایست به همان مقاله‌نامه حقوق معاهدات مراجعه کرد تا معیار روشن‌تری را به دست آورد. مقاله‌نامه در مقدمه خود این قواعد را روشن‌تر توضیح می‌دهد:

اول: «صرف نظر از اینکه قوانین اساسی و سیستم اجتماعی کشورها چه باشد، معاهده باید وسیله و ابزاری برای توسعه همکاری‌های مسالمت‌آمیز میان ملت‌ها باشد». در این ارتباط هرچند به ظاهر موافقت‌نامه‌های منعقد میان جمهوری خلق چین و جمهوری اسلامی هدف خود را توسعه همکاری‌های مسالمت‌آمیز میان دو کشور می‌داند اما بدبینی‌ها وقتی به حقیقت نزدیک می‌شود که مخفی نگهداشتن موافقت‌نامه‌ها از سوی طرفین متعاهدین، اهداف متفاوتی را دنبال می‌کنند. بنابراین، حتی صرف نظر از عدم دسترسی به مفاد آن موافقت‌نامه‌ها، می‌توان در سلامت حقوقی آنها تردید روا داشت. از طرف دیگر زمره‌های اعزام پنج هزار نفر از نیروهای امنیتی چین به ایران، آن موافقت‌نامه‌ها را از ماهیت اقتصادی و توسعه روابط دوستانه خارج ساخته و ماهیتی امنیتی به آن می‌بخشد. این جنبه امنیتی بودن ناقض شرط اعتبار معاهده به موجب همان مفاد ماده یک، بند الف کنوانسیون وین است که تأکید می‌کند هر معاهده، یا قراردادی باید مشمول قواعد حقوق بین‌الملل باشد.

دوم: «اصل رضایت آزادانه، قاعده حسن‌نیت، و قاعده الزام‌آور بودن تعهدات باید به شکلی همگانی و جهانشمول مورد قبول قرار گرفته باشد».

در اینجا باید به یک نکته هم توجه کرد. آیا منظور از همگانی بودن این است که حتی کشورهایی هم که عضو مقاله‌نامه حقوق معاهدات نیستند (مانند فرانسه یا ایران) باید به مفاد آن پایبند باشند؟ نظریه حقوقی ناظر بر این پرسش مضمون و محتوای همگانی (یعنی عدم استثنا) را به دلیل اینکه ریشه‌های عمیق و محکمی در حقوق عرفی دارند، می‌پذیرد. یعنی حتی اگر کشوری عضو مقاله‌نامه حقوق معاهدات هم نباشد، باید خود را به رعایت قواعد حقوقی بین‌الملل ناظر بر معاهدات ملتزم نگهدارد. حال با در نظر داشتن این موضع حقوقی محکم، به نظر می‌رسد که این قاعده دوم برای شناسایی اعتبار معاهده نیز بنا بر دلایلی که در پی می‌آید، توسط دو دولت امضاکننده نقض شده است. چند استدلال را برای این ادعیه می‌توان توضیح داد.

استدلال اول: با در نظر داشتن اصول حقوق بین‌الملل مندرج در منشور ملل متحد، یعنی اصل برابری حقوق ملت‌ها و حق آنها در تعیین سرنوشت خود، اصل تساوی حاکمیت کشورها و استقلال آنها، همانگونه که در بالا توضیح داده شد، چنین قراردادهایی نمی‌توانند اعتبار حقوقی داشته باشند. افزون بر این، اصل برابری حقوقی (حاکمیتی) کشورها این ضرورت را نیز ایجاد می‌کند که برابری حقوق و مسئولیت‌های طرفین و اراده آزاد آنها نیز رعایت شود. حال، اقرار سخنگوی دولت روحانی مبنی بر اینکه دولت چین مایل نیست متن آن قراردادها فاش شود، و یا اظهارات برخی دیگر از مقامات که به دلیل خطر دسترسی کشورهای غربی، این قراردادها نباید آشکار باشند، همگی این ظن را به یقین نزدیک می‌سازد که اصل برابری حقوقی ملت‌ها در این قراردادها رعایت نشده است. برای اثبات این مدعا علاوه بر متن صریح منشور ملل متحد، یکبار دیگر بخشی از مقاله‌نامه حقوق معاهدات در اینجا آورده می‌شود:

«اصل تساوی حقوق ملت‌ها، حقوق آنها در تعیین

سرنوشت خود، اصل تساوی حاکمیت کشورها و استقلال آنها، اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها، اصل ممنوعیت تهدید به اعمال و یا کاربرد زور، اصل احترام و رعایت جهانی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی همه افراد». باید باز هم یادآوری شود که این اصول معاهداتی از ریشه‌های حقوق عرفی سرچشمه گرفته‌اند و بنابراین کشورها باید خود را به رعایت آنها ملزم نگهدارند. همان مقدمه مقاله‌نامه حقوق معاهدات در بخش پایانی مقدمه خود این استدلال حقوق عرفی را می‌پذیرد: «با تأکید این نکته که قواعد حقوق بین‌المللی عرفی در مورد موضوعاتی مشمول این مقاله‌نامه همچنان جاری خواهد بود».

استدلال دوم: قرارداد و یا قراردادهای مورد نظر، اصل مسلم عدم مداخله در امور داخلی کشورها را نیز هم به موجب مفاد مقاله‌نامه حقوق معاهدات و هم بر اساس منشور ملل متحد، که پیشتر توضیح داده شد، نادیده گرفته‌اند. البته مقاله‌نامه حقوق معاهدات بطور مستقیم با اصل عدم مداخله نپرداخته است. اما در بخش مربوط به تفسیر معاهدات در ماده ۳۱ ممنوعیت مداخله در امور داخلی دیگران را تأیید می‌کند:

«یک معاهده با حسن نیت و منطق با معنای معمولی که باید اصطلاحات آن در سیاق عبارت و در پرتو موضوع و هدف معاهده داده شود، تفسیر خواهد شد».

بر اساس بند دوم، بخش سوم از همان ماده ناظر بر تفسیر معاهده، این سیاق باید بر «هر قاعده مرتبط حقوق بین‌الملل که در روابط میان طرفیت قابل اجرا باشد»، انطباق داشته باشد. حال می‌توان در نظر گرفت که چگونه این قواعد حقوقی محکم در تدوین قراردادهای پنهان جمهوری اسلامی ایران با کشورهای چین و روسیه نادیده گرفته شده است. علاوه بر این، طبق بند ۲ از ماده ۲ منشور ملل متحد، تعهد به اصل «حسن نیت» در این قرارداد محل تردید است. به سخن دیگر، کلیه اعضاء به منظور تضمین حقوق و مزایای ناشی از عضویت تعهداتی را که به موجب این منشور بر عهده گرفته‌اند، می‌بایست با حسن نیت وارد معاهدات بین‌المللی شوند. پنهان نگهداشتن مفاد معاهده را می‌توان به عنوان مصداق روشن عدم حسن نیت طرفین، مورد تردید قرار داد.

استدلال سوم: اصل احترام و رعایت جهانی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی همه افراد، که روح حاکم بر ملل متحد را تشکیل می‌دهد، در این قرارداد رعایت نشده است. اسناد حقوقی متعددی شالوده خود را بر احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی قرار داده‌اند. منشور در بند اول مقدمه تصریح می‌کند که اعضای آن «ایمان خود به حقوق اساسی بشر و به حیثیت و ارزش شخصیت انسانی و به تساوی حقوق مرد و زن و چنین بین ملت‌ها اعم از کوچک و بزرگ و ایجاد شرایط لازم برای حفظ عدالت و احترام الزامات ناشی از عهدنامه‌ها و سایر منابع حقوق بین‌الملل و کمک به پیشرفت اجتماعی و شرایط زندگی بهتر با آزادی بیشتر» اعلام می‌دارند. این ایمان به حقوق ذاتی بشر ضرورت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. مقاله‌نامه حقوق معاهدات ضرورت متابعت از این تصریحات منشور را مورد تأکید قرار می‌دهد: «با در نظر داشتن اصول حقوق بین‌المللی مندرج در منشور ملل متحد، مانند اصل تساوی حقوق ملت‌ها و حق آنها در تعیین سرنوشت خویش، اصل تساوی حاکمیت کشورها و استقلال آنها...».

از آنجایی که مقاله‌نامه حقوق معاهدات با کنوانسیون وین ناظر بر همه قراردادهای و معاهدات بین‌المللی

فخری نیکزاد گوینده و مجری پیشکسوت رادیوتلوویزیون ملی ایران درگذشت



فخری نیکزاد

هوشنگ ابتهاج به همکاری با برنامه «گل‌های تازه» پرداخت و این همکاری تا پایان کار این برنامه ادامه یافت.

دکلمه اشعار در برنامه موسیقی «گل‌های تازه» بخش مهمی از خاطره شنیداری کسانی است که با مجموعه رادیویی گل‌ها آشنایی دارند. فخری نیکزاد همچنین مجری بسیاری از برنامه‌های مناسبی تلویزیون ملی از جمله چهارم آبان، نوروز و جشن سده را نیز عهده داشته است.

فخری نیکزاد آغاز فعالیت هنری خود را اینگونه روایت کرده است: «یادم می‌آید قبل از نوروز سال ۴۷ تقاضا به رادیو و تلویزیون داده بودم، در آن موقع در دوبلاژ بودم، به هر حال تقاضا برای گویندگی داده بودم، تقی روحانی صدای مرا برای رادیو آزمایش کردند و گفتند که خبر می‌دهند و در تلویزیون هم صدا و تصویر گرفتند که شعرخوانی بود، چند قطعه شعر دادند که بخوانم و فرح‌اندوز گوشش صدا بکند و نمی‌دانم که او کجا است، وقتی که از استودیو بیرون آمدم، او اولین کسی بود که مرا تشویق کرد، به هر حال من منتظر جواب رادیو و تلویزیون بودم که یک روز آقای روحانی زنگ زد و گفتند که قبول شدی و هفته دیگر به سر کار بیا. در همان زمان نوروز بود و یکروز که پای تلویزیون نشسته بودم دیدم که برنامه‌های آزمایشی مرا از تلویزیون پخش می‌کنند، یعنی آنقدر خوب شده بود که برای نوروز پخش می‌کردند، بلافاصله از تلویزیون زنگ زده شد که قبول شدم. در آن زمان رادیو و تلویزیون از همدیگر جدا بودند و نمی‌دانستم که چکار بکنم. به آقای روحانی زنگ زدم و گفتم که ترجیح می‌دهم به تلویزیون بروم.»

او همچنین گفت که «وقتی رادیو و تلویزیون با هم ادغام شدند، تهیه‌کنندگان رادیو به طرفم هجوم آوردند و برنامه‌های زیادی در رادیو داشتم از جمله نامه‌های یک جهانگرد، یک شعر و یک شاعر، هزار و یک شب و برنامه‌های دیگر که فرصت سر خاراندن نداشتم.»

فخری نیکزاد متولد دوم مرداد ۱۳۲۰ بود و از سن ۲۷ سالگی فعالیت خود را به عنوان گوینده و مجری تلویزیون ملی ایران آغاز کرد.

فخری نیکزاد پس از انقلاب اجازه فعالیت نیافت و پس از آنکه در اوایل دهه شصت خواهرش به دلیل فعالیت سیاسی تیرباران شد، ایران را در سال ۱۳۶۲ ترک گفت و به بریتانیا رفت. او تا زمان درگذشت در لندن زندگی می‌کرد.

فخری نیکزاد گوینده و مجری رادیو تلویزیون ملی ایران هشتم اردیبهشت ۱۴۰۲ در سن ۸۲ سالگی در لندن درگذشت.

فخری نیکزاد از گویندگان اصلی برنامه «گل‌ها» و از مجریان رادیو و تلویزیون ملی ایران روز جمعه هشتم اردیبهشت ۱۴۰۲ در سن ۸۲ سالگی در لندن درگذشت.

فخری نیکزاد متولد دوم مرداد ۱۳۲۰ در ایران بود و از سن ۲۷ سالگی فعالیت خود به عنوان گوینده و مجری را در ایران آغاز کرد. نام او در کنار «روشنک» و «آذر پژوهش» در برنامه «گل‌ها» در یاد و خاطره میلیون‌ها ایرانی ماندگار شده است.

فخری نیکزاد پس از انقلاب اجازه فعالیت نیافت و پس از آنکه در اوایل دهه شصت خواهرش به دلیل فعالیت سیاسی تیرباران شد، ایران را در سال ۱۳۶۲ ترک گفت و به بریتانیا رفت. او تا زمان درگذشت در لندن زندگی می‌کرد.

فخری نیکزاد در سال ۱۳۴۷ کار گویندگی را با برنامه «شهر آفتاب» به تهیه‌کنندگی دکتر پارسینژاد که به معرفی کتاب در تلویزیون ملی می‌پرداخت آغاز کرد. او سپس گویندگی برنامه «هفت شهر عشق» را با موضوع شعر و موسیقی به عهده گرفت و همچنین در گروه ادب امروز به سرپرستی نادر نادرپور عضویت داشت.

پس از ادغام رادیو و تلویزیون، فخری نیکزاد به دعوت

است، این تاکید بر حقوق بشر می‌بایست توسط همه طرفین این مقاله‌نامه، شامل ایران که مقاله‌نامه مذکور را امضا کرده است، قرار گیرد. کمیته حقوق بشر در نظریه عمومی شماره ۲۴ یادآوری می‌کند که حق شرط کشورها برای ورود به معاهدات بین‌المللی باید با روح معاهده سازگار باشد. [۷] اگر این روح بر توسعه روابط دوستانه و با هدف ایجاد شرایط برای صلح بین‌المللی ناظر باشد، بطور طبیعی نمی‌تواند از حقوق ذاتی مردم برای آگاهی داشتن نسبت به محتوای قراردادها و معاهدات دور باقی بماند. حال با در نظر داشتن این تصریحات روشن و شفاف حقوق معاهدات بین‌المللی، این حق اساسی مردم ایران است که از مفاد قراردادهای منعقد رژیسم اسلامی با دیگر کشورها آگاه باشند. نادیده گفتن این حق غیر قابل اجتناب، به موجب همان تصریح اهداف ملل متحد، و همچنین مقاله‌نامه حقوق معاهدات، حداقل به لحاظ تئوریک، ناقض اصول و قواعدی است که تسامح در قبال آنها می‌تواند زمینهای قابل اعتمادی برای بی اعتباری آن معاهدات را فراهم آورد. استدلال چهارم. تعهدات دولت‌ها به موجب منشور ملل متحد و نیز مقاله‌نامه حقوق معاهدات آنقدر روشن و واضح است که امکان انعقاد قراردادهای مخفیانه را نمی‌دهد. علاوه بر این، از آنجا که توافق‌نامه‌های پنهان بطور بالقوه روابط صلح‌آمیز را بین دولت‌ها به خطر می‌اندازند، ناقض قوانین حقوق بین‌الملل به شمار می‌روند. باز هم در اینجا تاکید می‌شود که رعایت حقوق مردم بنیادهای قوانینی را پایه‌گذاری می‌کند که می‌توانند به عنوان راهنما و دستورالعملی برای همه اعضای جامعه بین‌الملل در انجام تعهداتی که به عهده می‌گیرند باشند. دادگاه اروپایی حقوق بشر این بنیادها را مانند قانون اساسی جهانشمولی در نظر می‌گیرد که باید ناظر بر رفتار کشورها باشد. [۸] چنین دیدگاه‌های برجسته‌ای نشان می‌دهد که قراردادهای می‌بایست بر قوام و دوام قوانین و قواعد بین‌المللی بیفزاید و نه اینکه موجبات فرسایش آنها را فراهم آورد. هر گام روشنی که در جهت انعقاد قراردادهای همکاری برداشته شود، نشانه عزم و نیت طرفین آن قرارداد به پیشبرد حقوق ذاتی مردم و اراده‌ای برای توسعه و تحقق آنهاست.

[ادامه دارد]

*دکتر محمود مسائلی بنیانگذار و دبیرکل افتخاری اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل؛ با مقام مشورتی نزد سازمان ملل متحد؛ بنیانگذار و مدیر مرکز مطالعات عالی حقوق بشر و توسعه دموکراتیک؛ اتاوا؛ کانادا

[۱] Vienna Convention on the Law of Treaties, 23 May 1969

[۲] The Vienna Convention on the Law of Treaties, 23 May 1969

[۳] Bona fide-Good faith

[۴] Pacta sunt servanda – Agreements must be kept.

[۵] Jus cogens norms – Peremptory norms of international law

[۶] Dissenting opinion of judge Oda, the ICJ Maritime Delimitation and Territorial Questions between Qatar and Bahrain (Qatar v. Bahrain), pp. 137-138

[۷] CCPR General Comment No. 24: Issues Relating to Reservations Made upon Ratification or Accession to the Covenant or the Optional Protocols thereto, or in Relation to Declarations under Article 41 of the Covenant

[۸] Bankovic and Others against Belgium and Others, European Court of Human Rights, Grand Chamber inadmissibility decision of 12 December 2001

وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی: مواد سمی در مدارس پخش نشده؛ هراس آفرینی شده است!



دختران دانش آموز ایران / مهرماه ۱۴۰۱

● در حالی که مسمومیت‌های سازمانیافته در مدارس سراسر کشور همچنان ادامه دارد و بیشتر گزارش‌هایی از بازداشت افرادی در رابطه با همین موضوع در رسانه‌های خود جمهوری اسلامی منتشر شده، حالا وزارت اطلاعات دولت سیزدهم بطور کلی حملات شیمیایی به مدارس با مواد سمی را رد کرده است.

● وزارت اطلاعات در بیانیه‌ی خود تحقیقات این وزارتخانه را «یکی از حساس‌ترین و دشوارترین مأموریت‌های سال گذشته» توسط مأمورانش خوانده و مدعی شده که «در پی عملیات همه‌جانبه‌ی فوق‌الاشاره، بطور متوالی علل بسیاری از رویدادها کشف و ثابت می‌شد که علت‌ها نه از گونه‌های پیچیده، و مواد استفاده شده نه از انواع سموم، بلکه غالباً مواد، ابزار و انگیزه‌های بسیار بسیطی موجب بروز ادعاهای بدحالی شده بودند.»

● این در حالیست که یونس پناهی معاون تحقیقات و فناوری وزیر بهداشت اسفندماه گذشته با مدعی خواندن این مسمومیت‌ها گفته بود که «پس از مسمومیت چندین پاره دانش‌آموزان در مدارس قم، مشخص شد افرادی دوست داشتند که تمامی مدارس، به خصوص مدارس دخترانه تعطیل شوند.»

جمهوری اسلامی مطرح شده بود را تکرار کرده و گفته که «در تعدادی از موارد مکشوفه، وجود اهداف ضدامنیتی و ضدمردمی احراز شده است. به این ترتیب که یک یا تعدادی از شیوه‌های پیش‌گفته با هدف ایجاد ناامنی یا دامن‌زدن به انگاره‌ی ضعف امنیت در کشور، ایجاد التهاب و آشوب و اعتراض به‌منظور فیلم‌برداری و انعکاس به شبکه‌های فارسی زبان معاند و یا با هدف ایجاد تجمع در مقابل آموزشگاه‌ها صورت گرفته است. عوامل این قبیل موارد غالباً بازداشت و تحویل مرجع قضایی شدند.»

وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی در بخش دیگری از بیانیه‌ی مفصل خود به جنبش ملی و انقلابی علیه جمهوری اسلامی پرداخته و نوشته که «وزارت اطلاعات در چند اطلاعیه و بیانیه‌های تبیینی مقطع اغتشاشات، در مورد نقش رژیم تروریست آمریکا و ایادی و گروهک‌های رنگارنگی که به نیابت از آن رژیم در اغتشاشات پاییز گذشته به ایفای نقش پرداختند، اطلاعات شفافی منتشر نمود. طی آن اغتشاشات، آمریکا و دنباله‌روهای اروپایی، منطقه‌یی و عمال داخلی‌اش، گسترده‌ترین و قوی‌ترین عملیات شناختی، روانی و تروریستی را برای براندازی نظام مقدس جمهوری اسلامی به اجرا گذاشتند تا آن‌جا که ابلهانه و خام‌اندیشانه، نام انقلاب بر پروژه‌ی ضدملی اغتشاش و خرابکاری و ایرانی‌کشی گذاردند.»

این وزارتخانه در ادامه مدعی شده که «ایستادگی سترگ ملت ایران و علی‌خامنه‌ای، و هوشیاری و فداکاری نیروهای حافظ امنیت کشور، بزرگترین پروژه‌ی براندازی خصم وحشی و جنگ ترکیبی را نقش بر آب کرد و سرمایه‌گذاری‌های سنگین مالی، اطلاعاتی و نیروی انسانی آن‌ها را به «هباءً منثورا» تبدیل نمود.»

حملات سازمانیافته شیمیایی به مدارس و خوابگاه‌های دانشجویی یکی از مهمترین خبرهای آخرین روزهای

این بیانیه در ادامه تحقیقات وزارت اطلاعات را «یکی از حساس‌ترین و دشوارترین مأموریت‌های سال گذشته» توسط مأموران این وزارتخانه خوانده و مدعی شده که «در پی عملیات همه‌جانبه‌ی فوق‌الاشاره، بطور متوالی علل بسیاری از رویدادها کشف و ثابت می‌شد که علت‌ها نه از گونه‌های پیچیده، و مواد استفاده شده نه از انواع سموم، بلکه غالباً مواد، ابزار و انگیزه‌های بسیار بسیطی موجب بروز ادعاهای بدحالی شده بودند.»

در ادامه ادعاهای دروغ وزارت اطلاعات آمده که «به‌عنوان مثال نتیجه‌ی بررسی اولین حادثه‌ی اعلام شده (شهرستان نور) حاکی بود که یکی از دانش‌آموزان دختر، با هدف به تعطیلی کشاندن آموزشگاه، گاز لفل در کلاس درس منتشر کرده بود. از همین دست نتایج پیرامون حوادث اعلام شده‌ی بعدی نیز حاصل می‌شد.»

وزارت اطلاعات افزوده که «بخشی از موارد گزارش شده مربوط به استفاده از عاملی است که به «مهبک بدبو» معروف شده است. این عامل که در بازار و به‌ویژه در سکوهای خرید و فروش اینترنتی به فراوانی وجود داشت، پس از استعمال در محیط‌ها موجب پراکندن بوی نامطبوعی می‌شود و معمولاً برای شوخی و تفریح‌های ناسالم و نامتعارف مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت.»

در ادامه این بیانیه فرافکنانه آمده که «از دیگر موارد تعمدی، بهره‌برداری از افشانه‌های اشک‌آور و گاز لفل و نظایر آن در محیط‌های آموزشی به قصد شیطنت، بازیگوشی، دیگرآزاری و تعطیل نمودن کلاس‌ها بوده است. در این قبیل موارد نیز با کشف قوطی‌های افشانه و بازداشت عوامل استعمال آن‌ها، التهاب در محیط آموزشی فروکش کرده است.»

این بیانیه با اینکه مدعی شده از هیچ ماده سمی استفاده نشده اما ادعایی که بیشتر از سوی شماری از مقامات

در آغاز ششمین ماه از حملات بیولوژیک سازمانیافته دانش‌آموزان در مدارس ایران، وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی در «بیانیه تبیینی» مسموم‌سازی در مدارس را به کلی رد کرده و گفته عوامل غیرسمی موجب ایجاد هراس شده‌اند!

در حالی که مسمومیت‌های سازمانیافته در مدارس سراسر کشور همچنان ادامه دارد و بیشتر گزارش‌هایی از بازداشت افرادی در رابطه با همین موضوع در رسانه‌های خود جمهوری اسلامی منتشر شده، حالا وزارت اطلاعات دولت سیزدهم بطور کلی حملات شیمیایی به مدارس با مواد سمی را رد کرده است.

وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی روز جمعه ۸ اردیبهشت ۱۴۰۲ با صدور بیانیه‌ای مدعی شده که «مواد سمی در هیچیک از مدارس کشور پخش نشده است؛ اما عوامل غیرسمی که موجب ایجاد هراس شده‌اند، بطور سهوی یا تعمدی در برخی از محیط‌های گزارش شده استعمال شده است.»

این ادعا افزوده که «در هیچیک از یافته‌های صحنه‌ای و بررسی‌های آزمایشگاهی در معتبرترین آزمایشگاه‌های کشور، هیچگونه ماده سمی که قابلیت ایجاد مسمومیت را دارا باشد، مشاهده نشد. به فضل الهی هیچ مورد فوتی یا عوارض جسمانی مانا و بلند مدت وجود نداشته است.»

در این بیانیه ادعا شده که پس از آنکه وزارت کشور مسئولیت هماهنگی برای تحقیق درباره علت مسمومیت دانش‌آموزان را به عهده گرفته، وزارت اطلاعات «با تمرکز فزاینده بر موضوع، بدون اعلام عمومی، همه‌ی توان اطلاعاتی، امنیتی، فنی، عملیاتی و آزمایشگاهی خود را برای کشف علل و عوامل، بسیج کرده و چند نهاد و سازمان دیگر نیز همزمان بر روی مسموم‌سازی دانش‌آموزان کار کرده‌اند.»

تصورات رایج و اشتباه در مورد آموزش زبان مادری مهاجران در کشور میزبان

● اخیراً موسسه‌های معتبر و فعال در زمینه کمک به پیشرفت آموزش زبان‌های مادری که به صورت شبکه‌ای در کشورهای استرالیا، کانادا و اتریش کار می‌کند، عصاره پژوهش‌های خود را در رد یکسری تصورات اشتباه در مورد آموزش زبان مادری مهاجران منتشر کرده است.

تعداد متقاضیان امتحانات رسمی فارسی در بریتانیا در دو مقطع GCSE و A Level در حال کاهش است. وضعیت امتحانات رسمی فارسی در دیگر کشورهای غربی نمی‌تواند چندان متفاوت از بریتانیا باشد. از دلایل مهم این پدیده مجموعه‌ای از تصورات اشتباه در مورد بیهوده بودن فراگیری زبان مادری و رسیدن به مدارج بالا و گذراندن امتحانات رسمی، چه در مدارس جریان اصلی کشورهای میزبان و چه در میان اولیای ایرانی مقیم این کشورهاست. این تصورات اشتباه نقش مهمی در عدم تشویق نسل‌های جدید ایرانی و دل‌سرد شدن آنان از ادامه فراگیری زبان فارسی و افزایش تسلط بر آن ایفا می‌کنند. بر چنین بستری اخیراً موسسه‌های معتبر و فعال در زمینه کمک به پیشرفت آموزش زبان مادری مهاجران که به صورت شبکه‌ای در کشورهای استرالیا، کانادا و اتریش کار می‌کند، عصاره پژوهش‌های خود را در رد این تصورات اشتباه منتشر کرده است. این موسسه کار جالبی هم کرده و نتیجه‌ی پژوهش خود را در قالب جملاتی کوتاه روی یک برگ کاغذ چاپ و تکثیر کرده تا به سادگی ملکه ذهن خوانندگان شود. ابتکار این موسسه مورد توجه موسسه‌های معتبر دیگری در زمینه‌ی آموزش زبان‌های مدرن در بریتانیا قرار گرفت و این موسسه نیز تصمیم به فعال شدن در عرصه آموزش زبان‌های مادری گرفته است. گسترش فعالیت این دو موسسه و نیز مدارس فارسی بریتانیا می‌تواند تغییری مثبت در این زمینه به وجود آورد. در این ارتباط با خانم شهلا طاهری مدیر مدرسه فارسی رستم در لندن گفتگو کردیم.

● خانم طاهری، لطفاً در مورد این دو موسسه و اهمیت کار آنها توضیحاتی بدهید.

-موسسه‌ای که برگه‌ای را که موضوع گفتگوی ماست تهیه کرده و منتشر ساخته، شامل مدارس و معلمان زبان‌های مادری- یا اجدادی- است و شبکه‌ای است فعال و مرتبط در کشورهای استرالیا، کانادا و اتریش و «شبکه تدریس زبان‌های مادری» یا Heritage Language Education Network نام دارد. از قدمت فعالیت این موسسه اطلاعی ندارم. برگه‌ای که صحبت از آن است به دست موسسه‌ی پژوهشی فعال وابسته به دانشگاه گلدسمیت لندن که «انجمن فراگیری زبان» یا به انگلیسی Association of Language Learning، رسیده و مورد توجه جدی این انجمن قرار گرفته است. مخاطب و اعضای این موسسه معلمان زبان‌های مدرن مانند فرانسوی، آلمانی و اسپانیولی و ایتالیایی در بریتانیا هستند. ولی اساتید و پژوهشگران موسسه که اغلب از دانشگاه گلدسمیت هستند، در یکی دو سال اخیر به حوزه تدریس زبان‌های مادری هم به صورت جدی علاقمند شده‌اند. از جمله با ما تماس



تصویر آرشیوی از مسمومیت دانش‌آموزان در اسفند ۱۴۰۱

با هدف آسیب رساندن به دانش‌آموزان نیست، یعنی یک نقطه و میدانی انتخاب شده که برای خانواده‌ها و والدین و افکار عمومی حساس است و از طرفی انعکاس این مسمومیت‌ها خیلی سریع در تمام کشور پخش می‌شود؛ مثلاً شما یک تروریستی را در نظر بگیرید که می‌رود نقطه حساس و پرجمعیت شهر و بازاری را که رفت و آمد زیادی دارد هدف قرار می‌دهد؛ این تروریست هدفش ضربه به بازاریان نیست بلکه تلفات بیشتر بوده است. نظرم این است که شواهد و قرائن در این چند ماه، چه در سال گذشته و چه در روزهای پس از نوزدهم از بازگشایی مدارس گذشته، نشان می‌دهد قضیه بسیار سازماندهی شده‌تر از آنست که فکر می‌شد. یعنی نمی‌شود یک سیستم امنیتی و اداری پشت این حملات نباشد و صرفاً یک جمع افراطی خودشان تصمیم گرفته باشند این حملات را انجام دهند.»

نجات بهرامی در ادامه توضیح می‌دهد که «این سازماندهی یا از قبل بستری‌های فراهم بوده، مثل حوزه‌های علمیه و پایگاه‌های بسیج، که در همه شهرها وجود دارد و یا اینکه واقعاً بخشی از دستگاه امنیتی بستری برای سازماندهی این حملات در همان ماه‌هایی که اعتراضات سال گذشته از اواخر شهریورماه در جریان بود، فراهم کرده است.»

او با بیان اینکه شماری از افراد بازداشت‌شده در شهرهای مختلف وابسته به پایگاه‌های بسیج و حسینیه‌ها و حوزه‌های علمیه بوده‌اند گفته که «در بازجویی گویا مشخص شده که این افراد در شهرهای مختلف با یکدیگر هماهنگ بوده و همه گفته‌اند که «حضرت آقا در فلان سخنانی گفته که بچه‌های دانش‌آموز [در اعتراضات ماه‌های گذشته] شیطنت کرده‌اند و با یک تنبیه کوچک درست می‌شوند. ما هم مقلد آقا هستیم و هرچه آقا بگوید ما آتش به اختیار هستیم و انجام می‌دهیم». ضمن اینکه هر کسی بازداشت شده، از سوی حسینیه‌ها، حوزه‌های علمیه و مساجد و ریش سفیدهای محل تماس‌هایی شروع شده و با اعمال نفوذ در نیروی انتظامی، این افراد آزاد شده‌اند!»

→ سال ۱۴۰۱ بود. این حملات هرچند از ۹ آذر و با مسمومیت گسترده دانش‌آموزان در هنرستان دخترانه «نور» شهر قم آغاز شد اما بیش از دو ماه با پنهانکاری و انکار و سانسور اخبار توسط جمهوری اسلامی روبرو بود.

حملات سازمان‌یافته در نیمه دوم زمستان به اوج رسید و به بیش از ۲۵ استان کشیده شد و دستکم سبب مسمومیت ۱۳۰۰ دانش‌آموز شد. بلافاصله پس از پایان تعطیلات نوروزی و در نخستین روز بازگشایی مدارس این حملات ادامه یافته و طی دو هفته گذشته ده‌ها مدرسه در استان‌های مختلف مورد حمله قرار گرفتند.

مقامات مسئول اما همچنان در پی فرافکنی درباره آمران و عاملان حملات هستند و در نهایت تلاش می‌کنند دانش‌آموزان را به «اضطراب، ترس، تمارض و شیطنت» متهم کرده و حملات را غیرواقعی بخوانند.

این در حالیست که یونس پناهی معاون تحقیقات و فناوری وزیر بهداشت اسفندماه گذشته با عمدی خواندن این مسمومیت‌ها گفته بود که «پس از مسمومیت چندین باره دانش‌آموزان در مدارس قم، مشخص شد افرادی دوست داشتند که تمامی مدارس، به خصوص مدارس دخترانه تعطیل شوند.»

یونس پناهی توضیح داده بود که «تاکنون مشخص شده، ترکیبات مواد شیمیایی، جنگی نیست و هیچ نشانه‌ای از مسری بودن ندارد» و «دانش‌آموزان مسموم شده نیاز به درمان تهاجمی ندارند و درصد زیادی از عوامل شیمیایی دخیل در این مسمومیت پیشگیرانه است.»

همزمان در آخرین هفته‌های زمستان گذشته، دادستان کل کشور از «احتمال عمدی بودن» مسمومیت دانش‌آموزان در قم خبر داده بود. جعفر منتظری، دادستان کل کشور به دادستان قم، دستور داد: «اخبار واصله از یک جریان نگران‌کننده نوعی مسمومیت در بعضی از مراکز آموزشی قم نشان از احتمال اقدامات مجرمانه عمدی دارد که قابل توجه و پیگیری دقیق می‌باشد. ضروری است جنابعالی نیز از جایگاه مدعی العمومی با اهتمام بیشتر و سرعت و دقت موضوع را تحت پیگرد قانونی قرار دهید.»

بر اساس اطلاعات پراکنده‌ای که از سوی وزارت بهداشت منتشر شده اغلب مسمومیت‌ها با استفاده از ترکیباتی از گاز نیتروژن (N₂) صورت گرفته. گاز نیتروژن بی‌بو و بی‌رنگ است که انتشار خالص آن در فضای بسته و یا ترکیبات آن می‌تواند به شدت خطرناک باشد. زنگ زدن گوش، حالت تهوع، تشنج و خستگی شدید و بی‌حالی، سرگیجه، سردرد، تنگی نفس، گرفتگی و بی‌حسی عضلات و علائم عصبی از جمله علائم مسمومیت با گاز نیتروژن است.

محمدتقی فاضل میبیدی عضو مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم یکشنبه هفتم اسفندماه مدعی شده است که «هزاره‌گراها» که نوعی تفکر نزدیک به طالبان است، این اقدامات را انجام می‌دهند. محمدتقی فاضل میبیدی امروز در گفتگو با خبرنگاری ایرنا سخنان روز گذشته خود را تکذیب کرد و گفت: «منی‌دانم چرا این مطلب را از قول بنده زده‌اند، من گفتم یکی از دوستانم بیان کرده است.»

در آنسو اما نشانه‌ها و شواهدی درباره دست داشتن جریان‌های امنیتی و افراد مذهبی وابسته به جمهوری اسلامی در این حملات سازمان‌یافته به چشم می‌خورد.

در همین رابطه نجات بهرامی روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی که حدود دو دهه سابقه تدریس در آموزش و پرورش را دارد هفته گذشته در گفتگو با «کیهان لندن» درباره ماهیت این حملات گفته بود: «یک مسئله که در مورد مسمومیت‌ها خیلی مهم است و می‌بینیم رسانه‌ها زیاد به آن می‌پردازند اینست که مسموم کردن دانش‌آموزان



شهلای طاهری مدیر مدرسه رستم

بچه‌ها مفید است نه اینکه مضر! و اینکه فراگیری زبان مادری بچه‌ها را عقب نمی‌اندازد و بار سنگینی بر دوش آنها نیست. وجه دوم آنست که اولیای مدارس فارسی را متقاعد کنیم که بسنده نکنند که فرزندانشان تنها چند کلاس اول را بگذرانند بلکه این مسیر را ادامه دهند و امتحانات رسمی این کشور را بگذرانند. وجه سوم آنست که به آن اولیایی دسترسی پیدا کنیم و آنها را مخاطب قرار دهیم که بچه‌هایشان را به مدرسه زبان فارسی بفرستند.

این برگی که آن را به فارسی آنرا ترجمه کرده‌ایم درباره‌ی این مسائل هست.

در کنار این فعالیت‌ها، برای اینکه فراگیری زبان فارسی را برای بچه‌ها جذاب کنیم ما همواره در صدد آموزش آخرین و پویاترین روش‌های تدریس برای معلمانمان هستیم. در ارتباطی مکمل با این، ما برای راه‌اندازی در حال مذاکره با دانشگاه میدلسکس Middlesex لندن هستیم تا یک دوره تخصصی و پیشرفته در زمینه تربیت معلم برای زبان‌های اجدادی در سطح دیپلم بعد از لیسانس در نظر بگیرند. این دوره نه فقط برای معلمان زبان فارسی بلکه برای معلمان مدارس زبان‌های اجدادی دیگر نیز هست.

● هم موسسه‌ای که در کانادا، استرالیا و اتریش روی زبان‌های مادری کار می‌کند و هم موسسه وابسته به دانشگاه گلدسمیت حتماً پژوهش‌هایی در این زمینه کرده‌اند که به این نتیجه رسیده‌اند؟

اولاً همکاران موسسه بریتانیایی اساتیدی هستند که در دانشگاه‌های مختلف و معتبر این کشور کار و تحقیق کرده و می‌کنند. اساساً اینگونه تحقیقات در کشورهایی نظیر سوئد، نروژ، بریتانیا و آلمان زیاد انجام شده. ولی طبیعتاً نمی‌توان پژوهش‌های طولانی و قطور با زبان علمی را با مردم عادی و غیرمتخصص در این زمینه در میان گذاشت بلکه باید عصاره و یا «لب مطلب» این تحقیقات علمی را با زبانی قابل دسترس عموم و جذاب در اختیار اقشار وسیع مردم قرار داد. من برای اینکه بیشتر در مورد این تحقیقات اطلاع کسب کنم در گذشته به آلمان و اتریش مسافرت کرده‌ام.

در آخر اضافه کنم که باید در نظر داشته باشیم که زبان چیزی فراتر است. با تنها گذراندن چند کلاس دوره دبستان کافی نیست که زبان درونی شود و بماند. باید حتماً تا سطح دوره‌های GCSE و A Level رفت تا چیزی از شعر و ادب فارسی دستگیر آدم شود و از زیبایی زبان فارسی لذت ببرد. یعنی تنها کافی نیست که بچه‌ها الفبای فارسی و کلمات محدود را یاد بگیرند.

فراگیری زبان فارسی یک مشکل مضاعف می‌شود. بله، این تصورات اشتباه در مدارس انگلیسی هنوز هم وجود دارد. این در حالیست که سال‌هاست این «افسانه‌ها» توسط کارشناسان زبان مورد پرسش جدی قرار گرفته ولی همچنان به بقای خود ادامه می‌دهند. خُب، این موانع باید از سر راه مدارس زبان اجدادی برداشته شود و معلمین انگلیسی بچه‌ها فعالیت‌های قومی را به آموختن زبان اجدادی و موطن خود تشویق کنند.

ما در «انجمن مدارس فارسی» با کمک سازمان «پویش» که برای ارتقاء جایگاه جامعه ایرانی در کشور میزبان بریتانیا فعالیت می‌کند- در نظر داریم این مسئله را در کامیونیتی ایرانی در سطحی وسیع مطرح و با ایرانیان در میان بگذاریم. یعنی ما در نظر داریم در مورد مزایا و فواید آموختن زبان فارسی، به عنوان زبان اجدادی، فراتر از جمع اولیایی که هم‌اکنون فرزندانشان را به مدارس فارسی می‌فرستند، در سطح کل ایرانیان بریتانیا، اطلاع‌رسانی کنیم. ما می‌دانیم که تعداد دانش‌آموزان زبان فارسی تنها بخش ناچیزی از جمعیت ۳۰۰ - ۴۰۰ هزار نفری ایرانیان بریتانیا را تشکیل می‌دهد. بنابراین خود جامعه ایرانی بریتانیا باید مورد خطاب واقع شود و در این مورد آگاه‌تر شود.

● سازمان «پویش» چه کمکی در این مورد به شما می‌کند؟
 - ما قبلاً هم با سازمان «پویش» در زمینه‌ی پیدا کردن راه‌هایی برای افزایش تعداد دانش‌آموزان زبان فارسی و متقاضیان شرکت در امتحانات A Level فعالیت داشتیم. «پویش» و «انجمن مدارس فارسی» بر این نکته اشتراک نظر داریم که یکی از کمک‌هایی که از مدارس انگلیسی می‌توانیم درخواست کنیم آنست که قبول کنند که اگر دانش‌آموزی خواهان گذراندن امتحان GCSE و A Level فارسی است امکان آن را در مدرسه فراهم کنند. دیگر اینکه تشویقش کنند و به او بگویند که دانستن عمیق‌تر زبان خانه‌ی اجدادی یک امتیاز بزرگ است و کمک می‌کند که تعداد A Level های دانش‌آموز بیشتر شود؛ نه اینکه گفته شود که تمرکز را باید روی امتحانات زبان انگلیسی و یا زبان‌های مدرن و ریاضیات و... گذاشت. یا اینکه زبان فارسی ارزش وقت گذاشتن ندارد زیرا بازده اجتماعی ندارد. تمام این افسانه‌ها در این برگی مورد پرسش قرار می‌گردند. با بحث‌ها و گفتگوهایی که داشتیم به این نتیجه رسیدیم که باید با این مسئله از چند زاویه روبرو شد و یک جهت کافی نبود. یعنی متقاعد کردن مدارس و معلمان انگلیسی یکی از وجوه کارزار است که باید انجام شود. بطور مشخص و خلاصه، معلمان مدارس انگلیسی را متقاعد کنیم که یادگیری زبان‌های مادری برای

گرفته‌اند و این برگه را به ما معرفی کردند و ما با اجازه آنها آنرا به فارسی ترجمه کردیم. در این تماس ما آنان را بیشتر هم تشویق کردیم که وارد عرصه زبان‌های مادری (اجدادی) شوند. این موسسه بعد از اینکه وارد این عرصه شده نامش را به «زبان‌های اجدادی، خانه‌ای، کامیونیتی» یا Heritage Home Community Languages تغییر داده است. به این ترتیب می‌توان متوجه شد که آنها واژه زبان مادری را برای توضیح زبان اقلیت‌های قومی کافی و مناسب نمی‌دانند زیرا به عنوان مثال ما هم در مدارس فارسی خودمان، مادران و پدرانی داریم که در بریتانیا به دنیا آمده‌اند و یا در اوان کودکی به این کشور آمده‌اند و تسلط آنان بر زبان فارسی چندان قوی نیست. بنابراین «زبان اجدادی» حق مطلب را بهتر بیان می‌کند و دربرگیرنده واقعیت متحول و چند بعدی کنونی است. این موسسه در همکاری با موسسه اول، فعالیت جدید خود را شروع کرده و از جمله با مدرسه ما و چند مدرسه فارسی دیگر لندن تماس گرفته و به ما خدمات ارائه می‌دهند. از جمله سمینارهایی برای کمک به پیشرفت تدریس معلمان مدارس زبان‌های اجدادی برگزار می‌کند.

● مخاطبان برگی که تهیه شده چه کسانی هستند؟
 مطالب این برگی چگونه می‌تواند به مدرسی مانند مدرسه شما در تدریس زبان فارسی به کودکان و نوجوانان کمک کند؟
 - مخاطب نخست این برگی معلمان زبان اصلی کشور میزبان و نیز معلمان زبان‌های مدرن در بریتانیاست تا آنان تدریس و آموزش و فراگیری زبان خانه و یا اجدادی را جدی بگیرند. مخاطب دوم آنها والدین اقلیت‌های قومی در کشورهای میزبان و در این مورد بریتانیاست تا فرزندانشان را تشویق به فراگیری زبان اجدادی و موطن خود بکنند.

ولی در مورد پرسش دوم ما باید برگردیم به پس‌زمینه‌ی این کار. بر مبنای آماری که در یکی دو سال گذشته به دست ما رسیده مطلع شدیم که تعداد متقاضیان شرکت در امتحانات A Level فارسی در بریتانیا بسیار کم شده. یعنی از ده زبان اصلی که امتحان گرفته می‌شود زبان فارسی در رده‌ی آخر است. این باعث نگرانی زیاد ماست و به نظر می‌رسد که فرزندان خانواده‌های ایرانی و فارسی‌زبان دیگر چندان علاقه‌ای به سوادآموزی به زبان فارسی ندارند. به این ترتیب، تعداد کسانی که در سال‌های آینده در خارج از ایران به زبان فارسی صحبت و ارتباط برقرار می‌کنند تنزل فاحشی خواهد یافت. این باعث شد که من در «انجمن مدارس فارسی» (که فعلاً متشکل از هفت مدرسه فارسی فعال در لندن است و ما از مدارس دیگر فارسی در بریتانیا دعوت می‌کنیم که به ما بپیوندند)، این مسئله را مطرح کنم تا یک اقدام جمعی و جدی در این زمینه شروع کنیم و یک کارآزمایی راه بیندازیم تا بچه‌ها بیشتر به فراگیری زبان فارسی تشویق شوند؛ حال، نتیجه‌ی این چه به صورت معلم خصوصی در خانه باشد و چه در مدرسی مانند رستم و دیگر مدارس زبان فارسی. در حین بررسی این موضوع چند جنبه این پدیده مورد بحث قرار گرفت. یکی اینکه تصمیم گرفته شد ما از مدارس کشور میزبان، به‌خصوص معلمان زبان انگلیسی، در این زمینه کمک بخواهیم زیرا بچه‌ها پنج روز هفته در آن مدارس هستند. متأسفانه در موارد نه چندان کمی بچه‌ها در این مدارس نه تنها تشویق نمی‌شوند که زبان اجدادی و موطن خود را جدی بگیرند و آنرا بیاموزند، بلکه متأسفانه هستیم بگویم در مواردی طوری برخورد می‌شود که بچه‌ها دلسرد هم می‌شوند. بطور مشخص، از سوی شماری از معلمان فواید فراگیری زبان مادری یا اجدادی مورد تردید قرار می‌گیرد؛ مثلاً گفته می‌شود: «این بچه‌ها هنوز انگلیسی بلد نیستند پس فارسی مغل یادگیری زبان انگلیسی آنهاست» یا «اگر بچه فارسی را یاد بگیرد توجه کافی به انگلیسی نمی‌کند» و یا «بچه‌های خانواده‌های مهاجر در تکلم به زبان انگلیسی مشکل دارند پس

ماتریوشکای دگرگونی بزرگ در ایران:

از «تغییر رژیم» به «تبدیل رژیم» به سبک روسی؟!



صف کشیدن ارتشی‌ها و سپاهی‌ها برای دست دادن با لوان جاگاریان سفیر روسیه در ایران / تهران / سه‌شنبه ۱۷ خرداد ۱۴۰۱

روبرو خواهد شد (مرگ خامنه‌ای، فروپاشی از درون یا حتی اعتراضات بزرگ و ریزش‌های قابل توجه و...) از این رو این احتمال می‌رود که جمهوری اسلامی به منظور پیشدستی کردن در برابر هرگونه سناریوی براندازی یا سرنگونی کامل رژیم، مسیر تحولات را عمدتاً به سمت تبدیل رژیم بجای تغییر رژیم سوق دهد؛ به این معنا که در این مسیر برای حفظ رژیم (به معنای حفظ هسته اصلی مافیای اقتصادی و اطلاعاتی) اگر لازم باشد با برخی عناصر اصلاح‌طلب و مخالف مورد تایید نظام وارد نوعی قرارداد سیاسی موقت شده تا فعلاً مانع از سرنگونی کامل رژیم از طریق اعتراضات گسترده مردمی یا در نتیجه‌ی فروپاشی رژیم شود.

این بدان معناست که ممکن است جمهوری اسلامی مشابه اتحاد جماهیر شوروی نوعی گذار کنترل شده قدرت را کلید بزند و بجای اینکه چهره‌هایی از خارج امکان کسب قدرت در نتیجه سرنگونی رژیم را پیدا کنند جمهوری اسلامی خودش نوعی «گذار قدرت به شکل درون‌زا» را حتی به صورت موقت به عنوان اقدامی پیشدستانه در دستور کار قرار دهد تا منافع اصلی صاحبان اصلی قدرت و رانت که در رأس آن خامنه‌ای و سپاه است حفظ شود حتی اگر لازم باشد که خود رهبر جمهوری اسلامی نیز در این فرآیند به تدریج به حاشیه رانده شود.

مسیر گذار قدرت یا تبدیل رژیم در شوروی چگونه رقم خورد؟

میخائیل گورباچف که به دنبال برنامه‌های اصلاح‌طلبانه بود در سال ۱۹۸۶ ابتدا مجموعه اصلاحات پروستوریکا، یعنی بازسازی و سپس گلاونست یعنی شفافیت را

شوروی در پنج سال آخر منتهی به فروپاشی آن (بین سال‌های ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۱) است تنها با این تفاوت عمده که شوروی در دوران میخائیل گورباچف در سایه یکسری اصلاحات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در نهایت فرو پاشید و جمهوری اسلامی در دوران خامنه‌ای در سایه سیلابی از ورشکستگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی با احتمال جدی فروپاشی حتی از درون روبروست.

اتحاد جماهیر شوروی اگرچه فرو پاشید اما باید در نظر داشت که این فروپاشی منجر به تبدیل رژیم (regime transformation) شد نه تغییر رژیم (regime change) از طریق انقلاب مردمی یا کودتا. در شوروی نظام کمونیسم فرو پاشید اما نهاد قدرت با محوریت کا.گ.ب KGB توانست در عین وجود تضادها و اختلافات در سایه بروز یکسری منازعات داخلی و رقابت‌های شدید به صورت پیدا و پنهان به جابجایی در کرسی قدرت یا به عبارت دقیق‌تر به روی کار آمدن بوریس یلتسین بجای گورباچف کمک کند و به حیات خود به شکل دگرپرسی یافته ادامه دهد. در مورد سرنوشت جمهوری اسلامی به نظر می‌رسد هسته اصلی قدرت در حکومت با محوریت سپاه به منظور پیشدستی کردن در برابر اپوزیسیون که دنبال سرنگونی رژیم است گزینه تبدیل رژیم به سبک آنچه در شوروی رخ داد را نیز در نظر داشته باشد.

از این رو با توجه به اینکه زمان، الزامات رئال پالیتیک حاکم بر روابط بین‌الملل، سیاست مشت آهنین جمهوری اسلامی در برابر مردم و واقعیات موجود در جامعه ایران (به‌خصوص نزد قشر خاکستری یا توده میلیونی) فعلاً به ضرر مردم ایران در حال رقم خوردن است اما حکومت دیر یا زود با نقاط عطف تاریخی

این احتمال می‌رود که جمهوری اسلامی به منظور پیشدستی کردن در برابر هرگونه سناریوی براندازی یا سرنگونی کامل رژیم، مسیر تحولات را عمدتاً به سمت تبدیل رژیم بجای تغییر رژیم سوق دهد؛ به این معنا که در این مسیر برای حفظ رژیم (به معنای حفظ هسته اصلی مافیای اقتصادی و اطلاعاتی) اگر لازم باشد با برخی عناصر اصلاح‌طلب و مخالف مورد تایید نظام وارد نوعی قرارداد سیاسی موقت شده تا فعلاً مانع از سرنگونی کامل رژیم از طریق اعتراضات گسترده مردمی یا در نتیجه‌ی فروپاشی رژیم شود.

● اهمیت گزینه «تبدیل رژیم» بجای «تغییر رژیم» برای جمهوری اسلامی از این جهت حائز اهمیت است که با تغییر رژیم (سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی) سپاه نیز عملاً خلع قدرت و منحل خواهد شد و یا حتی از بین خواهد رفت. بنابراین سپاه برای بقای خود هم که شده تلاش خواهد کرد با و خیم‌تر شدن اوضاع در ایران و با افزایش فشارها در داخل و خارج پیشدستی کرده و معادلات در داخل را تا آنجا که می‌تواند به نفع خود تمام کند پیش از آنکه از اپوزیسیون در خارج رودست بخورد و یا در نتیجه خیزش میلیونی قشر خاکستری ساقط شود.

حسین آقایی - ایران آستانه تحولات بزرگ و غیرقابل پیش‌بینی است و دگرگونی بزرگ در ایران اجتناب‌ناپذیر می‌تواند. آنچه معماگونه به نظر می‌رسد این است که این دگرگونی بزرگ در ایران به چه شکلی خواهد بود و مهم‌تر آنکه بر سر جمهوری اسلامی در این فرآیند دگرگونی چه خواهد آمد. جمهوری اسلامی از بسیاری جهات شبیه اتحاد جماهیر

محافظة کار کمونیست در آن تا حدی پاکسازی شدند. نظر به آنچه گفته شد صورت مسئله اکنون این است: جمهوری اسلامی از بسیاری جهات شبیه اتحاد جماهیر شوروی در پنج سال آخر منتهی به فروپاشی‌اش است. در شوروی در سال ۱۹۹۱ نیروهای غالباً تندروی کا.گ.ب علیه گورباچف کودتا کردند چون بقای او را دیگر تهدیدی برای خود و شوروی می‌دانستند اما در جریان کودتا در برابر نیروهای متعادل‌تر کا.گ.ب شکست خوردند. با وجود این کا.گ.ب به شکلی پاکسازی شده‌تر باقی ماند اما گورباچف در عمل ساقط شد.

به همین منوال سناریویی برای تبدیل رژیم در ایران شبیه مدل روسی را می‌توان به عنوان یک احتمال در نظر داشت به شکلی که سپاه نیز برای بقای سیاسی و اقتصادی خود در شرایط انقلابی در ایران و با توجه به نزدیک‌تر شدن مرگ خامنه‌ای شرایطی را مهندسی کند تا به منظور پیشدستی کردن در برابر اپوزیسیونی که دنبال سرنگونی رژیم است گزینه تبدیل رژیم را به سبک آنچه در شوروی رخ داد در ایران اجرا کند و در این مسیر حتی اگر لازم باشد از نیروهای اصلاح‌طلب در داخل و حتی خارج نیز کمک بگیرد.

اهمیت گزینه «تبدیل رژیم» بجای «تغییر رژیم» برای جمهوری اسلامی از این جهت حائز اهمیت است که با تغییر رژیم (سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی) سپاه نیز عملاً خلع قدرت و منحل خواهد شد و یا حتی از بین خواهد رفت. بنابراین سپاه برای بقای خود هم که شده تلاش خواهد کرد با وخیم‌تر شدن اوضاع در ایران و با افزایش فشارها در داخل و خارج پیشدستی کرده و معادلات در داخل را تا آنجا که می‌تواند به نفع خود تمام کند پیش از آنکه از اپوزیسیون در خارج رودست بخورد و یا در نتیجه خیزش میلیونی قشر خاکستری ساقط شود.

این عملیات پیشدستانه‌ی هسته اصلی قدرت در ایران با محوریت سپاه می‌تواند بدون کودتای نظامی و با انجام عملیات‌های حذف و ترور هدفمند، به صورت کودتای خاموش و البته با اعطای یکسری آزادی‌های بسیار محدود و تدریجی در مورد حجاب نیز انجام پذیرد. لازم به یادآوری است که مطالب عنوان شده به معنای یکسان بودن شرایط سیاسی و اجتماعی در دوران شوروی و جمهوری اسلامی نیست و جمهوری اسلامی ممکن است هیچگاه در عمل به این گزینه متوسل نشود و یا اگر شد، موفقیتی در آن نداشته باشد! پیچیدگی‌های شرایط سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در ایران ممکن است لزوماً اجرای مدل فروپاشی در شوروی و تبدیل رژیم را میسر نسازد و سناریوهای دیگری رقم بخورد که لزوماً قابل پیش‌بینی نیستند اما با توجه به تعمیق روابط تهران-مسکو و احتمال مشاوره‌های روسیه به جمهوری اسلامی و کارکرد مدل تبدیل رژیم در شوروی، این احتمال وجود دارد که حکومت برای بقای خود چنین سناریویی را در نظر داشته باشد.

این زنگ خطری بزرگ برای مخالفان دمکراسی‌خواه جمهوری اسلامی است که در راستای خیزش انقلابی زن، زندگی، آزادی خواهان سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی و جایگزینی آن با نظامی مدرن و دمکراتیک و مبتنی بر حقوق بشر هستند.

* حسین آقایی دارای مدرک دکترای روابط بین‌الملل، پژوهشگر ارشد امور راهبردی
 ◆ انتشار مطالب دریافتی در «دیدگاه» و «تریبون آزاد» به معنی همکاری با کیهان لندن نیست.

اطلاعاتی رابط بین پلیس مخفی سازمان اطلاعاتی آلمان شرقی موسوم به اشتازی و کا.گ.ب به درسدن آلمان رفت و با بالا گرفتن اعتراضات در بلوک شرق نهایتاً در فوریه ۱۹۹۰ به روسیه بازگشت. پوتین به توصیه لازار ماتویف استاد قدیمی‌اش در کا.گ.ب در مسکو ماند و به عنوان دستیار آناتولی سوبچاک شهردار وقت لنینگراد (سن پترزبورگ)



دیدار لوان جاگاریان و سیمون شرکلیف سفرای روسیه و انگلیس در سفارت روسیه در تهران

و مشاور شورای شهر لنینگراد به فعالیت خود ادامه داد. یادآوری این نکته نیز ضروریست که سوبچاک جزو متحدین یلتسین بود.

با بالا گرفتن کودتا در اوت ۱۹۹۱ بوریس یلتسین با پشتیبانی عده زیادی از مردم در برابر پلیس و ارتش دست به مقاومت زدند تا اینکه در ۲۰ اوت، حکم حمله به پارلمان از طرف کودتاچیان صادر شد. پس از درگیری‌های خونبار خیابانی سه تن کشته و تعدادی نیز زخمی شدند اما بخش عمده ارتش طرف مردم را گرفت و گورباچف به مسکو بازگشت و در نهایت حکم بازداشت کودتاچیان نیز صادر شد.

نکته اینجاست که پوتین به واسطه نفوذش در کا.گ.ب و با همکاری سوبچاک که متحد یلتسین بود توانستند کودتا را شکست دهند و گورباچف نیز اگرچه به مسکو بازگشت اما او دیگر زمام امور را از دست داده بود و چند روز بعد یلتسین حکم انحلال حزب کمونیست را اعلام کرد و کمتر از چهار ماه بعد اتحاد جماهیر شوروی فرو پاشید و یلتسین که با حلقه پوتین و سوبچاک کودتا را به شکست کشانده بود زمام قدرت را در دست گرفت.

همانطور که پیداست اتحاد جماهیر شوروی دچار سرنگونی (تغییر رژیم) از طریق انقلاب مردمی یا کودتا با حمایت عناصر بیرون از شوروی نشد بلکه در شوروی بجای تغییر رژیم نوعی «تبدیل رژیم» صورت گرفت بطوری که حتی با آمدن یلتسین او نیز اصلاحات گورباچف را کم و بیش ادامه داد اما نهاد قدرت با محوریت کا.گ.ب (با وجود آنکه یلتسین این نهاد را منحل و به بخش‌های مختلف تقسیم کرد از جمله اف.اس.بی) به فعالیت خود ادامه داد با این تفاوت عمده که عوامل تندرو و

آغاز کرد. کا.گ.ب اگرچه از گورباچف که دست‌پرده یوری آندروپوف بود حمایت می‌کرد اما به تدریج نسبت به اصلاحات پرشتاب و گسترده رهبر وقت شوروی موضع مخالف گرفت.

البته در کا.گ.ب نسبت به اقدامات اصلاح‌طلبانه گورباچف میان همه طیف‌ها و جریانها همگرایی نظر

وجود نداشت. بطور مثال First Chief Directorate یا سرویس اطلاعات خارجی شوروی در کا.گ.ب (SVR) امروز در روسیه غالباً موافق و حامی اصلاحات گورباچف بود، حتی گئورگی آکایف معاون رئیس وقت کا.گ.ب نگاه مثبتی به پروسترویکا و گلاسنوست داشت اما طیف محافظه‌کار و تندرو در کا.گ.ب از جمله خود ویکتور چریکوف رئیس وقت کا.گ.ب (بین سالهای ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۸) به تدریج علیه اصلاحات موضع گرفتند.

استدلال اصلی تندروهای کا.گ.ب و افراطیون کمونیست این بود که گورباچف در حال فروختن شوروی به غرب، متلاشی ساختن شوروی و ایجاد شرایطی در داخل است که امکان کنترل و سرکوب مردم را برای KGB سخت‌تر می‌کند. شایان یادآوری است که به گفته والتین کورولوف از افسران بازنشسته کا.گ.ب در سال ۱۹۹۰ کا.گ.ب در آن سال‌ها آنقدر قدرت داشت که می‌توانست با کودتا یا هر اقدام دیگری قدرت را در شوروی دست بگیرد.

در نهایت همین طیف تندرو و افراطی در کا.گ.ب از جمله ولادیمیر کریوچکوف رئیس کا.گ.ب (بین سالهای ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۱) با رهبری گنادی یانایف معاون رییس جمهوری شوروی و با مشارکت عناصری در ارتش تحت عنوان «گنگ هشت نفره» صبح ۱۹ اوت ۱۹۹۱ گورباچف را در استراحتگاه شخصی‌اش در کریمه حبس خانگی کردند تا مجبور به کناره‌گیری از قدرت شود. در جریان کودتا بخشی از کا.گ.ب که به طیف سیاسی دمکرات تعلق داشت مانند ولادیمیر پوتین و حتی بخش بزرگی از نیروهای ویژه کا.گ.ب تحت عنوان «نیروهای آلفا» از کودتا حمایت نکردند. ناگفته ماند که پوتین در سال ۱۹۸۵ به عنوان افسر

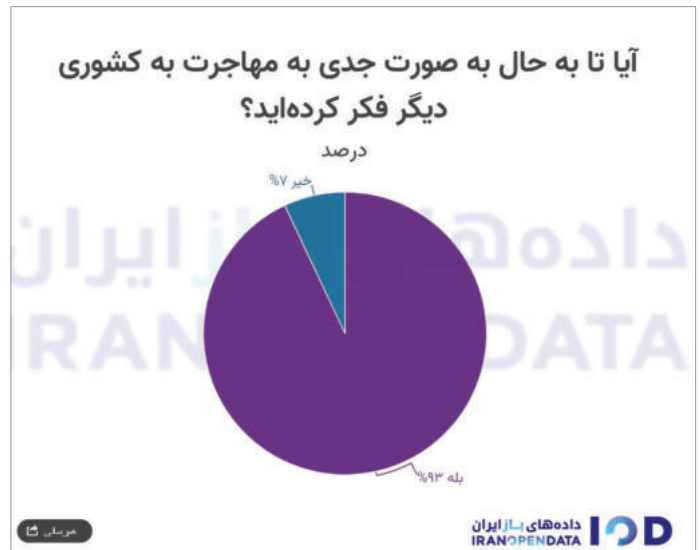
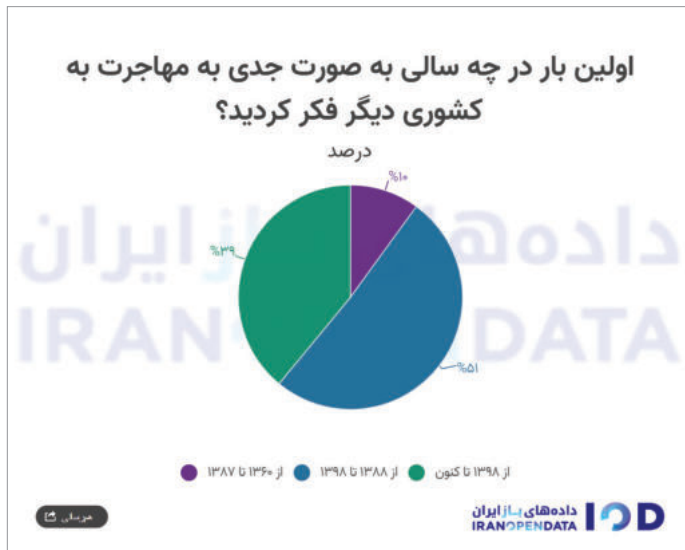
نتایج یک نظرسنجی:

۹۳ درصد از پاسخ‌دهندگان بطور جدی به مهاجرت از ایران فکر می‌کنند

بوده‌اند. چنان که انتظار می‌رود، بیشترین پاسخ‌دهندگان می‌گویند ساکن تهران هستند. کمترین میزان پاسخ‌دهندگان ساکن استان خراسان جنوبی و کهگیلویه و بویراحمد بوده‌اند. میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۳۴ سال بوده است. ۴۴ درصد از پاسخ‌دهندگان تحصیلاتی کمتر از کارشناسی داشته‌اند و ۵۶ درصد بیش از کارشناسی. همچنین، ۴۲ درصد از آنها مجرد و ۴۹ درصد متاهل بوده و دیگران در گذشته دارای همسر بوده‌اند. ۳۴ درصد از شرکت‌کنندگان شغل دائمی داشته و ۴۶ درصد در وضعیت شغلی قراردادی و موقتی بوده‌اند. ۱۴ درصد پاسخ‌دهندگان نیز بازنشسته یا بیکار و ۶ درصد در حال تحصیل بوده‌اند. همانطور که از نتایج این نظرسنجی نیز مشخص است موج مهاجرت از ایران در سالهای گذشته افزایش یافته بطوری که به گفته رئیس رصدخانه مهاجرت ایران «در سال ۱۴۰۲ احتمالا

از دست داده) بیشتر پیش از ۱۳۸۸ به این فکر افتاده‌اند. نتایج این نظرسنجی نشان می‌دهد که بیشترین میزان پاسخ‌دهندگان (۱۰ درصد) می‌گویند اولین بار در سال ۱۳۹۸ به این فکر افتاده‌اند که از کشور خارج شوند. افراد دارای مشاغل قراردادی/موقت بیشتر از ۱۳۸۸ به بعد به فکر مهاجرت افتاده‌اند و افراد شاغل به تحصیل بیشتر از سال ۱۳۹۸. اما افراد با شغل دائمی و یا بیکار و بازنشسته، بیشتر پیش از ۱۳۸۸ در فکر مهاجرت بوده‌اند. بر اساس این نظرسنجی نزدیک به نیمی از پاسخ‌دهندگان می‌گویند بین سنین ۲۰ تا ۳۰ سالگی برای اولین بار به فکر مهاجرت افتاده‌اند. افرادی نیز در سنین دبیرستان و بلافاصله پس از دیپلم به دنبال مهاجرت از ایران بوده‌اند بطوری که از هر ۴ نفر از پاسخ‌دهندگان حدود یک نفر گفته است در سن کمتر از ۲۰ سالگی برای اولین بار چنین فکری در سرشان

● حدود ۶۰ درصد از پاسخ‌دهندگان می‌گویند به احتمال بیش از ۵۰ درصد در آینده نه چندان دور به کشوری دیگر مهاجرت خواهند کرد. ۲۷ درصد از پاسخ‌دهندگان می‌گویند به احتمال بیش از ۹۰ درصد در آینده نه چندان دور، به خارج مهاجرت خواهند کرد.
● افراد دارای مشاغل قراردادی/موقت بیشتر از ۱۳۸۸ به بعد به فکر مهاجرت افتاده‌اند و افراد شاغل به تحصیل بیشتر از سال ۱۳۹۸. اما افراد با شغل دائمی و یا بیکار و بازنشسته، بیشتر پیش از ۱۳۸۸ در فکر مهاجرت بوده‌اند.
● بحران‌های اقتصادی و اجتماعی گسترده در ایران که طی چهار دهه گذشته زندگی و اشتغال را برای رسته‌های مختلف شغلی و اقشار مختلف دشوار کرده سبب سرعت گرفتن موج مهاجرت از ایران شده است.



یکی از شدیدترین و وخیم‌ترین موج‌های مهاجرت را فقط در بحث فرار مغزها خواهیم داشت.» بهرام صلواتی از اصطلاح «مهاجرت توده‌وار» برای آنچه در خروج منابع انسانی از کشور در جریان است استفاده کرده و گفته که «امروزه دلایل اجتماعی، اقتصادی، محیط‌زیستی، فرهنگی و سیاسی بر همدیگر منطبق شده‌اند. شاهد حضور نیروهای دفاعی و رانشی در داخل کشور و نیروهای کشتی و جاذبه‌ای خارج از کشور هستیم. وقتی این حالت اتفاق بیفتد، موضوع فقط مهاجرت گسترده یا محدود یک طبقه خاص - استعدادهای برتر و نخبگان - نیست، دسته‌های مختلف مردم از جمله ورزشکاران، هنرمندان، استادان، معلمان، کارگرا در صنایع مختلف مهاجرت می‌کنند. وقتی این شواهد را کنار هم می‌گذاریم، متوجه می‌شویم که وارد مهاجرت عام یا توده‌وار شدیم. ما دو سال پیش شواهدش را دیده بودیم و هشدارهای لازم را هم دادیم.»

رئیس رصدخانه مهاجرت ایران تأکید دارد که «در دهه ۷۰ عوامل اقتصادی تعیین‌کننده بود و موج مهاجرتی جدیدی شکل گرفت. در اواخر دهه ۸۰، تحولات انتخابات ۸۸ باعث شد موج جدید مهاجرت سیاسی و اجتماعی شکل بگیرد. در اواخر دهه ۹۰ و اوایل قرن جدید، ما شاهد پیوست

افتاده است. در گزارش «پایگاه داده‌های باز ایران» تأکید شده که با وجود آنکه ۹۳ درصد از پاسخ‌دهندگان می‌گویند زمانی در زندگی خود به مهاجرت فکر کرده‌اند، اما تنها حدود ۵۵ درصدشان گفته‌اند برای این فکر دست به اقدام عملی زده‌اند. همچنین حدود ۶۰ درصد از شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی می‌گویند به احتمال بیش از ۵۰ درصد در آینده نه چندان دور به کشوری دیگر مهاجرت خواهند کرد. ۲۷ درصد از پاسخ‌دهندگان می‌گویند به احتمال بیش از ۹۰ درصد در آینده نه چندان دور، به خارج مهاجرت خواهند کرد. این گزارش افزوده که فراخوان برای شرکت در این پیمایش آنلاین از ۲۲ اسفند ۱۴۰۱ تا ۸ فروردین ۱۴۰۲ برای مدت دو هفته در دسترس کاربران بوده است. در این مدت، ۱۵۶۷ نفر از کاربران فضای مجازی در این فراخوان مشارکت کرده و به پرسش‌های مطرح شده پاسخ داده‌اند. ۷۲ درصد از پاسخ‌دهندگان مرد و ۲۷ درصد زن بوده‌اند. حدود یک درصد از پاسخ‌دهندگان جنسیتی دیگر را برای خود برگزیده‌اند. ۹۷ درصد از پاسخ‌دهندگان به این فراخوان در مناطق شهری و ۳ درصد باقی در مناطق روستایی ساکن بوده‌اند. شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی در ۳۱ استان کشور پراکنده

تازه‌ترین نظرسنجی درباره تمایل مردم در ایران به مهاجرت نشان می‌دهد ۹۳ درصد از پاسخ‌دهندگان تا حال بطور جدی به مهاجرت از کشور فکر کرده‌اند. نیمی از این افراد نیز برای مهاجرت اقدام کرده و در حال آماده کردن مدارک یا در انتظار ویزا و برنامه‌ریزی سفر هستند. «پایگاه داده‌های باز ایران» در یک نظرسنجی موضوع مهاجرت ایرانیان را بررسی کرده که نشان از افزایش شدید میل به مهاجرت در میان مردم کشور دارد. بر اساس یافته‌های این نظرسنجی ۹۳ درصد از پاسخ‌دهندگان می‌گویند که تا حال بطور جدی به مهاجرت از کشور فکر کرده‌اند. حدود نیمی از این تعداد می‌گویند که برای مهاجرت خود دست به اقدام عملی زده‌اند. همچنین افراد با تحصیلات دانشگاهی بیش از کسانی که تحصیلات دانشگاهی ندارند، می‌گویند برای مهاجرت اقدام کرده‌اند. بیش از نیمی از پاسخ‌دهندگان در فاصله سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸ به فکر مهاجرت افتاده‌اند. از سوی دیگر بیشترین افرادی که به مهاجرت فکر کرده‌اند، بین سنین ۲۹ تا ۳۰ سالگی هستند. افراد مجرد بیشتر از ۱۳۸۸ به بعد به فکر مهاجرت افتاده‌اند و افراد متاهل بیشتر بعد از ۱۳۹۸. اما افراد بیشتر متاهل (جدا شده/ طلاق گرفته/همسر

روزنامه اورشلیم پست:

بنیامین نتانیاهو و الی کوهن به شدت در اروپا علیه جمهوری اسلامی لابی کرده‌اند



جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در نشست شورای انجمن اتحادیه اروپا و اسرائیل در بروکسل / ژانویه ۲۰۲۳

سفر بحث درباره دستیابی جمهوری اسلامی به تسلیحات هسته‌ای و پشتیبانی رژیم از تروریسم است. نتانیاهو در نشست هفتگی دولت گفت: «ما اجازه نمی‌دهیم [رژیم] ایران محاصره تروریسم را در اطراف ما تنگ کند تا ما را خفه کند. ما در حال انجام اقدامات شبانه‌روزی در این زمینه، در همه زمان‌ها، حتا همین الان، هستیم و به اقدامات تهاجمی و تدافعی علیه تجاوزات رژیم ایران و نیروهای نیابتی آن ادامه خواهیم داد.»

کوهن همچنین قصد دارد در بروکسل به تنش بین اسرائیل و اتحادیه اروپا بر سر مناقشه اسرائیل و فلسطین بپردازد، به ویژه در دیدار با بورل، که با مواضع شدید خود دولت نتانیاهو را خشمگین کرده است.

یکی از اختلافات اسرائیل و اروپا ارسال کمک‌های بشردوستانه به گروه‌های فلسطینی است. اما مسئله این است که کمک‌ها نه به مردم فلسطین بلکه صرف تأمین فعالیت‌های تروریستی می‌شود. کوهن تأکید کرده «برای من مهم است که برای دوستان در اروپا روشن کنم که اسرائیل مخالف ارسال کمک‌های بشردوستانه از سوی کشورهای اروپایی و اتحادیه به تشکیلات خودگردان فلسطین نیست.» وی افزود: «با وجود این، اسرائیل اجازه نخواهد داد کمک‌های اروپا بطور غیرمستقیم به سازمان‌های تروریستی و تحریک علیه اسرائیل و اسرائیلی‌ها برسد.»

سفر الی کوهن به بروکسل ۱۰ روز پس از سفر شاهزاده رضا پهلوی به اسرائیل صورت می‌گیرد. یکی از محورهای مورد بحث در این سفر ضرورت قرار گرفتن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی اروپا خواهد بود. شاهزاده رضا پهلوی از نتانیاهو خواسته بود از اهرم‌های خود برای تشدید فشارها علیه جمهوری اسلامی به ویژه سپاه پاسداران استفاده کند تا به مردم ایران برای مقابله با رژیم کمک شود.

● الی کوهن وزیر خارجه اسرائیل که عازم بروکسل برای دیدار با جوزپ بورل است گفته اسرائیل و اتحادیه اروپا منافع مشترک زیادی در خاورمیانه دارند که مهم‌ترین آنها توقف برنامه هسته‌ای رژیم ایران و تهدیدات تروریستی آن است.

● روزنامه اورشلیم پست در گزارشی می‌نویسد بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل و الی کوهن به شدت در اروپا علیه جمهوری اسلامی لابی کرده‌اند. اتحاد تهران با مسکو دریچه‌ای را به روی اسرائیل باز کرده تا در مورد استراتژی جلوگیری از تولید سلاح هسته‌ای توسط جمهوری اسلامی، سیاست‌های بروکسل را با سیاست اورشلیم هماهنگ کند.

● اسرائیل به‌ویژه از هیئت مدیره آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌خواهد که در نشست آتی شورای حکام [در ماه ژوئن] به بازگشت مجدد تحریم‌های فلج کننده علیه جمهوری اسلامی رأی دهد.

● کوهن از اتحادیه اروپا می‌خواهد که موضع سختگیرانه‌ای در برابر غنی‌سازی اورانیوم در ایران اتخاذ کرده و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به فهرست سازمان‌های تروریستی خود اضافه کند.

اسرائیل به‌ویژه از هیئت مدیره آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌خواهد تا در ماه ژوئن (اواسط خرداد) از شورای امنیت سازمان ملل متحد به بازگرداندن تحریم‌های فلج کننده علیه جمهوری اسلامی رأی دهد.

روزنامه «اورشلیم پست» ۳۰ آوریل (۱۰ اردیبهشت) گزارش داد که قرار است الی کوهن وزیر خارجه اسرائیل با توجه به حمایت‌های اتحادیه اروپا علیه رژیم ایران و کاهش تنش‌ها بر سر مناقشه فلسطین، روز سه‌شنبه ۱۲ اردیبهشت به بروکسل سفر کرده و با جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا دیدار و گفتگو کند.

کوهن در همین ارتباط گفته اسرائیل و اتحادیه اروپا منافع مشترک زیادی در خاورمیانه دارند که مهم‌ترین آنها توقف برنامه هسته‌ای رژیم ایران و تهدیدات تروریستی آن است. بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل و الی کوهن به شدت در اروپا علیه جمهوری اسلامی لابی کرده‌اند. اتحاد تهران با مسکو دریچه‌ای را به روی اسرائیل باز کرده تا در مورد استراتژی جلوگیری از تولید سلاح هسته‌ای توسط جمهوری اسلامی، سیاست‌های بروکسل را با سیاست اورشلیم هماهنگ کند.

اسرائیل و هیئت مدیره آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اسرائیل به‌ویژه از هیئت مدیره آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌خواهد که در نشست آتی شورای حکام (در ماه ژوئن) به بازگشت مجدد تحریم‌های فلج کننده علیه جمهوری اسلامی رأی دهد.

الی کوهن از اتحادیه اروپا می‌خواهد که موضع سختگیرانه‌ای در برابر غنی‌سازی اورانیوم در ایران اتخاذ کند و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به فهرست سازمان‌های تروریستی خود اضافه نماید. وزیر خارجه اسرائیل تأکید کرد که دستور کار وی در این

عوامل اجتماعی و اقتصادی هستیم. وقتی حوادث آبان ۹۸ اتفاق افتاد یا موشک به هواپیماهای اوکراینی اصابت کرد، ما نتوانستیم پاسخ‌های قانع‌کننده‌ای به این بحران‌ها بدهیم؛ این مطالبات و فشارها به هم پیوند خورد و موجب شد قوی‌ترین حلقه رانشی شکل بگیرد. وقتی این حلقه شکل گرفت، در ادامه بقیه حلقه‌ها هم شکل می‌گیرد. مثلاً سرمایه‌گذاری مهاجرتی خانوارها به وجود آمد، برای مثال شاهد افزایش میل حضور در کلاس‌های زبان هستیم و درخواست مهاجرت دانشجویان بیشتر شده است. حتی برخی از خانواده‌ها برای فرزندانشان در سطح مدارس و مهدکودک‌ها سرمایه‌گذاری کرده‌اند!»

بحران‌های اقتصادی و اجتماعی گسترده در ایران که طی چهار دهه گذشته زندگی و اشتغال را برای رسته‌های مختلف شغلی و اقشار مختلف دشوار کرده سبب سرعت گرفتن موج مهاجرت از ایران شده است.

در نخستین سال‌های پس از انقلاب ۵۷، مهاجرت بیشتر مربوط به فعالان سیاسی مخالف و منتقد جمهوری اسلامی بود اما به مرور دانشجویان نخبه، پزشکان، مهندسان، کارآفرینان نیز به موج مهاجران از ایران پیوسته و در سال‌های اخیر نیروی کار ماهر و حرفه‌ای از طراح فرش و قالیباف تا کارگران و استادکاران فنی و صنعتی و حتی کشاورزان نیز به دنبال مهاجرت از ایران هستند.

در حالی که جمهوری اسلامی آرامش و امنیت و درآمد را از اقشار مختلف گرفته و آنها را ناچار به مهاجرت از کشور می‌کند اما دیگر کشورها بر اساس نیازهای توسعه‌ای و اقتصادی، با آغوش باز از نیروهای کار ایرانی استقبال می‌کنند. اکثر کارگران و استادکاران فنی راهی عراق شده‌اند، طراحان و فرشباافان مورد استقبال ترکیه قرار گرفتند و پزشکان و پرستاران جذب کشورهای حاشیه خلیج فارس شدند. آخرین گزارش‌ها نشان می‌دهد استرالیا نیز به یکی از مقاصد اصلی کشاورزان ایرانی تبدیل شده و برای کشاورزان «ویزای کشاورزی» صادر می‌کند تا سال‌ها تجربه‌ای که نسل به نسل درباره کشت به کشاورزان ایرانی رسیده و طی دهه‌های گذشته با علم و صنعت درآمیخته، به توسعه کشاورزی در استرالیا کمک کند.

روزنامه «هم‌میهن» نیز اواخر فرودین امسال با انتشار گزارشی با عنوان «موج شتابان مهاجرت کادر درمان» نوشته «افرادی که اگر چه هم‌زمان هم پزشک و هم دانشجو هستند، اما مورد انواع بی‌عدالتی‌ها قرار گرفته و سرانجام از ادامه فعالیت خود منصرف شده یا از کشور مهاجرت می‌کنند.»

بر اساس این گزارش ساعات کار طولانی، دستمزد پایین، قرار گرفتن تحت توهین‌های مکرر، کنارآمدن با نگاه سختگیرانه وزارت کار و ناامیدی از آینده شغلی، تنها بخشی از زندگی طاقت‌فرسای رزیدنت پزشکی است؛ قشری که سخنگوی سازمان نظام پزشکی نسبت به انصراف آنها و البته تبعات هولناک این پدیده هشدار داد. رزیدنت‌هایی که آینده سلامت کشور باید در دستان متبحر آنها باشد. آنها در واقع پزشکان عمومی هستند که برای متخصص شدن باید ۴ تا ۶ سال در بیمارستان‌های دولتی زیر نظر پزشکان متخصص فعالیت کنند. میزان ساعات کاری رزیدنت‌ها در بیمارستان ۴۳۲ تا ۵۴۰ ساعت در ماه عنوان شده است. آمار کاری عجیب و طاقت‌فرسا برای ارائه خدماتی دشوار که کیفیت آن می‌تواند تأثیری مستقیم بر سلامت جامعه بگذارد.

محمد شریفی مقدم دبیرکل خانه پرستار در ۱۸ بهمن سال ۱۴۰۱ گفته بود: «براساس آمار درخواست گواهی goodstanding یا همان سوء‌پیشینه کادر درمان و پزشکان، دست‌کم سالانه ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ پرستار از کشور مهاجرت می‌کنند، در واقع ماهانه حدود ۲۰۰ پرستار کشور را ترک می‌کنند، البته این آمار هم دقیق نیست، چون برخی شخصی و یا از راه‌های دیگری برای مهاجرت اقدام می‌کنند.»

دهان کجی بازار ارز به «بریدن بند دلار از اقتصاد»؛ جراحی اقتصادی دوم رئیسی هم شکست می‌خورد!



یوآن چین، ارز مورد علاقه جمهوری اسلامی، به مرز ۸۰۰۰ تومان رسیده است.

قیمت‌ها در بازار طلا و سکه نیز افزایشی است بطوری که هر سکه طلا با قیمت ۳۴ میلیون و ۱۴۰ هزار تومان و هر گرم طلای ۱۸ عیار با قیمت دو میلیون و ۸۷۰ هزار و ۶۰۰ تومان مبادله می‌شود.

به نظر می‌رسد یکی از دلایل تشکیل «دبیرخانه» برای دلارزدایی از سوی دولت، امیدواری به بهبود روابط تجاری ایران و چین و جایگزین شدن یوآن با دلار است. این در حالیست که به عقیده بسیاری از تحلیلگران در شرایط کنونی اقتصاد، جایگزینی یوآن به جای دلار می‌تواند آینده ارزی کشور را با چالش‌های جدی‌تری مواجه کند.

در مجموع اما با وجود تورم فزاینده، موج افزایش قیمت مواد خوراکی و اجاره‌بهای مسکن، و همچنین کسری شدید بودجه دولت، اعتراضات دستمزدی اقشار مختلف از کارگران و بازنشستگان تا آموزگاران و پرستاران به نظر می‌رسد تشکیل «دبیرخانه» برای «بریدن بند دلار» بیشتر اقدامی فرافکنانه از سوی ابراهیم رئیسی و تیم اقتصادی او باشد.

اعتراضات به وضعیت اقتصادی و شیوه مدیریت تیم اقتصادی دولت آنقدر گسترده شده که برخی نهادهای نزدیک به حاکمیت از جمله ۸ تشکل «بسیج دانشجویی» نیز در نامه‌ای به محمد مخبر معاون اول رئیسی، که از دید بسیاری سکاندار تیم اقتصادی دولت است، خواسته‌اند یا پاسخگو وضعیت موجود باشد یا «استعفا» دهد.

در این نامه آمده که امروز برای «سومین و آخرین بار» شما را به «پاسخگویی و شفافیت» در خصوص «برنامه‌های اقتصادی دولت» و نیز «عملکرد دو ساله‌تان» دعوت می‌کنیم.

آنها همچنین نوشته‌اند که دولت محل «عمل» است و دانشگاه محل «پرسش»؛ اگر معاون اول رئیس جمهور و نیز «فرمانده ستاد تیم اقتصادی دولت» پس از دو سال

سال گذشته با حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی برای حذف واردات نهادهای دامی، دارو و مواد اولیه اساسی صورت گرفت، موج بی‌سابقه‌ای از تورم در ایران ایجاد شد که اثرات زیانبار آن همچنان تولید در اقتصاد و معیشت مردم به ویژه اقشار حقوق‌بگیر را هدف قرار داده است.

دلارزدایی البته نخستین بار نیست که از سوی مقامات جمهوری اسلامی مورد تأکید قرار می‌گیرد. در سال‌های گذشته و در دولت‌های محمود احمدی‌نژاد و حسن روحانی نیز هر زمان دولت با کسری شدید بودجه یا رکود تورمی عمیق در تولید روبرو شد، بحث دلارزدایی برجسته شد.

اینهمه در حالیست که طی سال‌های گذشته و در دوره‌های مختلف تحریم، جمهوری اسلامی از همه پتانسیل خود برای جایگزین کردن دیگر ارزها با دلار استفاده کرده است اما همچنان نتوانسته دلار را از تبادلات تجاری بطور کامل حذف کند یا به قول ابراهیم رئیسی «بند ناف» آن را از اقتصاد ایران ببرد!

از سوی دیگر ابراهیم رئیسی مدعی شده که دبیرخانه تشکیل شده در دولت، بندناف قدرت دلار را می‌برد تا هم «ارزش پول ملی» را بیشتر کند و هم باعث می‌شود «فعالیت‌های بیشتری در منطقه» داشت.

سخنان رئیس دولت سیزدهم نشان می‌دهد برآورد تیم اقتصادی دولت اینست که «ارزش دلار» در برابر «پول ملی» افزایش یافته است و این موضوع سبب تورم شده است. در واقعیت اما «ارزش پول ملی» کاهش یافته و ارزش «همه ارزهای رایج» در برابر «ریال ایران» افزایش پیدا کرده است. در نتیجه حتی با فرض محال، اگر جمهوری اسلامی بتواند دلار را از مبادلات تجاری حذف کند، ارتباطی به «تقویت ارزش پول ملی» نداشته و تورم کاهش نخواهد یافت.

در آسوس بازار دلار به سخنان رئیسی کاملاً بی‌اعتنا همچنان با افزایش قیمت‌ها روبروست. قیمت دلار با افزایشی چشمگیر از ابتدای هفته به بیش از ۵۵ هزار تومان رسیده است؛ قیمت یورو به بیش از ۶۱ هزار تومان و قیمت هر

● برآورد تیم اقتصادی دولت اینست که «ارزش دلار» در برابر «پول ملی» افزایش یافته و این موضوع سبب تورم شده است. در واقعیت اما «ارزش پول ملی» کاهش یافته و ارزش «همه ارزهای رایج» در برابر «ریال ایران» افزایش پیدا کرده است!

● به نظر می‌رسد تشکیل «دبیرخانه» برای «بریدن بند ناف دلار» اقدامی فرافکنانه از سوی ابراهیم رئیسی و تیم اقتصادی او برای عدم پاسخگویی به مشکلاتی چون رکود تورمی، گرانی و بحران در تولید باشد.

● آلبرت بغزبان کارشناس اقتصادی معتقد است بانک مرکزی نتوانسته نقش خود مهار قیمت ارز را به درستی ایفا کند و این ضعف به افزایش قیمت دلار در ایران دامن زده است.

● مرتضی افقه: در تیرماه شاید فوران تورمی رخ ندهد، اما فکر می‌کنم از نیمه دوم سال اگر مشکل تحریم حل نشود جهش‌های قیمت را خواهیم داشت.

ابراهیم رئیسی از طرحی برای «بریدن بند ناف اقتصاد از دلار» خبر داده که به نظر می‌رسد دومین جراحی اقتصادی دولت باشد. ادعاهای تیم اقتصادی دولت سیزدهم برای دلارزدایی از اقتصاد بیش از آنکه برنامه‌ای برای اقدام موثر اقتصادی باشد، ادعایی سیاسی با هدف ایجاد موج روانی و مدیریت افکار عمومی است.

ابراهیم رئیسی از برنامه جدید اقتصادی دولت سیزدهم خبر داده و گفته که در دولت دبیرخانه‌ای فعال شده که روابط ارزی ایران با دنیا را تغییر می‌دهد. این دبیرخانه بندناف قدرت دلار را می‌برد تا هم ارزش پول ملی را بیشتر کند و هم باعث می‌شود فعالیت‌های بیشتری در منطقه داشت!

آغاز فعالیت دبیرخانه‌ای برای دلارزدایی را می‌توان به عنوان دومین جراحی اقتصادی دولت ابراهیم رئیسی ارزیابی کرد. در نخستین جراحی اقتصادی که از ابتدای

وزیر «صمت» برکنار شد



رضا فاطمی امین

نزدیکان ابراهیم رئیسی در آستان قدس رضوی است که تنها چند هفته پس از آغاز کار دولت سیزدهم، انتقادها درباره عملکرد او در دو محور بازار و صنعت اتومبیل‌سازی آغاز شد و تا کنون ادامه داشته است.

او که اکنون ۴۷ ساله است از سال ۸۷ یعنی در سن ۳۴ سالگی در پست‌های مختلفی به عنوان مشاور وزیر، رئیس ستاد تحول صنایع و معادن، عضو هیئت عامل سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، معاون برنامه‌ریزی و توسعه وزارت صنایع و معادن حضور داشته و پس از آن نیز تا پایان دولت محمود احمدی‌نژاد در این وزارتخانه مشغول به کار بوده است.

پیش از این در اوایل اسفند نیز موج دیگری از افزایش قیمت اتومبیل خیز برداشت و آن زمان نیز شماری از نمایندگان مجلس معتقد بودند باید طرح استیضاح رضا فاطمی امین به صورت جدی پیگیری شود. بار دیگر طرح استیضاح وی در اوایل پاییز در دستور کار قرار گرفت اما لابی پرنفوذ دولت رئیسی در مجلس به بهانه طرحی موازی برای تفکیک وزارت صمت به دو وزارتخانه «صنعت و معدن» و «بازرگانی»، استیضاح فاطمی امین را به حاشیه راند.

همچنین وزیر صمت دولت سیزدهم دو کارت زرد از مجلس شورای اسلامی دریافت کرد. در خرداد ۱۴۰۱ نخستین کارت زرد نمایندگان به کابینه ابراهیم رئیسی نصیب وی شد. علت دریافت این کارت زرد «عملکرد ضعیف وزیر صمت در کنترل قیمت‌ها و عدم پشتیبانی از صاحبان صنایع و معادن» بود.

رضا فاطمی امین اواخر سال ۱۴۰۰ طی سخنانی از واقعی نبودن قیمت اتومبیل گفت و وعده داد قیمت تمامی اتومبیل‌ها در سال آینده یعنی ۱۴۰۱، ۱۵ درصد کاهش یابد؛ اما این اتفاق نه تنها نیفتاد که حتی از آن زمان تا کنون قیمت ماشین‌ها سر به فلک کشیده و خرید حتی اتومبیل دست دوم هم برای بسیاری از خانوارها به آرزوی محال تبدیل شده است.

رضا فاطمی امین همچنین در خردادماه پارسال در گفتگویی اعلام کرده بود که منظور این بوده که قیمت تمام شده تولید اتومبیل در سال جاری ۱۵ درصد کمتر از افزایش نرخ تورم خواهد بود. اما تا پایان سال گذشته نه تنها این وعده تحقق نیافت بلکه افزایش قیمت‌ها همچنان در نخستین هفته‌های سال جدید خورشیدی نیز ادامه دارد.

● ابراهیم رئیسی معروف به «قاضی مرگ» و رئیس دولت سیزدهم که برای دفاع از او به این جلسه مجلس شورای اسلامی رفته و به دفاع از وزیر خود پرداخته بود نتوانست مخالفان را قانع کند و در نهایت طرح استیضاح وزیر به رأی نمایندگان گذاشته و به برکناری وی منجر شد.

● در خرداد ۱۴۰۱ نخستین کارت زرد نمایندگان به کابینه ابراهیم رئیسی نصیب وزیر صنعت و معدن و تجارت شد. علت دریافت این کارت زرد «عملکرد ضعیف وزیر صمت در کنترل قیمت‌ها و عدم پشتیبانی از صاحبان صنایع و معادن» بود.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی با ۱۶۲ رأی موافق، ۱۰۲ رأی مخالف و ۴ رأی ممتنع، ۶ رأی باطله از مجموع ۲۷۴ رأی، با استیضاح فاطمی امین موافقت کرده و وی از وزارت «صمت» (صنعت و معدن و تجارت) برکنار شد.

رسانه‌های داخلی گزارش دادند که در جلسه علنی امروز یکشنبه ۱۰ اردیبهشت مجلس شورای اسلامی تقاضای جمعی از نمایندگان برای استیضاح سید رضا فاطمی‌امین وزیر صنعت، معدن و تجارت در دستور کار قرار گرفت و او در پایان نتوانست رای اعتماد بگیرد و برکنار شد.

ابراهیم رئیسی معروف به «قاضی مرگ» و رئیس دولت سیزدهم که برای دفاع از او به این جلسه مجلس شورای اسلامی رفته و به دفاع از وزیر خود پرداخته بود نتوانست مخالفان را قانع کند و در نهایت طرح استیضاح وزیر به رأی نمایندگان گذاشته و به برکناری وی منجر شد.

علی جدی نایب رئیس کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی در این زمینه به وبسایت تجارت‌نیوز گفته است: «محور سؤالاتی که استیضاح‌کنندگان داشتند در ۱۷ بخش از جمله بازار خودرو، فولاد، سیمان، اسقاط خودرو، تنظیم بازار و... تقسیم می‌شد.»

لطف‌الله سیاهیکی عضو کمیسیون صنایع مجلس شورای اسلامی نیز با بیان اینکه فاطمی امین نه تنها به وعده‌های خود عمل نکرد، بلکه روند معکوسی را در پیش گرفت گفت: «با تصمیم اشتباه وزیر صمت مبنی بر عرضه خودرو در بورس، قیمت این محصول به چندین برابر رسید. به گونه‌ای که قیمت برخی خودروها به دو تا سه برابر افزایش یافت.» سیاهیکی اضافه کرد که امضای نمایندگان برای به مجلس کشاندن فاطمی امین «صرفاً مربوط به بازار خودرو نیست و بازارهای دیگر نظیر لوازم خانگی، کالاهای اساسی، فولاد، معادن، بخش تجارت و بازرگانی و... نیز وضعیت چندان بهتری از خودرو ندارند.»

وزیر صمت در حالی از سمت خود برکنار شده که علیرضا عباسی عضو کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی روز یکشنبه سوم اردیبهشت از منتفی شدن طرح استیضاح وزیر صنعت، معدن و تجارت خبر داده و گفته بود که «با توجه به بیانات رهبری طرح استیضاح منتفی است.»

کمال حسین پور نماینده سردشت در مجلس شورای اسلامی نیز در اظهاراتی مشابه در مورد استیضاح سیدرضا فاطمی امین گفته بود که «واقعیت امر این است مردم از وضعیت کنونی بازار ناراضی هستند که افزایش قیمت‌ها در بخش‌های مختلف عامل آن است. او گفت: با توجه به رهنمود رهبر معظم انقلاب، مسئله استیضاح وزیر صمت منتفی است.»

رضا فاطمی امین وزیر صمت در کابینه سیزدهم، از حلقه

«عملکرد و تصمیم‌های پرحاشیه»، خود را پاسخگوی دانشگاهیان نداند، «باید استعفا خویش را تقدیم ملت ایران» کند.

در چنین شرایطی مقامات دولتی در حالیکه پاسخی برای وضعیت بلبشوی اقتصادی کشور ندارند، با ارائه طرح‌های موهوم و غیرعملی تلاش دارند به افکار عمومی نشان دهند برنامه‌های کلان برای بهبود شرایط دارند و احتمالاً به دنبال افزایش «تاب‌آوری» مردم هستند!

کارشناسان اقتصادی معتقدند مشکلات ساختاری در درون ایران و عدم کارآمدی دستگاه‌های اجرایی و نظارتی بر اقتصاد علت اصلی کاهش ارزش پول ملی و تورم است. در همین رابطه آلبرت بغزبان کارشناس اقتصادی معتقد است بانک مرکزی نتوانسته نقش خود مهار قیمت ارز را به درستی ایفا کند و این ضعف به افزایش قیمت دلار در ایران دامن زده است: «علی‌رغم اینکه بانک مرکزی تلاش کرده تمام تقاضای واقعی را در مرکز مبادله ارزی تعریف کند، اما بخشی از دلاری که خارج از چارچوب رسمی مبادله می‌شود و شاید تنها ۱۰ درصد باشد، مدیریت بازار ارز را در دست گرفته است.»

این کارشناس اقتصادی به موضوع مبهم نحوه تأمین ارز برای واردات اتومبیل اشاره کرده و افزوده: «برای واردات خودرو توسط افراد حقیقی، این ارز باید در بازار آزاد تأمین شود. البته هنوز مشخص نشده تأمین مبالغ این خودروها باید ریالی باشد یا دلاری. علاوه بر این، نیاز ارزی مردم و رشد تقاضا برای دلار، همه و همه روی یکدیگر تلنبار شده و افزایش قیمت دلار را ایجاد کرده است.»

قابل توجه اینکه در آنسوی ادعای دلارزدایی از اقتصاد، به تازگی پدیده دلاریزه شدن در اقتصاد کشور بروز پیدا کرده و دلار به بخشی از تبادلات بازار داخلی ایران از جمله بازار مسکن نیز افزوده شده است. برخی خدمات از جمله خدمات مسافرتی و گردشگری، و همچنین اجاره برخی آپارتمان‌ها با دلار محاسبه و دریافت می‌شود و ریال از بخشی از تبادلات حذف شده است.

مرتضی افقه اقتصاددان و استاد اقتصاد دانشگاه جندی‌شاپور اهواز در رابطه با تبادلات دلاری در بازارهای داخلی با دلاریزه شدن اقتصاد ایران می‌گوید: «وقتی که تورم شدید شود و افسار آن از دست نهادهای دولتی خارج شود، ارزش پول کاهش پیدا می‌کند و عملاً پول‌های با ارزش مانند دلار عملاً جایگزین خواهند شد. مسئول این وضعیت، تورم است و تورم نیز ناشی از سوءتدبیر مدیران و بی تدبیری در عدم حل مشکل تحریم هاست. مجموعه این روند باعث شده است که اقتصاد ما به سمت تورم‌های بسیار شدید حرکت کند.»

مرتضی افقه از احتمال فوران تورم در ماه‌های آینده خبر داده و گفته که «اگر مشکل تحریم حل نشود و جریان تجارت ما در بحث نفت و دیگر کالاها برقرار نشود و امکان مراودات مالی نیز همچنان قطع بماند، وضع سخت‌تر می‌شود. در تیر ماه شاید فوران تومی رخ ندهد، اما فکر می‌کنم از نیمه دوم سال اگر مشکل تحریم حل نشود جهش‌های قیمت را خواهیم داشت.»

این اقتصاددان معتقد است: «الان از دو نقطه اقتصادمان دچار ضربه شده است و هر دو ریشه در سوءتدبیر دارد. البته اگر تحریم هم حل شود تفکر ضدتوسعه حاکم در ساختارهای دولتی و بودجه بگیر موانع اصلی هستند. اگر تحریم هم برداشته شود درست است که مشکلات تا حدی می‌شود، اما اصل مشکل و ناکارآمدی‌های داخلی همچنان وجود دارند و باعث می‌شوند ما همچنان وابسته به نفت و آسیب‌پذیر باشیم.»

حجاب اجباری در ایران؛ ادامه مقاومت مدنی زنان و عقب‌نشینی حکومت از «کنش» به «واکنش»



حضور در عرصه‌های علمی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... موفق بوده و طبق آمار ارائه شده هم از زنان شرقی و هم از زنان غربی پیشرو هستند.»

رسانه‌های حکومتی نیز اتفاق نظر ندارند و بیشتر بازتاب جنگ زرگری در مورد سیاست‌های مبارزه با بی‌حجابی از سوی حکومت هستند.

روزنامه «جوان» در پاسخ به مطلبی منتشرشده در روزنامه «سازندگی» نوشته که این روزنامه در مطلبی حجاب را امری اختیاری دانست و آورده است: «چنانکه عده‌ای از دین‌شناسان و مجتهدان و مفسران گفته‌اند بر این باورم که حجاب در قرآن به زنان مؤمن توصیه شده نه اجبار و اساساً اسلام در هیچ مقوله اعتقادی حتی در اصل دین موافق اجبار نیست. آیه مشهور «لا اکراه فی الدین...» گواه این سخن است.»

روزنامه «جوان» در مخالفت با این مطلب چنین نوشته که «دیندار بودن اجباربردار نیست، اما ضرر زدن به دین‌دگرانی که می‌خواهند دیندار باشند یا خدشه بر فضای عفت و حیای جامعه اسلامی بزنند، طبعاً وظیفه حکومت اسلامی است. اجبار کردن حجاب هم، نه برای دیندار کردن فرد بی‌حجاب، بلکه برای محافظت از آسیب زدن او به دینداری باقی افراد جامعه است، البته او در فضای خصوصی خانواده و دوستان می‌تواند بی‌حجاب باشد، اما فضای عمومی جامعه متفاوت است.»

وبسایت «رجانیوز» نزدیک به «جبهه پایداری» نیز یادداشتی را منتشر کرده که در آن به حامیان دولت ابراهیم رئیسی توصیه شده که می‌بایست «تبدیل به پلیس بد» در جامعه شوند و از «دولت» که سعی می‌کند در بحث حجاب «میانجی باشد» جدا شده و «شلوغ‌کاری» و در واقع هرج و مرج را آغاز کنند.

در این مطلب به نقل از «حاج منصور ارضی» مداح حکومتی در تهران آمده که «از این وضع پوشش در شهر قلب‌مان می‌شکند؛ از مسئولین «خواهش می‌کنیم» که کاری کنند!» «رجانیوز» با انتقاد از اینکه چرا دولت سرکوب را افزایش نمی‌دهد نوشته که دولت «هست و نیست خود را مدیون یک لایه هویتی خاص است» که این لایه «هویت انقلابی» دارد و «دینداران در جامعه» هستند و در ادامه نتیجه گرفته که دولت «حق ندارد میانجی باشد» و «این میانجیگری عین جانبداری است.» «رجانیوز» چنین دولتی، یعنی دولت رئیسی، را «خانن به مردم حقیقی خود» می‌خواند.

بخش دیگری از حکومت به دنبال پیگیری حقوقی با محتوای «امنیتی» علیه زنانی است که پوشش اختیاری دارند. خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در

قضایی و تهدیدات مالی و ممنوعیت‌های اجتماعی، به حجابی که چهل سال بر جامعه تحمیل شده، دیگر تن بدهند. تصاویر و ویدئوهای منتشر شده از شهرهای مختلف نشان می‌دهد که هر روز بر تعداد زنان و دخترانی که با پوشش اختیاری در اماکن عمومی ظاهر می‌شوند در حال افزایش است.

هرچند جمهوری اسلامی به دنبال امنیت‌ی کردن فضای اجتماعی به بهانه حجاب است اما نکته قابل توجه پذیرش زنان با حجاب اختیاری از سوی دیگر شهروندان است. بجز نیروهای نیابتی حکومتی در قالب «بسجی» و «آمر به معروف»، دیگر شهروندان برخورد‌های خیلی عادی با زنانی دارند که با پوشش اختیاری در خیابان و اماکن مختلف حضور پیدا می‌کنند. این نکته مهم نشان از بی‌اثر بودن سیاست‌های ایدئولوژیک جمهوری اسلامی و آزاداندیشی جامعه ایران دارد.

اینهمه در حالیست که مقامات و رسانه‌های حکومتی نظراتی متفاوت نسبت به سیاست سرکوب زنان و تشدید فضای امنیتی جامعه به بهانه حجاب دارند.

پروین صالحی عضو فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی مدعی شده که «اسرائیل پشت مسئله بی‌حجابی است!» وی خواستار «برخورد امنیتی» با زنانی شده که پوشش تحمیلی جمهوری اسلامی را رعایت نمی‌کنند. پروین صالحی گفته که اصل مسئله بی‌حجابی در این شرایط واقعاً یک بهانه است و پشت این مسئله، سرویس‌های جاسوسی و اطلاعاتی اسرائیل کشورهای متخاصم با ایران قرار دارند» و «به نظر من، ما در خصوص حجاب در این هفت ماه، کم‌کاری نکردیم، بلکه ۴۴ سال کم‌کاری داریم که انشاءالله به مرور درست می‌شود.»

غلامرضا نوری قزلقه رئیس فراکسیون مستقلین ولایی مجلس شورای اسلامی اما گفته با سطل ماست و باتوم نمی‌توان حجاب و عفاف واقعی را درست کرد؛ یک عده‌ای می‌گویند ما درست می‌کنیم!

به گفته غلامرضا نوری قزلقه «همی‌شود که هر کسی بدون توجه به شرایط شرعی و عرفی و الزامات، به امر به معروف و نهی از منکر بپردازد؛ یکی با چوبدستی و دیگری با سطل ماست و آن یکی با باتوم. در حالی که هر انسان عاقلی می‌داند با اینها نمی‌توان حجاب و عفاف واقعی را درست کرد، اما ظاهراً یک عده‌ای می‌گویند ما درست می‌کنیم.»

سردار ابوالفضل طهماسبی جانشین فرمانده سپاه پاسداران زنجان نیز با طرح این ادعا که «زنان ایرانی با حجاب و عفاف در خانه‌داری و عرصه‌های علمی از زنان شرقی و غربی جلوتر هستند» گفته که «زنان ایران با وجود داشتن عفاف و حجاب در همه زمینه‌ها از جمله خانه و خانواده، تربیت فرزندان،

● سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی: آمران به معروف و ناهیان از منکر با احترام تذکر لسانی که وظیفه عموم مردم، انجام می‌دهند و همین مقدار کفایت می‌کند و باقی را باید دست ضابطین بگذاریم.

● وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی هم حجاب اجباری را جاذبه گردشگری و هم برخورد با زنان بی‌حجاب را «جاذبه» دانسته در پاسخ به این پرسش که آیا ویدئوهایی که در مورد برخورد با مسئله حجاب منتشر می‌شود بر ورود گردشگر تأثیر خواهد گذاشت گفته است: «هر چیزی می‌تواند برای گردشگر خارجی جاذبه داشته باشد، حتی همین را هم می‌رود عکس می‌گیرد!»

● عضو فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی مدعی شده که «اسرائیل پشت مسئله بی‌حجابی است.» وی خواستار «برخورد امنیتی» با زنانی شده که پوشش تحمیلی جمهوری اسلامی را رعایت نمی‌کنند.

موضوع «حجاب» همچنان یکی از موضوعات مورد بحث در ایران است و مقامات جمهوری اسلامی به دنبال تثبیت شرایط تحمیلی حجاب بر زنان ایرانی هستند ولی موفق نمی‌شوند. در آنسو اما مقاومت مدنی زنان در سراسر کشور سبب شده برخی مقامات حالت تدافعی بگیرند بطوری که کنش مبارزه با «بی‌حجابی» از سوی حکومت به «واکنش» تبدیل شده است. قرار گرفتن جمهوری اسلامی در شرایط «واکنشی» به معنای دستاوردی مهم برای زنانی است که هفته‌هاست برای حضور با پوشش اختیاری در خیابان تلاش می‌کنند و کوتاه نمی‌آیند.

سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی در جمع خبرنگاران و درباره برخورد با «بی‌حجابی» گفته تذکر کلامی «آمران به معروف» کفایت می‌کند و باید آنها بقیه کارها را به ضابطین بسپارند. وزیر کشور دولت سیزدهم گفته که «آمران به معروف و ناهیان از منکر با احترام تذکر لسانی که وظیفه عموم مردم، انجام می‌دهند و همین مقدار کفایت می‌کند و باقی را باید دست ضابطین بگذاریم.»

سردار پاسدار احمد وحیدی همچنین با کنایه به آن دست از سلبریتی‌ها، مقامات و رسانه‌های حکومتی که از شیوه سرکوبگرانه علیه زنان به اسم مبارزه با بی‌حجابی انتقاد کرده‌اند گفته که «تلاش برای ترویج بی‌قانونی و عدم رعایت قانون به هر زبان و هر گفته‌ای مردود است. این حرفها از دیدگاه مسئولان مربوطه دور نخواهد ماند.»

زنان اما همچنان مقاومت مدنی درخشانی از خود نشان داده و حاضر نیستند حتی با سرکوب و برخورد‌های پلیسی و

دهان کجی به نظام با نافرمانی مدنی: تخفیف ۵۰ درصدی به «خوشگلا بدون حجاب» اجباری» در مجتمع «آپال»



مجتمع تجاری «آپال» در شمال غرب تهران «سعادت آباد» واقع است

خوشگلا ما برگشتیم. به مناسبت بازگشایی به تمام عزیزانی که امروز بدون حجاب اجباری به صورت حضوری از فروشگاه خرید کنند ۵۰ درصد تخفیف می‌دهیم.»

این پیام که حکایت از بازگشایی مجدد این مجتمع دارد به شدت مورد انتقاد حامیان حکومت قرار گرفت. کانال تلگرامی منصوب به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آن را «دهن کجی بعد از رفع پلمب» خواند و گروهی از حامیان نظام از غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی خواستار برخورد با فروشندگان آن شدند.

در روزهای اخیر شمار زیادی از واحدهای صنفی و رستوران‌ها به دلیل عدم توجه به اخطار در مورد «کشف حجاب» مشتریان تعطیل شدند. رستوران معروف «تفتاور» مربوط به علی دایی در کامرانیه، رستوران «نامر۶» متعلق به بستگان درجه یک کریم باقری، رستوران «هیچ» مربوط به بهاره رهنما، رستوران «باب البحر» مربوط به علیرضا منصوریان، «کافه لوتک» و رستوران «کساب» محمدرضا گلزار واحدهایی هستند که تعطیل شدند یا اخطار دریافت کردند.

تعدادی از واحدهای صنفی داخل کاخ موزه «سعادت‌آباد» نیز پلمب شدند. چندین داروخانه در تهران از جمله «حنا بقایی»، «دکتر سبحانی»، «دکتر بابک» و «دکتر مصباحی» نیز به دنبال کشف حجاب کارمندان پلمب شده‌اند.

متوقف کردن فعالیت اصناف به بهانه بدحجابی آنهم در شرایط بد اقتصادی کشور عملاً مردم را در مقابل حکومت قرار داده است. از سوی دیگر بخش مهمی از جامعه از جمله بسیاری از مذهبیون و محجبه‌ها نیز «پوشش آزاد» و اختیاری را حق شخصی افراد می‌دانند و از آن به عنوان اهرمی برای نافرمانی مدنی علیه حکومت استفاده می‌کنند.

● کمتر از یک هفته پس از پلمب مجتمع تجاری آپال در «سعادت‌آباد» تهران به دلیل «کشف حجاب» مراجعان گزارش شده این مجتمع با پیگیری کسبه بی‌سر و صدا باز شده است.

● فروشگاه «گرندکیدز» (فروشنده کیف و کفش کودک در مجتمع آپال) در یک استوری نوشت «سلام خوشگلا ما برگشتیم. به مناسبت بازگشایی به تمام عزیزانی که امروز بدون حجاب اجباری به صورت حضوری از فروشگاه خرید کنند ۵۰ درصد تخفیف می‌دهیم.»

● کانال تلگرامی منصوب به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی این آگهی را «دهن کجی بعد از رفع پلمب» خوانده و گروهی از حامیان نظام از غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی خواستار برخورد با فروشندگان آن شدند.

● بخش مهمی از جامعه از جمله بسیاری از مذهبیون و محجبه‌ها نیز «پوشش آزاد» و اختیاری را حق شخصی افراد می‌دانند و از آن به عنوان اهرمی برای نافرمانی مدنی علیه حکومت استفاده می‌کنند.

مجتمع تجاری «آپال» در تهران که با بیش از هزار پرسنل پنجم اردیبهشت به دلیل «کشف حجاب» مراجعان و «همکین نکردن به هشدارها» پلمب شد بی‌سر و صدا باز شد. آنطور که رسانه‌های داخلی ایران گزارش داده‌اند این مجتمع تجاری تا جمعه شب هشتم اردیبهشت همچنان پلمب بود اما برخی منابع غیررسمی گزارش دادند که با پیگیری کسبه بی‌سر و صدا دستور فک پلمب صادر شده است. در این میان فروشگاه «گرندکیدز» (فروشنده کیف و کفش کودک در مجتمع آپال) در یک استوری نوشت «سلام

→ مطلبی مدعی شده که کنار اقدامات سیاسی و امنیتی معمول، یکی از پروژه‌های دشمن در این زمینه، عرفی‌سازی بی‌حجابی از طریق استخدام و اجیر کردن افرادی است که با پوشش‌های عجیب و غریب و تابوشکنانه در خیابان‌ها تردد می‌کنند تا نوع خاصی از پوشش مغایر با هنجارهای جامعه ایرانی عادی‌سازی شود. در ادامه‌ی این ادعا آمده است: «کسب اطلاع خبرنگار تسنیم از برخی مراجع انتظامی و امنیتی حاکی است که اخیراً چندین فرد دستگیر شده‌اند که به گفته خودشان صرفاً مأموریت داشته‌اند با دریافت دستمزد، با نوع پوشش بخصوصی که با هنجارهای ایرانی همخوانی ندارد در خیابان‌ها تردد کنند. یکی از این خانم‌ها که بازداشت شده در اینباره گفته است برای هر ساعت تردد با وضعیت تابوشکنانه در تهران به ما گفته بودند که مبلغ ۳ الی ۵ دلار به ما پرداخت می‌کنند.»

با انتشار این گزارش یک روزنامه‌نگار زن ساکن ایران در توئیتر نوشته است «تسنیم گفته که بدون حجاب راه می‌روند، «ساعتی ۵ دلار» می‌گیرند! کاش آدرس می‌داد کجا باید بریم ثبت‌نام. روزی ۸ ساعت هم راه می‌رفتیم می‌شد روزی ۴۰ دلار، به دلار ۵۴ هزار تومن امروز، میشه روزی ۲ میلیون و ۲۰۰ تومن میدان. پول رو ول کنید، هیکل رو بگو، چی می‌ساختیم با این پیاده‌روی!»

با اینکه ادعای خبرگزاری تسنیم با واکنش گسترده و تمسخر شهروندان روبرو شده اما ادعایی مشابه نیز از سوی کانال تلگرامی «سپاه پاسداران» مطرح شده است که «شخصی در تهران دستگیر شد و اعتراف کرده است ساعتی ۳ دلار برای پیاده روی نیمه‌عریان در خیابان از یک شرکت آمریکایی دریافت کرده است. یکی از دستمزدهای او برای مانور بی‌حجابی طی یک ماه حدود ۵۰ میلیون تومان بود. این فرد به وجود افراد اجاره‌ای برای گردش بدون حجاب با موتور یا ایستادن در ورودی متروها اعتراف کرده است.»

اظهارات درباره مقاومت مدنی جامعه به آنجا رسیده که عزت‌الله ضرغامی وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی هم «حجاب اجباری» را جاذبه دانسته و هم برخورد با زنان بی‌حجاب را! وی در گفتگو با خبرگزاری «ایلنا» در پاسخ به این پرسش که آیا ویدئوهایی که در مورد برخورد با مسئله حجاب منتشر می‌شود بر ورود گردشگر تأثیر خواهد گذاشت گفت: «هر چیزی می‌تواند برای گردشگر خارجی جاذبه داشته باشد، حتی همین راه هم می‌رود عکس می‌گیرد.»

ضرغامی با ادعای اینکه «گردشگران خارجی قانون جمهوری اسلامی را می‌شناسند» گفته که «گردشگران خارجی حتی بعضی جاها با حجاب سرشان به عنوان یک پدیده گردشگری، فرهنگی و اجتماعی برخورد می‌کنند. اگر جلوی مسجدی به آنها چادر دهیم که سر کنند، به این کار علاقمند هستند، آن چادر را می‌گیرند سر می‌کنند و یک عکس دستجمعی می‌گیرند.»

در سطح جامعه نیز تلاش‌ها برای محدود ساختن و سرکوب زنان توسط نهادهای مختلف حکومت ادامه دارد. در روزهای گذشته تصاویری از محصور کردن شیشه‌های میان واگن‌های مخصوص بانوان و مردان در مترو تهران منتشر شده است.

علیرضا زاکانی شهردار تهران در پی واکنش‌ها به این اقدام نه تنها گفته هدف شهرداری «صیانت از حریم بانوان» بوده است بلکه مدعی شده کشورهای دیگر نیز از این کار الگو می‌گیرند: «۱۲۹ رام قطار ۷ واگن مرتبط به یکدیگر دارند و خارج از کشور نیز اکنون در حال الگو گرفتن از تهران برای جداسازی هستند!»

شهردار تهران همچنین در توجیه پرده‌کشی بین واگن‌ها گفته «این جداسازی‌ها پرده نیست بلکه قابی است که روی آن نقش و نگار به کار رفته است!» وی افزود است «در حوزه حجاب ۶ ماه است کار کرده‌ایم و این امری اعمالی است و باید گام به گام خدمت ارائه دهیم و در بیش از ۷۰ ایستگاه مترو خدمات ایجابی را ارائه دادیم.»

تداوم تباهی در ایران: زندگی در ترمینال، حیاط بیمارستان و پارک به دلیل ناتوانی در پرداخت اجاره خانه



آمارهای تغییرات اجاره مسکن که از سوی بانک مرکزی منتشر می‌شود، نشان می‌دهد اگرچه در سال ۱۴۰۰ رشد اجاره‌بهای مسکن بطور میانگین حدود ۴۷ درصد بوده؛ اما بطور خاص در بهمن‌ماه این سال عدد تورم به بیش از ۵۰ درصد هم رسیده و موفق شده رکورد ۳۲ ساله تورم اجاره‌بها در مناطق شهری کشور را بشکند.

موج جدید افزایش اجاره‌بهای مسکن پس از تعطیلات نوروز و با آغاز فصل جابجایی مستأجران در بازار مسکن ایران ایجاد شده و گزارش‌ها نشان از قیمت‌های نجومی حتی برای اتاق‌ها در خانه‌های مشترک و سوئیت‌ها دارد.

وبسایت «تجارت نیوز» در گزارشی میدانی به ارقام اجاره‌بها پس از تعطیلات نوروز پرداخته و نوشته که «۴۰ میلیون تومان ودیعه و سه میلیون تومان اجاره ماهانه مبلغی است که برای یک سوئیت ۱۸ متری با عمر بیشتر از ۳۲ سال در منطقه شمیران نو تعیین شده است.»

بر اساس این گزارش در آگهی این ملک آمده است که واحد مذکور می‌تواند مناسب زوج هم باشد! صاحبخانه نیز این آگهی را تأیید کرده و گفته است: «شما روی ۱۰ متر حساب کن، بقیه فضا سرویس بهداشتی و آشپزخانه است! به این ترتیب هر فرد در نهایت پنج متر فضا برای زندگی خواهد داشت؛ فضایی با طول و عرض دو نیم متر!»

در حال حاضر برای اجاره واحدی کوچک در مناطق جنوبی تهران مثل منیریه، سنگلج و خزانه باید در کمترین حالت، ودیعه ۸۰ میلیون تا صد میلیون تومانی و اجاره ماهانه چهار تا پنج میلیون تومانی پرداخت کرد. گزارش دیگری از سوی «تجارت نیوز» که امروز دوشنبه ۲۸ فروردین ۱۴۰۲ منتشر شده نیز نشان می‌دهد که یک واحد ۸۵ متری در مهرشهر کرج با ودیعه ۲۵۰ میلیون تومان و اجاره ماهانه ۵ میلیون تومان اعلام شده یا واحد ۷۰ متری دیگری در ورامین با ودیعه ۲۰۰ میلیون تومان و اجاره ماهانه ۶ میلیون تومان اعلام شده است یا ودیعه واحد ۸۰ متری دیگری در اندیشه ۱۰۰ میلیون تومان با اجاره ماهانه ۸ میلیون تومان عنوان شده و در سایر شهرهای اطراف تهران از پاکدشت و پرند و اسلامشهر در جنوب تهران تا پردیس و رودهن و دماوند در شمال شرقی تهران هم بهای اجاره مسکن روندی صعودی را نشان می‌دهند.

نکته قابل توجه نجومی شدن ارقام اجاره‌بها در مناطق حاشیه شهرها است. در حاشیه پایتخت در محله خاک سفید که یکی از محلات بافت فرسوده و ناکارآمد تهران است، اجاره یک واحد ۴۵ متری ۲۲ سال ساخت صد میلیون ←

مسافرخانه به ازای دستمزد کار مادر و خواهرها، یک اتاق برای زندگی به آنها داد و برای آوردن هر مسافر، درصدی هم به سعید می‌داد.

سعید می‌گوید بعد از یک سال کار کردن تمام اعضای خانواده، پس‌انداز آنها حالا به ۲۰ میلیون تومان هم نمی‌رسد. اواخر پارسال با تغییر مدیریت مسافرخانه، این خانواده مجبور به تخلیه اتاق شدند ولی با مبلغ اندکی که توانستند پس‌انداز کنند، هیچ خانه‌ای را نتوانستند اجاره کنند. همین هم شد که سعید، مادر و خواهرش تصمیم گرفتند بار دیگر به شهر خود برگردند تا شاید بتوانند کاری پیدا کنند و خانه‌ای برای خانواده‌شان اجاره کنند، اما باز هم به نتیجه‌ای نرسیدند و در آخر مجبور به چادرزدن در یکی از پارک‌های اطراف تهران شدند.

خانواده سعید تنها خانواده‌ای نیست که در این گزارش حکایت بی‌خامان شدن آنها روایت شده است. قصه زندگی خانواده آقای «م» هم مشابه است. خانواده‌ای که در جنوب تهران، با بیعانه ۵۰ میلیون تومان، سال‌ها در یک اتاق ۱۲ متری قدیمی مستاجر بودند اما امسال صاحبخانه به دلیل تخریب خانه، حکم تخلیه‌شان را گرفت و چون هیچ پس‌انداز بیشتری برای رهن خانه نداشتند، به ناچار در ماشین زندگی می‌کنند.

این روایت‌ها در حالی مطرح شده که پیشتر نیز گزارش‌هایی از گورخوابی، کانال‌خوابی و اتوبوس‌خوابی در کنار کارتن‌خوابی منتشر شده بود اما آن افراد بی‌شغل و درآمد بودند اما موج جدید بی‌خامان‌ها که در گزارش «هم‌میهن» به آن اشاره شده شامل افرادی دارای شغل است که تا مدتی پیش دارای خانه و سرپناهی اجاره‌ای بودند اما حالا دیگر توان پرداخت اجاره‌های جدید را ندارند. داده‌های آماری نشان می‌دهد در دو سال نخست دولت سیزدهم تورم اجاره‌بها رکورد شکسته و حتی از سطح تورم عمومی در کشور نیز پیشی گرفته است.

گزارش روزنامه «شرق» از وضعیت تورم بازار مسکن نشان می‌دهد که در پاییز ۱۴۰۰ تورم نقطه‌ای اجاره‌بها به ۶/۵۳ درصد رسیده بود؛ به عبارت بهتر خانوارهای مناطق شهری در این مقطع ۶/۵۳ درصد بیشتر در مقایسه با پاییز ۱۳۹۹ بابت اجاره هزینه کرده بودند. در سال بعد، یعنی پاییز ۱۴۰۱ هم تورم نقطه‌ای اجاره در نقاط شهری برابر با ۴۶ درصد و تورم فصلی معادل با ۸/۱۶ درصد به ثبت رسیده است.

اما جالب‌تر از آن آمارهای مربوط به زمستان ۱۴۰۱ است؛

● خانم «ف» و دو دختر ۱۳ و ۱۸ ساله‌اش، شب‌ها روی صندلی‌های سالن انتظار ترمینال آزادی تهران می‌خوابند، چون خانه ندارند.

● آقای «ر» و خانواده‌اش شب‌ها در چادری در حیاط یکی از بیمارستان‌های همدان زندگی می‌کنند، چون خانه ندارند.

● تمام تلاش‌های شبانه‌روزی یک خانواده در پایتخت حتی به اندازه اجاره یک اتاق ۱۲ متری هم نشده و اکنون به ناچار هر روز، بیشتر کار کردن و خوابیدن در ترمینال را پذیرفته‌اند.

روزنامه «هم‌میهن» چاپ تهران در گزارشی از افزایش زندگی خانواده‌ها در ترمینال‌های مسافری، حیاط بیمارستان‌ها، چادر و پارک‌ها خبر داده است. این خانواده‌ها در پی گرانی اجاره‌بها و به دلیل عدم توانایی پرداخت هزینه‌های نجومی ناچار به خواب و زندگی در اماکن عمومی می‌شوند.

در گزارش میدانی روزنامه «هم‌میهن» به زندگی بخشی از خانوارهایی در اماکن عمومی پرداخته شده که هیچ‌گاه بی‌خامان نبوده‌اند و حتی این روزها هم شاغل هستند؛ آنها صاحب خانواده هستند و هر روز برای معاش خود تلاش می‌کنند، اما باز هم زور آنها به اجاره‌های سر به فلک کشیده این شهر نمی‌رسد. خانم «ف» و دو دختر ۱۳ و ۱۸ ساله‌اش، شب‌ها روی صندلی‌های سالن انتظار ترمینال آزادی تهران می‌خوابند، چون خانه ندارند، «سعید، مادر و سه خواهرش شب‌ها در چادری اطراف یک پارک در تهران می‌خوابند، چون خانه ندارند»، آقای «م» و همسرش شب‌ها در ماشین می‌خوابند، چون خانه ندارند، «آقای «ر» و خانواده‌اش شب‌ها در چادری در حیاط یکی از بیمارستان‌های همدان زندگی می‌کنند، چون خانه ندارند». این افراد دارای شغل و تا چندی پیش دارای خانه و کاشانه بوده‌اند.

در این گزارش از خانواده‌ای روایت شده که آنها برای ساخت یک زندگی جدید و درآمد بیشتر به تهران آمده بودند اما تمام تلاش‌های شبانه‌روزی آنها در پایتخت حتی به اندازه اجاره یک اتاق ۱۲ متری هم نشده و اکنون به ناچار هر روز، بیشتر کار کردن و خوابیدن در همین ترمینال را پذیرفته‌اند. خانواده‌های زیادی در ترمینال «آزادی» زندگی می‌کنند؛ مثل سعید که اواخر دو سال پیش، همراه مادر و سه خواهرش به دلیل نبود امکانات زندگی و بیکاری، از خراسان شمالی به تهران آمد. او همان زمان در یکی از مسافرخانه‌های میدان راه‌آهن مشغول به کار شد و مدیر

ادامه حملات فیزیکی به آخوندها؛ زیر گرفتن مجدد دو معمم اینبار در قم



مراسم تشییع جنازه عباسعلی سلیمانی عضو مجلس خبرگان که در بابلسر به قتل رسید

بانک و بازنشسته نیروی انتظامی بود. وی خونسرد گلنگدن کشید و به سلیمانی شلیک کرد.

حضور کم شهروندان در تشییع جنازه سلیمانی در شبکه‌های اجتماعی بازتاب گسترده یافت. محسن برهانی حقوقدان ساکن ایران در توییتی می‌نویسد «قتل یک روحانی در بانک، معیار مناسبی است برای ارزیابی اینکه جان انسان‌ها برای ما ارزشمند است یا خیر؟ و از ریختن خون بی‌گناه متأثر می‌شویم یا خیر؟ سلب حیات، محکوم است چه در بانک، چه در خیابان، چه در اعتراضات و چه در احکام پوپولیستی. کلاه خود را قاضی کنیم و ببینیم با خود چند چندیم.»

سرهنگ امیر مختاری از فرماندهان نیروی انتظامی قم در مورد حادثه امروز توضیح داده «صبح امروز در پی وقوع یک فقره تصادف منجر به جرح بین یک دستگاه خودروی تپیا و دو نفر عابر پیاده راننده خودروی تپیا که اهل قم نیز است بعد از تصادف و پیش از خارج شدن از خودرو، اقدام به خودزنی کرده و سپس با چاقو به یکی از مصدومان حادثه که معمم بود حمله‌ور می‌شود.»

موارد اقدام فیزیکی علیه آخوندها زیاد شده است. در شهر قم که پایتخت معنوی شیعیان است اوایل شهریور ۱۴۰۱ به دو معمم با لوله آهنی حمله شد. آنها روایت کردند نیروی انتظامی نسبت به دستگیری ضاربان تعلل کرد. دوشنبه ۲۴ بهمن‌ماه نیز به یک آخوند در خیابان دماوند تهران با چاقو حمله شد.

در حالی که امروز که در محله صفاییه قم به دو آخوند حمله شد، چند کیلومتر دورتر مراسم تدفین آیت‌الله سلیمانی برگزار شد. آخوندها و بسیجی‌ها شعار می‌دادند «عزا عزاست امروز روز عزاست امروز، خامنه‌ای رهبر صاحب عزاست امروز!»

از جامعه دیگر از داشتن مسکن مایوس شده‌اند و دیگر به آن فکر نمی‌کنند. اگر گاهی اجاره‌نشینی و مهاجرت به اطراف شهرهای بزرگ را انتخاب می‌کردند، دیگر آن گزینه را هم از دست داده‌اند و معلوم نیست بعد از این، چه باید بکنند. من پیش‌بینی می‌کنم با این وضعیت اقتصاد ناکارآمد، همچنان ما بحث افزایش قیمت مسکن و اجاره آن را خواهیم داشت.»

● در سومین حمله به آخوندها طی کمتر از سه روز دو آخوند دیگر در قم توسط یک ماشین زیر گرفته شدند.

● گزارش شد دو معمم در ایستگاه اتوبوس خیابان «شهدا» قم ایستاده بودند که زیر گرفته شدند. راننده سپس از ماشین پیاده شده و یکی از آخوندها را با چاقو از ناحیه گردن و پهلو مصدوم کرده است.

● در همین روز مراسم تدفین آیت‌الله سلیمانی عضو مجلس خبرگان برگزار شد. آخوندها و بسیجی‌ها شعار می‌دادند «عزا عزاست امروز روز عزاست امروز، خامنه‌ای رهبر صاحب عزاست امروز!» سلیمانی ۴۸ ساعت قبل در بابلسر توسط یک شهروند بازنشسته‌ی نیروی انتظامی به قتل رسید.

پس از قتل یک عضو معمم مجلس خبرگان در بابلسر و زیر گرفتن یک آخوند در غرب تهران، بامداد شنبه ۹ اردیبهشت نیز به دو آخوند در قم حمله شد.

کانال تلگرامی در همین ارتباط «سپاه قدس» نوشت «حوالی نماز صبح امروز خودرویی به دو طلبه در ایستگاه اتوبوس خیابان شهدا قم حمله و پس از زیرگرفتن و مصدومیت آنها، پیاده شده و یکی از طلاب را مورد ضربات شدید چاقو از ناحیه گردن و پهلو قرار می‌دهد.»

طبق این گزارش «ضارب سپس برای حمله به مأموران نیروی انتظامی اقدام می‌کند و قصد خلع سلاح و تصاحب اسلحه مأموران انتظامی را داشته که با شجاعت مأموران دستگیر می‌شود.»

حمله تازه به دو آخوند در قم در شرایطی است که حکومت در تدارک برگزاری مراسم تدفین آیت‌الله عباسعلی سلیمانی است که در بانک ملی بابلسر به قتل رسید. ضارب وی نگهبان

این کارشناس بازار مسکن به «هم‌میهن» گفته که «من هیچ‌وقت بر تولید مسکن دولت، حساب نمی‌کنم و فکر می‌کنم دستاورد مثبتی در این بخش نداشته است و هنوز هم ندارد. بخش خصوصی، خود باید سرمایه‌گذاری و تولید کند و متناسب با نیاز مردم و جامعه آن را عرضه کند. مطمئن باشید اگر اوضاع همینطور پیش برود، بازار مسکن خیلی بدتر از آنچه امروز هست، خواهد شد. بخش‌هایی

تومان ودیعه و ماهی چهار میلیون تومان اجاره لازم دارد و یک سوئیت ۳۰ متری در این منطقه نیز با ۶۰ میلیون تومان ودیعه و چهار میلیون تومان اجاره ماهانه معامله می‌شود.

بر اساس گزارش «فرارو» سوئیت ۴۰ متری در محدوده یافت‌آباد تهران در ازای ۵۰ میلیون پول پیش و ماهی چهار میلیون، اجاره داده می‌شود. واحد طبقه همکف قرار دارد و می‌توانیم نداشتن آسانسور را نادیده بگیریم، اما نداشتن پارکینگ و انباری جزو ایرادهای آن به حساب می‌آید. عمر بنای واحد به سال ۸۳ برمی‌گردد و مالک، واحد را هم به مجرد و هم متاهل‌ها اجاره می‌دهد. در محدوده شادآباد واقع در منطقه ۱۸ تهران که براساس آمارهای رسمی ارزان‌ترین نقطه بازار مسکن تهران است، رقم ودیعه سوئیت ۴۵ متری را ۵۰ میلیون تومان اعلام کردند و مستاجر باید هر ماه سه میلیون تومان هم به حساب صاحبخانه واریز کند.

وبسایت «اقتصاد۲۴» نیز در گزارشی از اجاره‌های میلیونی برای اتاق‌های شش متری در تهران خبر داده و نوشته که اتاق ۶ متری در محله گرگان تهران ۷۰ میلیون رهن و ماهی ۲ میلیون تومان اجاره؛ اتاق ۱۰ متری در محله پامنار تهران ۳۰ میلیون ودیعه و ۳ میلیون تومان اجاره؛ اتاق ۱۰ متری در خیابان انقلاب تهران ماهانه ۴ میلیون تومان اجاره؛ اتاق ۱۰ متری محله امامزاده حسن ۲۰ میلیون تومان ودیعه و ۲ میلیون تومان اجاره ماهانه؛ و اتاق ۱۰ متری در خیابان پیروزی تهران ۱۰ میلیون تومان ودیعه و یک میلیون تومان اجاره قیمت دارد. اجاره‌های نجومی در حالیست که رقم حداقل دستمزد که مبنای حقوق کارگران، بازنشستگان، مستمری‌بگیران و بخشی از کارکنان بخش خصوصی است در صورتیکه فرد شاغل همه مزایای شغلی را دریافت کند حتی به ۹ میلیون تومان در ماه هم نخواهد رسید. اینهمه نشان می‌دهد مستأجرانی که در سالهای گذشته در پی افزایش اجاره‌بهای مسکن ناچار به مهاجرت از درون شهرها به مناطق حاشیه‌ای می‌شدند حالا دیگر برای پرداخت اجاره اتاق و سوئیت در مناطق حاشیه‌ای هم با مشکلات جدی روبرو هستند؛ یکی از عوارض این مشکلات پدیده زندگی در ترمینال‌ها و پارک‌ها است.

عطاءالله آیت‌اللهی کارشناس بازار مسکن و عضو جامعه مهندسان مشاور ایران، بر این باور است که دیگر گرانی منزل مختص پایتخت نیست و با سیاست‌های غلط اقتصادی، تمام کشور را فرا گرفته است: «حتی فکر کردن به خانواده‌هایی که اینچنین از گرانی مسکن آسیب دیده‌اند، خاطر انسان را مکدر می‌کند. این مسئله هم بعد اقتصادی، هم بعد جامعه‌شناسی دارد. بعد اقتصادی آن متأثر از تحولات اقتصادی، تغییرهای شاخص اقتصادی و نرخ تورم است. بازار مسکن یکی از آن بخش‌های جذابی است که هم به‌موقع جذب سرمایه می‌کند، هم به‌موقع سرمایه‌گذار با رصد شرایط اقتصادی راجع به روند تند یا کند کار خود تصمیم می‌گیرد. بنابراین این مسئله مربوط به اقتصاد کل می‌شود و نیاز به یک چاره علمی و تخصصی دارد. نباید اظهار نظرهای احساسی و غیرکارشناسی در این مهم داشته باشیم.» مقامات دولتی اما تحلیل اقتصاددانان را قبول ندارند و می‌گویند که دلالت و سوداگران سبب افزایش قیمت‌ها در بازار شده و با اقدامات «نظارتی» به دنبال مهار قیمت‌ها در بازارهای مختلف از جمله بازار مسکن هستند. در عطاءالله آیت‌اللهی در این رابطه می‌گوید: «به نظر من نظارت بر قیمت در بازار مسکن، غیرممکن است. قیمت مسکن تابع قیمت بازار است، تابع تورم در جامعه است، تابع قیمت تمام‌شده است و مجموع عوامل دیگر.»

فشارهای ضد انسانی و غیرقانونی علیه خانواده بختیاری؛ صبا بختیاری: تا انقلاب ملی پیروز نشود، امیدی به آزادی منوچهر و ناهید نداریم



منوچهر بختیاری و ناهید شیرپیشه بر مزار پسرشان پویا

خواهر منوچهر، به تازگی از ایران خارج شده تا هم صدای خانواده‌اش باشد که همه آنها زیر فشارهای سنگین امنیتی و قضایی قرار دارند و هم به کمپین دادخواهی که توسط برادرش بنیانگذاری شده یاری برساند.

صبا بختیاری در گفتگو با کیهان لندن درباره آخرین وضعیت برادرش می‌گوید: «همانطور که می‌دانید برادرم تقریباً دو سال پیش در اردیبهشت‌ماه برای چندمین بار دستگیر شد و از آن زمان تا الان بدون یک روز مرخصی در زندان است. اوایل پنج شش ماه در بند اطلاعات بود که ما نمی‌دانیم در کدام زندان نگهداری می‌شد. پنج شش ماه دیگر در زندان مرکزی کرج بود و از تابستان سال گذشته به زندان «چوبیندر» قزوین تبعید شده و از آن زمان تا الان در سلول انفرادی و ممنوع‌الملاقات است. از آن سال گذشته (۱۴۰۱) تا یک ماه قبل از نوروز ممنوعیت تماس هم داشت. از اسفند روزی دو دقیقه به او اجازه تماس دادند اما به دلیل پیام نوروزی که فرستاد، اجازه تماس را دوباره قطع کردند. به تازگی هم برادرم برای گرفتن اجازه تماس اعتصاب غذا کرد و برای بیماری‌هایی که در زندان به آنها مبتلا شده، حالت اعتصاب غذا وخیم شد و به او اجازه روزی دو تا سه دقیقه تماس تلفنی دادند.»

صبا بختیاری در ادامه می‌گوید: «روده‌اش به خاطر اعتصاب‌هایی که در این چند سال انجام داده سوراخ شده. مشکل فتق پیدا کرده و یکی از دستانش برای مدتی مقطع لمس شده بود. یکبار در سال گذشته دکترها نامه نوشتند که ایشان باید هر چه سریع‌تر به بیمارستان منتقل و تحت عمل جراحی قرار بگیرد اما متأسفانه حکومت به این درخواست پزشکان اهمیت نداده و حتی با وثیقه شش میلیارد تومانی که برای مرخصی درمانی او تعیین کردند و ما حاضر شدیم این وثیقه را بگذاریم، باز هم ممانعت کردند. تابستان سال گذشته یکبار وقتی برادرم از داخل زندان توسط ←

برای دادخواهی پایداری کردند. ایستادگی برای دادخواهی از سوی خانواده‌های آبان، به تکثیر شجاعتی تبدیل شد که پس از آن، از جمله در جنبش انقلابی ماه‌های گذشته، خانواده جانباختگان سکوت نکردند و بیشتر آنها بدون توجه به تهدیدات امنیتی، صدای خود را برای دادخواهی بلند کرده‌اند. خانواده پویا بختیاری، جوان ۲۷ ساله‌ای که در اعتراضات آبان ۹۸ با شلیک مستقیم مأموران حکومتی به سرش جان باخت، از جمله خانواده‌های دادخواه هستند که هزینه‌های زیادی را به «جرم» دادخواهی پرداخت کردند. منوچهر بختیاری و ناهید شیرپیشه، پدر و مادر پویا، مدت‌هاست در زندان و در بدترین شکل ممکن در انفرادی محبوس هستند. تمام کسب و کارهای عمه و عموهای پویا متأثر از ایستادگی خانواده برای دادخواهی و با سناریوهای نهادی امنیتی به تعطیلی کشیده شده و به این ترتیب منابع درآمد چند خانواده در فامیل بختیاری قطع شده است.

عموهای پویا با پرونده قضایی روبرو هستند و یکی از عموهای وی، مهرداد، به پنج سال زندان محکوم شده است. ناهید شیرپیشه و منوچهر بختیاری از نخستین ساعات پس از جان باختن فرزند بطور علنی از دادخواهی خون فرزند گفتند و فشارها نیز از همان روزها شروع شد و در یک مقطع حدود ۱۲ عضو خانواده با هم بازداشت شدند.

در ادامه فعالیت‌های پدر و مادر پویا برای دادخواهی، منوچهر بختیاری اقدام به ثبت «کمپین دادخواهی» کرد و تلاش نمود همه خانواده‌های دادخواه را که پس از پیروزی انقلاب ۵۷ تا کنون عزیزانشان در قتل‌های سازمانیافته حکومتی و یا اعدام جان باخته‌اند در این کمپین همبسته و همصدا شوند.

● با وجود صدور حکم آزادی منوچهر بختیاری از سوی دیوان عالی کشور، و همچنین مشمول عفو شدن او در زمستان گذشته، دادستان کرج و وزارت اطلاعات از آزادی او جلوگیری کرده‌اند.

● ناهید شیرپیشه دچار فوبیای فضای بسته است و حدود ۹ ماه است در سلول انفرادی نگهداری می‌شود؛ او حتی دیگر درخواست آزادی هم ندارد و فقط می‌خواهد به بند عمومی منتقل شود.

● نهادهای امنیتی تمام منابع درآمدی خانواده بختیاری را با پلمب دفاتر معاملات ملکی، آتش زدن کارگاه و... مسدود کرده‌اند.

● صبا بختیاری: اینکه کسانی در این اواخر در خارج از ایران ادعای دادخواهی دارند و با اینکه منوچهر بختیاری بنیانگذارش بود و حالا در زندان است ولی صدای خود را قطع کرده و نمی‌شنوند، شرافتمندانه نیست.

صبا بختیاری خواهر منوچهر بختیاری که به تازگی از ایران خارج شده است در گفتگو با کیهان لندن از آخرین وضعیت دو عضو زندانی خانواده، ناهید و منوچهر، مادر و پدر پویا بختیاری می‌گوید. او روایت تک‌اندیشه‌ای از فشارهای امنیتی و قضایی مستقیم و غیرمستقیم بر کل اعضای خانواده که حتی سبب قطع تمام منابع درآمدی این خانواده شده را با کیهان لندن در میان گذاشته و همچنین از تلاش افرادی در خارج کشور برای تصاحب «کمپین دادخواهی» که توسط منوچهر بختیاری ثبت و فعال شد انتقاد می‌کند. قتل‌های سازمانیافته و حکومتی بلافاصله پس از پیروزی انقلاب ۵۷ و با کشتار مقامات ارتشی و اجرایی، سیاستمداران، مدیران و کارآفرینان ایران که سرمایه‌های انسانی کشور بودند توسط انقلابیون آغاز شد و در سال‌های بعد با اعدام قلّه‌ای فعالان سیاسی منتقد و مخالف جمهوری اسلامی تداوم یافت. طی سال‌های گذشته اما کشتار علنی شهروندانی که در اعتراضات خیابانی شرکت داشته‌اند، اعم از کودک و نوجوان و زن و مرد، مستندات تک‌اندیشه‌ی دیگری از جنایات جمهوری اسلامی را در تاریخ ثبت کرده است.

در آنسو اما خانواده‌های کشته‌شدگان از لحظه شنیدن خبر جان باختن عزیزانشان زیر شدیدترین فشارهای امنیتی و قضایی قرار می‌گیرند تا درباره قتل عزیز خود اطلاع‌رسانی نکنند و حتی مراسم یادبود نگیرند. حضور بر مزار بسیاری از جانباختگان برای خانواده‌های داغدار با مشکلات زیادی همراه است و آنها همواره زیر ذره‌بین تیم‌های امنیتی و سرکوبگر قرار دارند.

در مقاطع مختلف اما خانواده‌هایی بوده‌اند که تسلیم فشارهای امنیتی و قضایی نشدند و به دادخواهی از خون عزیزان خود برخاستند. خانواده‌های مقامات و کارآفرینان اعدام شده به دست انقلابیون ۵۷، خانواده‌های کشته‌شدگان دهه شصت، و در سال‌های اخیر خانواده‌های دادخواه آبان ۹۸. پس از آن، از جمله طی جنبش انقلابی ۱۴۰۱ همواره با زندان و اعدام و کشتار خیابانی بر شمار خانواده‌های دادخواه افزوده شده است.

خانواده‌های جانباختگان آبان ۹۸ بارها احضار، بازداشت و زندانی شده‌اند. مادران آبان در چهار سال گذشته با شجاعت

است که برای منوچهر حکم زندان صادر کرد و قاضی پرونده محمدمهدی کرمی و محمد (کیان) حسینی است که برای این دو جوان بازداشت شده در اعتراضات سال گذشته حکم اعدام داد. قاضی وکیل را نپذیرفت و فقط به وکیل نامه‌ای دادند که وثیقه‌های گذاشته شده برای مهرداد یعنی خانه و اتومبیل، ضبط شده است! اما این اقدام قانونی نیست چون مهرداد حی و حاضر است و اگر حکم تعلیق زندان را بردارند، مهرداد مجبور است که خودش را به زندان معرفی کند. آنها حتی می‌توانستند حکم جلب مهرداد را صادر و او را بازداشت کنند. در هر صورت بر اساس قوانین خودشان وقتی زندانی حضور دارد و متواری نشده، نباید وثیقه را ضبط کنند. نکته دیگر اینکه الان در حال حاضر قیمت خانه و اتومبیل مجموعاً شش میلیارد تومان است و وثیقه مهرداد دو میلیارد تومان بوده است!»

صبا بختیاری درباره ایستادگی خانواده و فشارهایی بی‌سابقه به چندین خانواده از عمو و عمه‌های پویا تا پدر و مادرش، می‌گوید: «خانواده بختیاری هرگز کوتاه نیامد ولی در این خیزش اخیر اگر دقت کرده باشید صدای خانواده بختیاری شنیده نشد! ما فعالیت‌هایمان را داشتیم و در اعتراضات و کنار مردم بودیم. تمام اینها چیزهایی است که جمهوری اسلامی می‌بیند. گرچه رسانه‌ها آنطور که باید نپرداختند و البته ما هم حق می‌دادیم چون اتفاقات ناگواری افتاده بود که مثل آبان ملت را درگیر کرده بود اما این فشارها و تهدیدها و شکنجه‌هایی که علیه خانواده بختیاری وارد می‌شود برای اینست که ما هرگز سکوت نکردیم و کوتاه نیامدیم و وقتی منوچهر بختیاری دستگیر شد ما نمی‌توانستیم بگذاریم مانند باقی زندانیان فراموش شود. اگر منوچهر فراموش نشد چون خانواده‌اش صدایش شدند. بسیاری از زندانیان سال‌هاست در زندان هستند و فراموش شده‌اند. ما از تهدید اینها نترسیدیم، ما به تهدید با بازداشت و زندان و شکنجه و... اهمیت ندادیم؛ اینها هم می‌توانند همه خانواده بختیاری را زندانی کنند چون جمهوری اسلامی هر چقدر هم قلدری کند، باز هم باید به جوامع بین‌المللی پاسخگو باشد. در نتیجه از این راه وارد شدند که تمام درآمد خانواده را قطع کردند. حقوق شهروندی را از ما گرفتند. دفاتر کار و مغازه‌های ما را بستند و کارگاه یکی از برادرهایم را آتش زدند. حتی از دو سال پیش اینترنت گوشی و خانه همه اعضای خانواده را قطع کردند و حتی اگر ما سیم کارت جدید می‌گرفتیم باز هم اینترنتش را قطع می‌کردند. اینها می‌خواستند اینقدر به ما فشار بیاورند که سکوت کنیم و هر بار که هر یک از اعضای خانواده کاری انجام داد، آن را جرم قلمداد کردند.»

صبا بختیاری ادامه می‌دهد: «بازجویی پرونده تماس می‌گرفتند می‌گفتند هر کاری هر کدام از شما انجام دهید به اسم کل خانواده بختیاری تلقی می‌شود. معمولاً همه خانواده‌های دادخواهان را این قبیل تهدیدها می‌کنند و دادخواهان حق دارند که در حالی که یک فرزند را از دست دادند، بخواهند بقیه فرزندان را از گزند جمهوری اسلامی دور نگه دارند. اما ما را تهدید کردند و ما اعتنا نکردیم. بارها گفتند داغ‌تان دو تا می‌شود و ما گفتیم داغ‌مان ده تا هم بشود ما باز ایستاده‌ایم. ما ایستادیم و جمهوری اسلامی هم هر کاری توانست کرد تا زندگی کردن را بر ما حرام کند و این را بگویم که تا انقلاب ملی در ایران پیروز نشود، ما از آزادی برادرم و ناهید شیرپیشه، و آرامش خودمان قطع امید کرده‌ایم. همان روزهای اول بعد از جان باختن پویا که اعضای خانواده به صورت گروهی دستگیر شدند، یکی از قاضی‌های دادگاه به ما گفت که شما تا بچه‌هایتان، نوه‌هایتان، هیچکدام‌تان دیگر در جمهوری اسلامی

توجه دوندگی‌هایی که خانواده اینطرف و آنطرف کردند در نهایت گفتند هشت روز کم دارد! حتی ما درخواست مرخصی با پابند الکترونیک دادیم اما باز هم پذیرفته نشد. الان شرایط اینگونه است که ناهید شیرپیشه از آزادی کاملاً قطع امید کرده و فقط خواسته‌اش این است که به بند عمومی انتقال پیدا کند اما با این هم موافقت نشده. مادر پویا از یازده ماه پیش که دستگیر شده هیچ تماسی با بیرون از زندان و خارج از سلول انفرادی نداشته و فقط دو بار مونا دخترش توانسته ایشان را در زندان زنجان ملاقات کند. ناهید از محیط بسته می‌ترسد. این مشکل همیشه بوده اما بعد از جان باختن پویا این مشکل بسیار حادتر شد و افسردگی شدید گرفت و البته خشمی که به خاطر کشته شدن فرزندش داشت و مبارزه‌ای که می‌کرد، التیامی بود بر دردهایش. ناهید وقتی که بیرون از خانه بود ما هر کدام به نوبه خودمان او را همراهی می‌کردیم. حتی ماندن در خانه به تنهایی برایش بعد از پویا خیلی سخت بود. حالا ماه‌ها در سلول انفرادی و تنهاست! او حال روحی نامناسبی دارد و در همین چند ماه هم ناهید سال‌ها پیر شده و متأسفانه رژیم اصلاً اهمیتی برای این مسائل قائل نیست.»

مهرداد بختیاری عموی پویا نیز بارها بازداشت شده و به پنج سال زندان تعلیقی محکوم و هر زمان ممکن است برای اجرای حکم به زندان فراخوانده شود. او به تازگی به دادگاه احضار شد اما از حضور در دادگاه خودداری کرد. صبا بختیاری درباره وضعیت مهرداد می‌گوید: «مهرداد هم از سال ۹۸ تا کنون چهار بار دستگیر شده و هر دستگیری با دو تا سه ماه بازداشت همراه بوده. همیشه هم در بند



پویا بختیاری

اطلاعات و انفرادی بود. آخرین بار سال گذشته خردادماه با ناهید دستگیر شد و دو ماه زندانی بود و بعد به قید وثیقه آزاد شد. دادگاه دو میلیارد تومان برای مهرداد وثیقه تعیین کرده بود که یک خانه و یک اتومبیل با توجه به قیمتی که کارشناسان دادگستری تعیین کرده بودند برای مهرداد وثیقه گذاشتیم. خانه متعلق به خواهرم بود که همسرش جانباز است و اتومبیل هم متعلق به احمد بود که الان برای ضمانت کردن برادرهایم برای او هم احضاریه به دادگاه آمده. چندین بار برای مهرداد ابلاغیه آمد و مهرداد دادگاه را به رسمیت نشناخت و نرفت. آخرین بار که احضاریه آمد برای ۲۸ فروردین بود که مهرداد باز هم دادگاه را به رسمیت نشناخت. وقتی وکیل‌شان به دادگاه رفت، وکیل را هم راه ندادند. قاضی دادگاه، موسی آصف‌الحسنی، همان قاضی

وکیل‌اش برای دادرسی به دیوان عالی کشور نامه داده بود، چندین ماه پرونده در دیوان عالی کشور بررسی و حکم آزادی ایشان از سوی دیوان عالی کشور صادر شد و خود من هم نزدیک به چهار ماه به دیوان می‌رفتم و می‌آمدم؛ ما حکم آزادی او را گرفتیم اما دادستان کرج، آقای مددی، و وزارت اطلاعات باز هم از آزادی ایشان جلوگیری کردند. این موضوع در خرداد ۱۴۰۱ بود و مصادف شد با دستگیری ناهید شیرپیشه و برادر دیگرم مهرداد بختیاری. این اقدام اصلاً قانونی نبود چون فکر می‌کنم در تمام کشورها دیوان عالی آن کشور بزرگترین و بالاترین مرجع قضائی است و وقتی حکمی صادر می‌کند، دیگر آن حکم قطعی است و دیوان عالی حکم آزادی برادر مرا صادر کرد ولی متأسفانه اینها از یک ماده که در قانون وجود داشت استفاده کردند و به شخص رئیس قوه قضاییه نامه دادند و او حکم آزادی برادرم را لغو کرد! زمستان گذشته وقتی که ۲۲ بهمن به خیلی از زندانی‌های سیاسی عفو خورد، برادر من هم شامل عفو شد و دوباره دو ماه اینها ما را بازی دادند و آزادش نکردند. گرچه ما همه می‌دانستیم حاضر به آزاد کردن او نیستند و حتی خود برادرم از زندان می‌دانست اینها دروغ می‌گویند؛ اما اینها آدم را در وضعیتی قرار می‌دهند که می‌دانی دارند بازی‌تان می‌دهند اما باز پیگیری می‌کنی چون فکر می‌کنی اگر ادعایشان واقعی باشد و تو پیگیر نشوی، آنوقت تویی که کوتاهی کرده‌ای! به خاطر همین دو ماه دیگر ما را بازی دادند ولی خب متأسفانه پرونده‌های جدیدی علیه برادرم باز کردند و ایشان آزاد نشد و مثل تابستان گذشته باز هم دادگاه انقلاب کرج، و شخص آقای مددی، و وزارت اطلاعات جلوی آزادی او را گرفتند.»

خواهر منوچهر بختیاری همچنین درباره پرونده جدیدی که علیه وی به جریان افتاده می‌گوید: «برادر دیگرم احمد ضامن پرونده‌ای بود که برای آزادی منوچهر تشکیل شده بود و ضمانت ایشان را کرده بود. اما هم برادرم احمد و هم منوچهر به این دادگاه فرا خوانده شدند. گفتند باید حتماً منوچهر بختیاری در دادگاه حضور پیدا کند در حالی که او در زندان است! فعلاً دادگاه بدون حضور منوچهر برگزار شده و باید دید قاضی چه حکم غیابی صادر می‌کند.»

صبا بختیاری عمه پویا می‌افزاید مقامات امنیتی از هر بهانه‌ای استفاده می‌کنند تا پرونده‌های تشکیل داده و پای اعضای خانواده را به آن باز کنند و به این صورت فشار بر خانواده را افزایش دهند. وی می‌گوید: «اگر دقت کنید در این سال‌ها هیچ اسمی از برادرم احمد در پرونده‌ها علیه خانواده بختیاری نبود؛ ایشان اصلاً فعالیتی نداشتند و فقط به دادگاه رفت و آمد می‌کردند به دنبال پرونده‌های منوچهر، مهرداد و ناهید بودند. اما حالا علیه احمد هم پرونده باز شده و جالب است که در پرونده «حمایت مالی» احمد از منوچهر و ریختن پول برای منوچهر در زندان هم گنجانده شده است! یعنی حمایت مالی برادر از برادر با ریختن مبلغی به حساب او در زندان هم به عنوان حمایت مالی از یک زندانی سیاسی به عنوان اتهام استفاده شده است!» صبا بختیاری درباره وضعیت ناهید شیرپیشه مادر پویا بختیاری هم می‌گوید که «ناهید شیرپیشه خرداد سال گذشته بازداشت شد و از مهرماه ۱۴۰۱ به زندان زنجان انتقال داده شد. او درواقع به زندان زنجان تبعید شده و از آن زمان هم در سلول انفرادی نگهداری می‌شود. ناهید دیگر تقاضای آزادی ندارد چون به نظر می‌رسد چنین چیزی ممکن نیست. عفو را که خامنه‌ای بهمن گذشته داد در رابطه با برادرم گفتم که چه کردند؛ برای مادر پویا هم گفتند که هشت روز کم است از آن زمانی که دستگیر شده تا اجرای عفو! البته به این جملات محدود نمی‌شود بلکه با

→ روی آرامش نخواهید دید. و این واقعا در طول چهار سال اتفاق افتاده است.»

پس از آنکه منوچهر بختیاری زندانی شد، برخی فعالان خارج کشور بی‌اعتنا به اینکه او کمپین دادخواهی را برای نخستین بار اعلام و ثبت کرد و فعالیت سازمانیافته‌ای را نیز برای دادخواهی همه قربانیان پس از انقلاب ۵۷ به راه انداخت، تلاش کردند به عنوان چهره‌های حقوق بشر یا دادخواه، خود را پرچمدار دادخواهی معرفی کنند. این اقدام در حالی که منوچهر بختیاری در زندان بسر می‌برد با انتقادهایی همراه شد.

صبا بختیاری در اینباره به «کیهان لندن» می‌گوید: «کمپین دادخواهی بهار سال ۱۳۹۹، چند ماه پس از جان باختن پویا، توسط منوچهر بختیاری در کشور سوئد ثبت شده است. تمام نامه‌نگاری‌های لازم انجام و این کمپین بطور رسمی ثبت شده است. اعضای خانواده‌های دادخواه از ابتدای انقلاب تا کنون هم دعوت شدند که به این کمپین بپیوندند. منوچهر بختیاری قصد داشت موضوع دادخواهی انحصاری نباشد و همه دادخواهان بتوانند در قالب این کمپین به صورت همبسته موضوع دادخواهی را پیگیری و خواسته‌هایشان را دنبال کنند. این کمپین خیلی خوب شروع شد و منوچهر بختیاری با بسیاری از دادخواهان چهار دهه گذشته ارتباط داشت. در ایران نیز کار کمپین خیلی موثر و مفید بود و جان تازه‌ای به دادخواهی بخشید. باید بگویم که منوچهر بختیاری خیلی از تابوهای جمهوری اسلامی را شکست. چون ما خودمان در داخل ایران زندگی و کار می‌کردیم می‌دیدیم قبل از آبان ۹۸ خب طبیعتا ملت این ملتی که الان می‌بینیم نبودند. نه هشیاری اینقدر بود، نه این شجاعت اینقدر بود.

بخشی از این شجاعت را منوچهر بختیاری با پرده‌برداری از جنایات آبان، با سینه سپر کردن جلوی جمهوری اسلامی به ملت داد. او دادخواهی را اینگونه به ملت نشان داد که اگر یک نفر کشته شود ما می‌توانیم جلوی جمهوری اسلامی بایستیم. منوچهر بختیاری دادخواهی را صرفا منحصر به فرزند خودش و یا کشته‌شدگان و جانب‌اختگان توسط حکومت نکرد. منوچهر بختیاری دادخواه ایران نیز بود و به خاطر قرارداد ننگین ۲۵ ساله با جمهوری خلق چین، برای خاک و آب ایران، جلوی جمهوری اسلامی ایستاد و در خلیج فارس پرچم شیروخورشید را برافراشت و دستگیر شد. این دادخواهی منوچهر بختیاری قابل غصب و مصادره‌شدنی نیست. اینکه کسانی در این اواخر در خارج از ایران ادعای دادخواهی دارند و با اینکه منوچهر بختیاری بنیانگذارش بود و حالا در زندان است ولی صدای خود او را قطع کرده و نمی‌شنوند، شرافتمندانه نیست. شاید در گذشته جمهوری اسلامی تاریخ را تحریف می‌کرد و شکل دیگری جلوه می‌داد اما الان عصر رسانه است و تاریخ تحریف کردنی نیست. هیچکس نه می‌تواند منکر اقداماتی شود که منوچهر بختیاری انجام داد و نه می‌تواند از این اقدامات سوء استفاده کند. خیلی ناراحت کننده است که برخی تلاش کسانی را که تاوان آن را در درون ایران داده و می‌دهند، به نام خودشان تصاحب کنند.» صبا بختیاری در پایان این گفتگو می‌گوید: «هیچگاه از سوی کسانی که امروز ادعای دادخواهی دارند، هیچ تماسی با خانواده‌های دادخواه در درون ایران گرفته نشده. تأکید می‌کنم که منوچهر بختیاری اگر در زندان است، ما هستیم؛ خانواده منوچهر بختیاری هستند و صدای او هستند. ما تا حال در برابر این اقدامات سکوت کردیم ولی اصلا تصور نکنند که این سکوت ادامه خواهد داشت. خانواده‌ای که در برابر جمهوری اسلامی ایستاده، در برابر اینها نیز می‌تواند بایستد.»

دیدار قصاب‌ها در «قصر الشعب» دمشق؛ رئیس‌ی به اسد: روابط ما با «خون حاج قاسم» گره خورده!



دیدار اسد و رئیس‌ی در «قصر الشعب» کاخ ریاست جمهوری سوریه

اسلامی به سوریه پس از آغاز جنگ داخلی در این کشور است که بیش از ۱۲ سال به طول انجامید. او پیش از اینکه عازم دمشق شود در یک مصاحبه گفته بود «در منطقه برای همه روشن است که جمهوری اسلامی ستون مستحکم به حساب می‌آید که همه می‌توانند به این ستون مستحکم اعتماد کنند.»

رئیس‌ی با اشاره به اینکه «روابط ما با سوریه امروز یک روابط معمولی نیست» تأکید کرد «بشار اسد نشان داد که بنای مقاومت دارد.» منابع لبنانی گزارش دادند قرار است رئیس‌ی درباره همکاری اقتصادی و بطور مشخص مسئله انرژی با اسد صحبت کند و در کنار آن توافقات نظامی مهمی نیز امضاء خواهد شد.

پیشتر علی بهادری جهرمی سخنگوی دولت گفته بود سفر رئیس‌ی به سوریه در راستای استمرار تقویت محور مقاومت خواهد بود. با اینهمه در یک ماه اخیر حملات ارتش اسرائیل به مواضع نیروهای «قدس» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و گروه‌های نیابتی و ارتش اسد به شکل گسترده افزایش پیدا کرد.

سپاهی‌ها می‌گفتند «مدافعان حرم» به سوریه اعزام می‌شوند تا حجاب نرود اما زنان بی‌حجاب به استقبال ابراهیم رئیس‌ی رفتند روزنامه «فایننشال تایمز» با یادآوری اینکه سفر رئیس‌ی برای اولین بار پس از آغاز جنگ داخلی در سوریه از سال ۲۰۱۱ بود تأکید کرده «رژیم سوریه به دنبال بازسازی و رژیم ایران به دنبال گسترش نفوذ بر متحد دیرینه خود است.»

یک تحلیلگر سیاسی مقیم تهران به این روزنامه گفته: «سفر رئیس‌ی یک نمایش قدرت است برای اینکه بگویم ما توانستیم به حفظ اسد در قدرت کمک کنیم و به حضور قدرتمند خود در منطقه ادامه خواهیم داد. ایران می‌خواهد در زمان صلح نیز دست بالا داشته باشد.»

وزیر خارجه عربستان ماه گذشته میزبان همتای سوری خود در ریاض بود، در حالی که عربستان سعودی نیز با عادی‌سازی روابط با رژیم ایران تحت یک «توافق امنیتی» با میانجیگری چینی‌ها موافقت کرده است. حمایت نظامی و مالی تهران از بشار اسد در جنگ او علیه شورشیان نقش تعیین‌کننده داشت و پیوند سوریه را با جمهوری اسلامی تقویت کرد.

کیوان کاشفی یکی از اعضای اتاق بازرگانی ایران که دست‌اندرکار روابط تجاری با سوریه است، گفته است: «امیدواریم سفر رئیس‌ی بتواند به ایجاد مکانیزمی کمک کند که از طریق آن بتوانیم وام‌ها و خطوط اعتباری را به سوریه [در زمان جنگ] بازگردانیم. ما به بستر جدیدی نیاز داریم که به وسیله آن ایران بیشتر در تجارت با سوریه مشارکت کند و به بازسازی آن کشور کمک کند.»

اگرچه هیچکس از رؤسای جمهوری اسلامی در طول جنگ به دمشق سفر نکرد، اما اسد از سال ۲۰۱۱ دو بار برای دیدار با علی خامنه‌ای به ایران رفت. رهبر جمهوری اسلامی به عنوان بخشی از استراتژی خود برای مهار اسرائیل که آن را دشمن اصلی منطقه‌ای خود می‌داند، فراتر از مرزهای ایران، از سوریه و شبه‌نظامیان حزب‌الله در لبنان حمایت تزلزل‌ناپذیر به عمل آورده است.

● ابراهیم رئیس‌ی با وزرای خارجه، دفاع، نفت، راه و شهرسازی و ارتباطات به اضافه رئیس دفترش و جمعی از تجار و فعالان اقتصادی به دمشق رفت.

● بشار اسد به رئیس‌ی گفته «روابط تهران و دمشق حتا در دوره‌های سخت و دشوار هم با وجود توفان‌های شدید سیاسی و امنیتی در منطقه خاورمیانه، با ثبات و پایدار بود.»

● یک روز پیش از سفر رئیس‌ی به دمشق، حشمت‌الله فلاح‌پیشه رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی تأکید کرد تکلیف طلب ۳۰ میلیارد دلاری این کشور از سوریه باید مشخص شود.

رؤسای جمهوری رژیم‌های ایران و سوریه چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت در دمشق دیدار کردند. در این دیدار ابراهیم رئیس‌ی به بشار اسد گفت: «سوریه دشواری‌ها و مشکلات بزرگی را پشت سر گذاشت و با وجود تهدیدها و تحریم‌هایی که علیه شما تحمیل شد، توانستید پیروز شوید.»

رئیس‌ی با بیان اینکه روابط ایران و سوریه با «خون شهدا» به خصوص قاسم سلیمانی گره خورده، آن را «اسم رمز پایداری و استحکام روابط دو کشور» خواند و تأکید کرد «جمهوری اسلامی همانطور که در مبارزه با تروریسم در کنار دولت و ملت سوریه ایستاد، در عرصه آبادانی و پیشرفت نیز در کنار برادران سوری خود خواهد ماند.»

به گزارش ایرنا، بشار اسد نیز خواستار نقش‌آفرینی بیشتر جمهوری اسلامی در برقراری صلح و امنیت پایدار در این کشور و حضور مؤثر در بازسازی مناطق جنگ‌زده شد و گفت: «روابط تهران و دمشق حتا در دوره‌های سخت و دشوار هم با وجود توفان‌های شدید سیاسی و امنیتی در منطقه خاورمیانه، با ثبات و پایدار بود.»

در این سفر دو روزه غلامحسین اسماعیلی رئیس دفتر رئیس‌ی، حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه، محمدرضا آشتیانی وزیر دفاع، مهرداد بذریشاوی وزیر راه و شهرسازی که ریاست کمیسیون مشترک ایران و سوریه را بر عهده دارد، جواد اوجی وزیر نفت، عیسی زارع‌پور وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات و جمعی از تجار و فعالان اقتصادی به اصطلاح بخش خصوصی در این سفر ابراهیم رئیس‌ی را همراهی کرده‌اند.

در این میان، اسنادی نیز در مورد «برنامه همکاری‌های راهبردی و بلندمدت جمهوری اسلامی و سوریه» امضاء شد.

اسد بعد از جنایت در سوریه به «قصاب دمشق» مشهور و ابراهیم رئیس‌ی از اواخر دهه ۶۰ خورشیدی به «قصاب اوین» و «قاضی مرگ»! هر دو رژیم با ریختن خون مردم در سوریه و ایران در این مقام قرار گرفته و مانده‌اند و ستون مشترک هر دو «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» است.

یک روز پیش از سفر رئیس‌ی به دمشق، حشمت‌الله فلاح‌پیشه رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی تأکید کرد تکلیف طلب ۳۰ میلیارد دلاری این کشور از سوریه باید مشخص شود. سفر رئیس‌ی به دمشق نخستین سفر یک رئیس دولت جمهوری

تداوم فشار بر خانواده‌های دادخواه؛ پدر نوید افکاری پس از بازداشت به زندان قزوین منتقل شد



شنبه ۲۲ شهریور ۱۳۹۹ بدون اطلاع خانواده اعدام شد و از آن زمان دو برادرش وحید و حبیب در اقدامی غیرقانونی در سلول انفرادی نگهداری شدند.

وحید به تحمل ۵۴ سال و ۶ ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق و حبیب نیز به تحمل ۲۷ سال و ۳ ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد.

حبیب افکاری که برای مدت طولانی در زندان انفرادی بود، ۱۴ اسفند پارسال از زندان آزاد شد ولی وحید افکاری همچنان در سلول انفرادی حبس است.

الهام افکاری، خواهر نوید افکاری، ۱۹ آبان توسط اداره اطلاعات شیراز بازداشت و آذرماه پارسال در دادگاه شیراز به پنج سال زندان، دو سال ممنوعیت خروج از کشور و دو سال ممنوعیت فعالیت در شبکه‌های اجتماعی محکوم شد. خیرگزاری مهر سه‌شنبه ۲۹ آذر ۱۴۰۱ با «اغتشاشگر» خواندن الهام افکاری گزارش داده بود که او بر اساس حکم صادره از سوی دادگاه انقلاب شیراز به اتهام «قصد ایجاد اخلال و ناامنی از طریق مشارکت در فراخوان‌های معاندین نظام در فضای مجازی» به ۵ سال حبس تعزیری، منع خروج از کشور و منع از فعالیت در فضای مجازی به مدت دو سال محکوم شده است.

در این گزارش آمده بود که «رسانه‌های معاند طی هفته‌های گذشته فضا سازی‌های سنگینی» را درباره بازداشت الهام افکاری انجام داده‌اند.

دیگر اعضای خانواده نوید افکاری از جمله سعید برادر دیگر، و پدرش در این سال‌ها زیر شدیدترین فشارهای امنیتی قرار داشتند. خانواده افکاری همچنین تحت فشار بودند تا بر مزار نوید افکاری سنگ یادبود نگذارند و روزی که پدر و برادر نوید در حال تمیز کردن و آماده کردن مزار نوید برای نصب سنگ بودند بازداشت شدند. حتی مزار نوید افکاری چند بار مورد حمله نیروهای چماق به دست جمهوری اسلامی قرار گرفته است.

بازداشت و در نهایت اعدام شد. خانواده نوید افکاری از جمله خانواده‌های دادخواه هستند که با فشارهای شدید امنیتی و قضایی روبرو بوده و بارها بازداشت شده‌اند. در حال حاضر بجز حسین افکاری، دو فرزند دیگر او، وحید و الهام نیز به زندان محکوم شدند. الهام در حبس خانگی و وحید همچنان در انفرادی زندانی است.

انتقال حسین افکاری به زندان چوبیندر قزوین به عنوان ابزار فشاری مضاعف علیه این خانواده است که اکنون برای پیگیری وضعیت او ناچارند فاصله شیراز تا قزوین را در رفت و آمد باشند.

منوچهر بختیاری پدر پویا بختیاری از جانب‌اختگان اعتراضات آبان ۹۸ که به جرم «دادخواهی» به ۳ سال و نیم زندان محکوم شده نیز به زندان چوبیندر قزوین منتقل شده است. صبا بختیاری خواهر منوچهر بختیاری در توثیقی نوشته که «زندانی چوبیندر قزوین به زندان دادخواهان بدل شده؛ پدر دادخواه نوید افکاری را به زندان چوبیندر قزوین زندان منوچهر بختیاری پدر دادخواه پویا بختیاری فرستادند.»

حسین افکاری پیشتر در تاریخ ۲۷ آذرماه ۱۳۹۹ نیز در پی حضور بر مزار پسرش نوید افکاری در آرامستان روستای سنگر از توابع بخش همایجان شهرستان سپیدان، توسط نیروهای امنیتی بازداشت و ساعاتی بعد آزاد شد.

نوید افکاری کشتی‌گیر و نایب قهرمان کشتی نوجوانان ایران شهریور ۱۳۹۸ به همراه دو برادرش وحید و حبیب به دلیل شرکت در اعتراضات تابستان ۹۷ در شیراز بازداشت و پس از دستکاری پرونده توسط نهادهای امنیتی به قتل عمد حسن ترکمان کارمند حراست اداره آیفای شیراز متهم شدند. نوید افکاری به عنوان متهم ردیف اول به اتهام محاربه و همچنین قتل یک مأمور امنیتی به دو بار اعدام، ۶ سال و ۶ ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد.

نوید افکاری با وجود اعتراضات داخلی و خارجی سحرگاه

● حسین افکاری پدر نوید افکاری که روز سه‌شنبه دوازدهم اردیبهشت توسط مأموران امنیتی بازداشت شده بود روز چهارشنبه به زندان چوبیندر قزوین منتقل شد.

● انتقال حسین افکاری به زندان چوبیندر قزوین به عنوان ابزار فشاری مضاعف علیه خانواده است که اکنون برای پیگیری وضعیت او ناچارند فاصله شیراز تا قزوین را در رفت و آمد باشند؛ زندانی که منوچهر بختیاری پدر پویا بختیاری از جانب‌اختگان آبان ۹۸ نیز در آنجا محبوس است.

● نوید افکاری کشتی‌گیر و نایب قهرمان کشتی نوجوانان ایران به همراه دو برادرش وحید و حبیب به دلیل شرکت در اعتراضات تابستان ۹۷ در شیراز بازداشت شد و سرانجام سحرگاه شنبه ۲۲ شهریور ۱۳۹۹ به دار آویخته شد.

حسین افکاری پدر نوید افکاری بازداشت و روز چهارشنبه سیزدهم اردیبهشت ۱۴۰۲ از شیراز به زندان چوبیندر قزوین منتقل شده است.

حسین افکاری، پدر نوید افکاری که روز سه‌شنبه دوازدهم اردیبهشت توسط مأموران امنیتی بازداشت شده بود، روز چهارشنبه سیزدهم اردیبهشت به زندان چوبیندر قزوین منتقل شد.

برخی منابع حقوق بشری گزارش داده‌اند که حسین افکاری به جرم شرکت در مراسم جواد حیدری از جانب‌اختگان اعتراضات پاییز ۱۴۰۱ دستگیر شده است.

سعید افکاری فرزند حسین افکاری در توییتش نوشته که «برادرم وحید را ۹۷۱ روز است در انفرادی حبس کرده‌اند. الهام خواهرم را با پابند در حبس خانگی نگه داشته‌اند. برادرم نوید را زیر خروارها خاک دفن کرده‌اند. و امروز سیزدهم اردیبهشت ۱۴۰۲ پدرم را به زندان چوبیندر قزوین منتقل کرده‌اند.»

نوید افکاری از فعالان مخالف جمهوری اسلامی در پی اعتراضات شیراز در تابستان ۱۳۹۷ به همراه برادرانش

یک مقام حکومتی: به زودی مجبوریم کیش و قشم و خوزستان را برای پرداخت حقوق بازنشستگان بفروشیم!



جزیره کیش

دستمزد بازنشستگانی که جمعیت آنها رو به افزایش است با واکنش‌هایی روبرو شده است. محمدجواد آذری جهرمی وزیر ارتباطات دولت حسن روحانی در واکنش به سخنان مدیر عالی وزارت کار گفته که «از حرف «دیپلماسی عزتمندانه» رسیدند به «فروش جزایر»؟»

یک نماینده مجلس شورای اسلامی نیز گفته باید در دهان چنین مدیری زد که با احساسات مردم بازی می‌کند.

معین‌الدین سعیدی نماینده مجلس شورای اسلامی در واکنش به سخنان مدیر کل بیمه‌های اجتماعی وزارت کار گفته که «از یک طرف آقایان می‌گویند در بحث فروش نفت به چنین دستاوردهایی رسیده‌ایم، ما تحریم‌ها را دور زده‌ایم ما منابع فروش نفت‌مان افزایش پیدا کرده است، از سوی دیگر این‌گونه دل مردم را خالی می‌کنند که با این روند مجبوریم برای مطالبات جامعه بازنشستگان قشم، کیش و خوزستان را بفروشیم و مثال می‌زنند یونان ۱۰۰ جزیره خودش را فروخت.»

معین‌الدین سعیدی افزوده که «باید در دهان چنین مدیری زد، من تعجب می‌کنم دولت چگونه به خودش اجازه می‌دهد این‌گونه با احساسات میلیون‌ها ایرانی بازی کند؟» نماینده چابهار در مجلس شورای اسلامی تأکید کرده که «اگر مسئولین واقعا حرف زدن بلد نیستند، حرف زدن را که می‌توانند انجام دهند. اولاً چه ضرورتی دارد که مسئولان تا این حد صحبت کنند؟»

جدا از تناقض در میان «فروش نفت با دور زدن تحریم» و «نداشتن منابع برای هزینه‌های جاری» که معین‌الدین سعیدی به آن اشاره کرده است، اما فروش جزایر کشور توسط حکومتی که طی سال‌های گذشته نشان داده برای حفظ خود و منافع‌اش دست به «ایران‌فروشی» می‌زند، اصلاً امر محال و بعیدی نیست!

← طی روزهای گذشته خبر تکاندنده‌ای درباره

ناچیز گفته که «کارگران اگر قناعت کنند، با همین سطح حقوق و درآمد هم می‌توانند زندگی آبرومندانه و خوبی داشته باشند.»

این اظهارات وزیر کار نیز نشان می‌دهد دولت پولی برای بهبود وضعیت معیشتی کارگران به شکل یارانه یا افزایش دستمزد ندارد و در نتیجه وزیری که دستمزدی چند برابر رقم خط فقر دریافت می‌کند به کارگری که دستمزدش بعلاوه همه مزایای شغلی در نهایت یک سوم از رقم خط فقر را پوشش می‌دهد و برای ۱۰ روز زندگی در ماه کفایت می‌کند، از زندگی «خوب» و «آبرومند» سخن می‌گوید.

وضعیت بازنشستگان نیز بهتر از کارگران نیست. در روزهای گذشته بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی و بازنشستگان دولت از جمله شرکت مخابرات تجمعات اعتراضی به دستمزدهای ناچیز برگزار کردند. دولت بزرگترین بدهکار به سازمان تأمین اجتماعی است و این بدهی بیش از ۵۰۰ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود. هر چند سالیانه سازمان تأمین اجتماعی باید قانون همسان‌سازی دستمزدهای بازنشستگان این سازمان را اجرا تا سطح درآمدشان افزایش پیدا کند اما نبود منابع و عدم دریافت طلب از دولت مانع این اقدام بوده است.

صندوق بازنشستگی کشوری نیز که حقوق بازنشستگی بخش زیادی از کارمندان دولت را پرداخت می‌کند در حال حاضر بیش از یک میلیون و ۶۶۰ هزار بازنشسته و وظیفه‌بگیر تحت پوشش خود دارد اما با خطر ورشکستگی روبروست.

در لایحه بودجه سال جاری نیز دولت ۳۳۰ هزار میلیارد تومان برای جبران کسری بودجه‌ی صندوق‌های بازنشستگی اختصاص داده که ۱۱۳ هزار میلیارد تومان بیشتر از پارسال است.

اینهمه در حالیست که فروش جزایر برای پرداخت

● مدیرکل بیمه‌های اجتماعی وزارت کار: ممکن است به جایی برسیم که مجبور شویم کیش، قشم و خوزستان را بفروشیم تا بتوانیم حقوق بازنشستگان را بدهیم!

● یک نماینده مجلس شورای اسلامی در واکنش به سخنان مدیر وزارت کار گفته باید در دهان چنین مدیری زد که با احساسات مردم بازی می‌کند.

● فروش جزایر کشور توسط حکومتی که طی سال‌های گذشته نشان داده برای حفظ خود و منافع‌اش دست به «ایران‌فروشی» می‌زند، اصلاً امر محال و بعیدی نیست!

مدیرکل بیمه‌های اجتماعی وزارت کار جمهوری اسلامی در سخنانی عجیب گفته است «به زودی مجبوریم کیش، قشم و خوزستان را بفروشیم تا بتوانیم حقوق بازنشستگان را بدهیم.»

سجاد پادام مدیرکل بیمه‌های اجتماعی وزارت کار روز سه‌شنبه ۱۲ اردیبهشت در گفتگو با وبسایت «نود اقتصادی» گفته که «کشور یونان ۱۰۰ جزیره فروخت تا بتواند مطالبات بازنشستگان را بدهد. ما هم به زودی به این وضعیت دچار می‌شویم. ۳۰۰ هزار شهید دادیم که یک وجب خاک از دست ندهیم، اما ممکن است به جایی برسیم که مجبور شویم کیش، قشم و خوزستان را بفروشیم تا بتوانیم حقوق بازنشستگان را بدهیم.»

مدیرکل بیمه‌های اجتماعی وزارت کار افزوده که «حتی اگر ۳ میلیون بشکه نفت را بدون تحریم بفروشیم و پولش را کامل بگیریم باز هم نمی‌توانیم بحران بازنشستگان را حل کنیم. باید در ۵ ماه ۸۵ هزار میلیارد کار عمرانی می‌کردیم ولی فقط ۱۳ هزار میلیارد اجرایی شده، یعنی ۲۰ درصد.»

از سوی دیگر صولت مرتضوی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی نیز روز سه‌شنبه ۱۲ اردیبهشت در واکنش به اعتراضات کارگران به مشکلات معیشتی و دستمزدهای

تلوژیونی «زویوژدا» روسیه پخش شد این خبر را اعلام کرد. آبان پارسال نیز ابراهیم رئیس در تماس تلفنی با ولادیمیر پوتین گفته بود که «آمادگی داریم سند جامع همکاری‌های بلندمدت دو کشور را نهایی کنیم تا روند ارتقای هر چه بیشتر روابط و همکاری‌های دو کشور با سرعت، اجرایی شود.»

آذرماه سال گذشته نیز رسانه‌های هند از تلاش جمهوری اسلامی برای امضای توافق همکاری راهبردی بلندمدت ۲۵ ساله با هند، مشابه قرارداد ایران و چین، خبر دادند. مقامات جمهوری اسلامی این خبر را تأیید و از اعزام تیمی به هند برای پیشبرد مذاکرات خبر دادند.

رستم قاسمی وزیر پیشین راه و شهرسازی که چندی پیش مُرد، امرداد پارسال در نشست مشترکی با وزیر بنادر و کشتیرانی هند، از آمادگی جمهوری اسلامی را برای انعقاد قرارداد بلندمدت با هند با هدف توسعه بندر چابهار خبر داده بود. سارباناندا سونوال وزیر بنادر، کشتیرانی و آبراهه‌های هند هم همزمان گفته بود که «با دستور رئیس جمهوری هند به دنبال ارتقای روابط اقتصادی از طریق سرمایه‌گذاری در این بندر هستیم.»

گددام دارمندر سفیر هند در ایران نیز در این نشست با اشاره به اهمیت توسعه تجارت دریایی برای هند، بندر چابهار را نقطه‌ای مهم در ترانزیت کالا برای این کشور توصیف کرده و گفته بود که ما در حال افزایش اطلاعات خودمان درباره کاربردهای بندر چابهار برای ترانزیت کالا هستیم.

در همان امرداد پارسال اما خبر دیگری حالی از آن بود که شرکت کیهان شیران زرین وابسته به بنیاد مستضعفان به عنوان پیمانکار ایرانی طرف قرارداد هندی‌ها در بندر چابهار با امضای قراردادی عجیب، ۹۹ درصد از درآمد بندر چابهار را تا سه سال آینده در اختیار هندی‌ها قرار داده و ایران فقط سهمی یک درصدی از این قرارداد دارد!

حدود ۵۰ ماه از واگذاری راهبری اسکله «بهشتی» بندر چابهار به شرکت هندی «اینڈیا پورترز گلوبال لیمیتد» یا IPGL می‌گذرد و در حال حاضر این بندر بر اساس اهدافی که تعیین شده، بجای آنکه تبدیل به قطب جدید برای ترانزیت کالا و کانتینر بین هند، افغانستان و آسیای میانه و روسیه شود، به محلی برای کسب درآمد هند از تخلیه کالاهای اساسی و بارگیری مواد معدنی و ساختمانی تبدیل شده است.

بندر چابهار در استان سیستان و بلوچستان و در کرانه دریای مَگَران و اقیانوس هند واقع شده است. این شهر تنها بندر اقیانوسی ایران است که کشتی‌های اقیانوس‌پیما می‌توانند در اسکله آن پهلوگیری کنند.

بندر چابهار به دلیل موقعیت راهبردی‌اش، که نزدیک‌ترین راه دسترسی کشورهای محصور در خشکی آسیای میانه شامل افغانستان، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و قزاقستان، به آب‌های آزاد است دارای اهمیت ویژه‌ای در منطقه است اما تعلل جمهوری اسلامی در ده‌های اخیر نتوانسته فرصت بهره‌برداری و تبدیل آن به یکی از بنادر استراتژیک تجاری آسیای میانه را ایجاد کند. اسکله‌ای که سال‌ها پس از انقلاب اسلامی به اسم «بهشتی» نامگذاری شده در سال ۱۳۵۰ توسط آمریکایی‌ها در بندر چابهار طراحی و شروع به ساخت شد اما با وقوع انقلاب این پروژه متوقف ماند و در دوران جنگ طی قراردادی با سنگاپور به پایان رسید.

چابهار سال‌هاست که در پی قراردادی با هند برای توسعه این بندر، به محلی برای رقابت هند با چین و پاکستان، و درآمدزایی این کشور از بندری در جنوب ایران شود.

ایران در طول ربع قرن این قرارداد خواهند بود. بر اساس این قرارداد، جمهوری خلق چین طی سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز، نفت ایران را با اعمال دو مرحله تخفیف و در ازای ارزش انتخابی خود خریداری خواهد کرد. حضور نظامی چین و اعزام نیروی کار به ایران نیز یکی دیگر از موارد مطرح شده درباره این قرارداد است. از سوی دیگر چین برای انجام پروژه‌ها در ایران، کشور را به خود بدهکار کرده و برخی ابراز نگرانی کرده بودند در صورت عدم توانایی بازپرداخت این وام‌ها، جمهوری اسلامی اجازه تحت اختیار گرفتن برخی مناطق از جمله «جزایر



سجاد پادام مدیرکل بیمه‌های اجتماعی وزارت کار

جنوبی ایران» را به چین داده باشد! قرارداد دیگری نیز از سوی جمهوری اسلامی با روسیه امضا شده که رد پای ایران‌فروشی در این قرارداد نیز وجود دارد. تفاهم‌نامه ۴۰ میلیارد دلاری میان ایران و روسیه صبح سه‌شنبه ۲۸ تیر ۱۴۰۱ به صورت آنلاین و میان شرکت ملی نفت ایران و شرکت گازپروم روسیه امضا شد.

محسن خجسته مهر مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران و معاون وزیر نفت درباره این قرارداد گفته بود که سرمایه‌گذاری ۱۰ میلیارد دلاری گازپروم برای توسعه میدان گازی پارس شمالی و کیش، توسعه ۶ میدان نفتی از جمله منصوری، آب‌تیمور، کرنج، آذر و چنگوله، سرمایه‌گذاری ۱۵ میلیارد دلاری گازپروم برای فشارافزایی میدان گازی پارس جنوبی و سوآپ گاز و فرآورده نفتی با روس‌ها و سرمایه‌گذاری جهت تکمیل پروژه ایران-ال-ان.جی، از محورهای این تفاهم است.

درباره تفاهم‌نامه امضا شده اما موارد مبهمی وجود دارد. روسیه در سال‌های گذشته، چه در دوران برجام و چه در دوران تحریم‌های اخیر چندین تفاهم‌نامه با جمهوری اسلامی ایران امضا کرده که هیچیک حتی وارد فاز مطالعاتی و تحقیقی هم نشد. روسیه پیش از این و در سال ۲۰۱۷ نیز برای توسعه میدان گازی کیش با ایران «قرارداد» امضا کرده بود اما سرنوشته این قرارداد هم نامشخص ماند و سرمایه‌گذاری واقعی از سوی روسیه در صنعت نفت ایران بابت این پروژه رخ نداد.

یکی دیگر از ابهامات این تفاهم‌نامه اینست که پرداخت‌ها و تبادلات مالی در این قرارداد معلوم نیست بر اساس روبل است یا ارز دیگری نظیر دلار!

خرگزاری ایرنا نیز دی‌ماه سال ۱۴۰۰ از امضای سند راهبردی ۲۰ ساله میان جمهوری اسلامی و روسیه خبر داد. ایرنا با اشاره به برنامه مستندی که در همین رابطه از شبکه

فروش میراث فرهنگی و آثار تاریخی کشور منتشر شده است. بر اساس گزارش‌ها از ایران، ارگ راین کرمان، باغ هرندی، گراند هتل، کاروانسرای زعفرانیه، کاخ ناصرالدین میرزا و ۱۴ بنای تاریخی دیگر توسط وزارت میراث فرهنگی با هدف بهره‌برداری به مزایده گذاشته شده است!

طی سالهای گذشته گزارش‌های زیادی از فروش خاک مناطق حاصلخیز ایران از جمله شمال کشور به کشورهای حاشیه خلیج فارس منتشر شده است. تصاویری از گودالهای عمیق و پر وسعت که خاک آنها کامیون کامیون از مناطق شمال کشور خارج و در سواحل جنوبی بارگیری می‌شود منتشر شده است.

گزارش دیگری از اجاره آبهای ایران به چین برای صید ماهی به شکل ترال منتشر شده است؛ روشی از صید که هر آنچه در دریاست را درو می‌کند و خطری جدی برای زیست‌بوم دریایی کشور به شمار می‌رود.

یوسف آراسته مدیر عامل تعاونی صیادی نیلگون محمدآباد از توابع جاسک مهرماه ۱۳۹۹ به خبرگزاری ایلنا گفته است: «صیادان غیرمجاز با استفاده از تورهایی در عمق ۳ تا ۲۰ متری در ساحل صید می‌کنند و حتی صید پره به صورت گسترده در دهانه رودخانه‌هایی که به دریا می‌ریزد، وجود دارد و انواع و اقسام ماهی‌ها از جمله بچه‌ماهی‌ها با تورهای ریز صید می‌شوند.»

یوسف آراسته افزوده است که «صیادان سنتی نمی‌توانند جلوی این صید غیرمجاز که محیط زیست دریا و معیشت صیادان را به خطر انداخته، بایستند و اگر هم اعتراضی کنند کار به درگیری می‌کشد. این وظیفه شیلات است که جلوی این صید را بگیرد، لنج‌ها و ادوات صیادان غیرمجاز را توقیف و آنها را دادگاهی کند. امکانات حراست شیلات بسیار کم است. شناورهای کمی دارند و همین شناورها هم در مواردی به دلیل نداشتن بنزین قادر به پیگیری مشکلات و گشت‌زنی نیستند.»

احمد مرادی نماینده وقت بندرعباس در مجلس شورای اسلامی نیز از وجود رانت و دست‌های پشت پرده در حضور کشتی‌های چینی در آب‌های جنوبی ایران خبر داده و گفته بود: «پشت پرده صید کشتی‌های چینی در سواحل جنوبی کشور رانت‌هایی نهفته است و این افراد با استفاده از خلاءهای قانونی، صیدهای بی‌رویه توسط کشتی‌های چینی را ساماندهی کرده‌اند.»

یکی از بزرگترین پروژه‌های ایران‌فروشی جمهوری اسلامی قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین است که از زمان دولت حسن روحانی و با نقش‌آفرینی محمدجواد ظریف و علی‌آملی لاریجانی پیگیری شد و در نهایت هفتم فروردین ۱۴۰۰ در سفر دو روزه وانگ یی وزیر خارجه چین به تهران و تحت عنوان «سند برنامه همکاری جامع جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین» به امضای وزرای امور خارجه دو کشور رسید.

مقامات دو کشور تا کنون جزئیاتی از این قرارداد را منتشر نکرده‌اند اما بر اساس یک پیش‌نویس منتشر شده از سوی جمهوری اسلامی این توافقنامه دامنه گسترده‌ای از همکاری‌های اقتصادی به ویژه در حوزه نفت و گاز، عمرانی، ساختمانی، صنعتی، معدنی و حتی نظامی و امنیتی را در بر می‌گیرد.

وبسایت «اوایل پرایز» تیرماه سال ۱۳۹۹ برخی جزئیات این سند را به نقل از مقامات آگاه در ایران منتشر کرد. بر اساس این اطلاعات، امتیازهای زیادی از سوی جمهوری اسلامی به چینی‌ها داده شده است. از جمله اینکه شرکت‌های چینی گزینه و اولویت اول برای پیمانکاری همه پروژه‌های نفتی، گازی و پتروشیمی جدید، نیمه‌کاره و یا متوقف شده در

خودداری جمهوری اسلامی از نصب دوربین‌های آژانس در تأسیسات اتمی مشکوک؛ «احیای برجام از نظر تکنیکی ممکن نیست»

● طبق ادعای برخی منابع خبری گفته می‌شد جمهوری اسلامی پذیرفته که بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دوربین‌های نظارتی آژانس را که در ماه‌های اخیر از تأسیسات اتمی ایران جمع‌آوری شده بود «دوباره نصب کنند». استناد آنها به گزارش اولیه لارنس نورمن خبرنگار وال‌استریت ژورنال است که گفته بود همکاری ایران و آژانس تحقق یافت و «دوربین‌ها روشن می‌شوند».

● اما خبرنگار وال‌استریت ژورنال ساعاتی بعد نوشت: «ایران دسترسی به فایل‌های ذخیره شده دوربین‌ها [کارت‌های حافظه] را از فوریه ۲۰۲۱ فراهم نکرده و بنابراین نصب مجدد تجهیزات نظارتی ارزش کمی دارد».

● دیوید آلبرایت مدیر مؤسسه «علم و امنیت بین‌الملل» در واکنش به توییت‌های نورمن با سپاس به خاطر اطلاع‌رسانی وی می‌نویسد «بیابید به بهترین حالت امیدوار باشیم و اینکه ایران از هرگونه ملاحظات پادمانی فاصله می‌گیرد. در نهایت، نصب مجدد دوربین‌ها بدون ارائه داده‌ها به آژانس، دستاوردی مفید اما کوچک در فهرست طولانی مسائل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است که نیاز به حل و فصل توسط ایران دارد». لارنس نورمن این موضع دیوید آلبرایت را تأیید کرده و نوشته است: «بله، مشکل بتوان با این موضوع مخالفت کرد».

● حمید ابوطالبی معاون سیاسی ریاست جمهوری در دولت حسن روحانی که از سوی حزب‌اللهی‌ها متهم به مهادت با غربی‌هاست در رشته تویییتی درباره مذاکرات اتمی تهران و دولت‌های غربی نوشته «بازگشت به برجام و یا ایجاد تغییرات در آن به لحاظ تکنیکی دیگر ممکن نیست». یکی از دلایلی که وی به آن اشاره کرده در مورد پیشرفت‌های اتمی رژیم است.

طبق ادعای برخی منابع خبری گفته می‌شد که جمهوری اسلامی پذیرفته است بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دوربین‌های نظارتی آژانس را که در ماه‌های اخیر از تأسیسات اتمی ایران جمع‌آوری شده بود «دوباره نصب کنند».

منابع داخلی ایران با استناد به سخنان لارنس نورمن خبرنگار وال‌استریت ژورنال روز چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت گزارش دادند که همکاری ایران و آژانس تحقق یافت و «دوربین‌ها روشن می‌شوند».

خبرنگار روزنامه وال‌استریت ژورنال نوشته بود «آنچه در آنجا شایعه بود تأیید شده» و «آژانس توانسته نصب مجدد دوربین‌های نظارتی و غیره را که در ایران جمع‌آوری شده بود حالا شروع کند و انتظار می‌رود این روند در چند روز آینده کامل شود».

پیش از این نیز «انجمن کنترل تسلیحات» گزارش داده بود که نصب دوربین‌های نظارتی در برخی تأسیسات هسته‌ای ایران از سر گرفته شده است.

در همین ارتباط محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی تأکید کرد که «ما در این دوره اراده کردیم که هیاهوی هسته‌ای را از بین ببریم، چون با این اتهامات ناروایی که به کشور نسبت داده شده مسیر پیشرفت ما را هر روز محدودتر کرده است».



رافائل گروسی مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مقر آژانس در وین در حال تشریح عملکرد دوربین‌ها در تأسیسات اتمی ایران / ۱۷ دسامبر ۲۰۲۱

اما واقعیت چیست؟

با وجود همه این سخنان، ساعاتی بعد لارنس نورمن در تکمیل خبر خود مبنی بر آغاز نصب دوربین‌ها در تأسیسات اتمی افزود: «دوربین‌ها فقط در واحد مربوط به سایت‌های اتمی ایران وارد شده‌اند. اما برخی منابع تردید دارند که این روند به سرعت ادامه پیدا کند». وی افزود: «همچنین از چند منبع شنیده‌ام که ایران برای نصب مجدد دوربین‌ها در فای‌های حفاظتی تلاش می‌کند که به روشنی ممنوع است. به این ترتیب اگر این کار ادامه پیدا کند، نصب مجدد دوربین‌ها با کندی ادامه خواهد داشت».

وی در ادامه نوشت: «ایران دسترسی به فایل‌های ذخیره شده دوربین‌ها [کارت‌های حافظه] را از فوریه ۲۰۲۱ فراهم نکرده و بنابراین نصب مجدد تجهیزات نظارتی ارزش کمی دارد».

دیوید آلبرایت مدیر مؤسسه «علم و امنیت بین‌الملل» در واکنش به توییت‌های نورمن با سپاس به خاطر اطلاع‌رسانی وی می‌نویسد «بیابید به بهترین حالت امیدوار باشیم و اینکه ایران از هرگونه ملاحظات پادمانی فاصله می‌گیرد. در نهایت، نصب مجدد دوربین‌ها بدون ارائه داده‌ها به آژانس، دستاوردی مفید اما کوچک در فهرست طولانی مسائل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است که نیاز به حل و فصل توسط ایران دارد». لارنس نورمن این موضع دیوید آلبرایت را تأیید کرده و نوشته است: «بله، مشکل بتوان با این موضوع مخالفت کرد».

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی یک ماه پیش از این در مصاحبه‌ای با PBS NewsHour ابراز امیدواری کرده بود که جمهوری اسلامی با اتصال مجدد دوربین‌ها و سیستم‌های نظارت آنلاین آژانس موافقت کند. در همان مقطع کیهان لندن به نقل از منابع آگاه خبر داد که نهادهای امنیتی حکومت کار بازرسان آژانس را مختل می‌کنند. این

خبر مربوط به تأسیسات اتمی فردو قم بود.

درواقع اکنون اظهارات لارنس نورمن و دیوید آلبرایت تأیید می‌کنند که حکومت همچنان با ممانعت از نصب دوربین‌ها در واحدهای اصلی (مشکوک) تأسیسات اتمی و عدم ارائه کارت‌های حافظه فعالیت آژانس را مختل می‌کند.

رافائل گروسی اواخر اسفند ۱۴۰۱ پس از بازگشت از تهران در یک کنفرانس خبری گفته بود «بر سر اعزام تیمی به ایران، راه‌اندازی دوباره تجهیزات نظارتی و افزایش ۵۰ درصدی بازرسی در سایت فردو» توافق شده است.

در بند سوم آن توافق تصریح شده بود «ایران به صورت داوطلبانه به آژانس اجازه می‌دهد تا چنانچه مقتضی باشد فعالیت‌های راست‌آزمایی و نظارت بیشتر را اجرا کند».

اما برخی مقامات جمهوری اسلامی از جمله بهروز کمالوندی سخنگوی سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی این توافق را رد کردند. او گفت «دسترسی افراد به مراکز هسته‌ای صحت ندارد و درباره نصب دوربین جدید در تأسیسات هسته‌ای توافقی با آژانس نشد».

همزمان با طرح ادعای همکاری رژیم ایران و آژانس، حمید ابوطالبی معاون سیاسی ریاست جمهوری در دولت حسن روحانی که از سوی حزب‌اللهی‌ها متهم به مهادت با غربی‌هاست در رشته تویییتی درباره مذاکرات اتمی تهران و دولت‌های غربی نوشته «بازگشت به برجام و یا ایجاد تغییرات در آن به لحاظ تکنیکی دیگر ممکن نیست». یکی از دلایلی که وی به آن اشاره کرده در مورد پیشرفت‌های اتمی رژیم است.

ابوطالبی می‌نویسد «بازگرداندن توانایی و تجربه هسته‌ای ایران به زمان امضای برجام، به لحاظ تکنیکی ناممکن است زیرا تحولات بسیاری، از وقفه در نظارت آژانس تا پیدا شدن ذرات اورانیوم غنی شده با خلوص ۷/۸۳ درصد، ابهامات سه سایت هسته‌ای ظاهراً اعلام نشده و... رخ داده و ایران از بسیاری از نقاط حساس عبور کرده است».

پروژه شهیدسازی از حمیدرضا الداغی نیز شکست خورد؛ مادرش گفت بسیجی و جهادی نبود، شرف داشت و انسان بود



صحنه دفاع حمیدرضا الداغی از دختر جوانی که در سبزوار، مورد آزار خیابانی قرار گرفته بود

حتی مدعی شده بود که حمیدرضا الداغی چهاردهمین شهیدی است که در استان خراسان رضوی جان خود را در راه امر به معروف و نهی از منکر از دست می‌دهد!

محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی، نیز در صحن علنی مجلس از «نقش بر آب شدن نقشه دشمن» سخن گفت و ادعا کرد: «حمیدرضا الداغی در زمانه طعنه‌ها و تخریب‌ها، شیرینی و ضرورت واجب امر به معروف و نهی از منکر را در چشم مردم ایران درخشان جلوه داد!»

جمهوری اسلامی بارها در سال‌های گذشته تلاش کرده از جانب‌باختگان، به نفع ایدئولوژی و تبلیغات حکومتی خود «شهیدسازی» کند اما هربار رسوا شده است. صانع ژاله دانشجوی ادبیات نمایشی در تهران در اعتراضات سال ۸۸ با شلیک مأموران حکومتی کشته شد اما رسانه‌های حکومتی او را یک بسیجی جانب‌باخته به دست معترضان معرفی کردند. این موضوع از سوی خانواده و دوستان صانع ژاله تکذیب شد. در اعتراضات سال گذشته نیز حمیدرضا روحی جوان ۱۹ ساله و دانشجوی مهندسی عمران در حالی با شلیک چند گلوله مأموران حکومتی کشته شد که مأموران برای دادن پیکر بی‌جان او به خانواده مقاومت کرده و خواستار معرفی او به عنوان یک بسیجی شده بودند. مقاومت علی روحی پدر حمیدرضا سبب شد در نهایت پس از دو روز پیکر فرزندش را برای خاکسپاری تحویل بگیرد. تصاویر منتشر شده از سوی دوستان حمیدرضا در شبکه‌های اجتماعی نیز نشان می‌داد او به همراه دیگر شهروندان در حال شعار دادن علیه جمهوری اسلامی و مقاومت در برابر نیروهای سرکوبگری است که در نهایت با شلیک مستقیم او را کشتند.

شهیدسازی از حمیدرضا الداغی در شرایطی که جمهوری اسلامی هزاران نیروی بسیجی و لباس‌شخصی را در قالب آمر به معرف و با هدف سازماندهی نیروهای نیابتی علیه مردم در سطح جامعه به کار گرفته است، نشان می‌دهد که این سازماندهی به بهانه «مبارزه با بی‌حجابی» با مقاومت مدنی شهروندان روبرو شده و به عمیق‌تر شدن شکاف میان مردم و حکومت کمک می‌کند.

و سیاق جمهوری اسلامی برای او برقرار کرده و او را بسیجی معرفی نمودند. این مراسم به شکل گسترده در رسانه‌های حکومتی بازتاب یافت.

مادر حمیدرضا اما چند روز پس از جان باختن فرزندش در گفتگو با صداوسیما جمهوری اسلامی، موضوع بسیجی بودن او را رد کرد و گفت: «چون حمید دختر ۱۵ ساله داشت نمی‌توانست چنین صحنه‌ای را تحمل کند. غیرتش اجازه نداد دختر مردم را بزند. او نه بسیجی بود، نه جهادی بود؛ انسان بود. شرف داشت. انسان بود. سر بلندم کرد.»

خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضائیه، حمیدرضا الداغی



تشییع پیکر حمیدرضا الداغی توسط جمهوری اسلامی

را «شهید نهی از منکر» نام داد و حسین سلامی فرمانده سپاه پاسداران، با انتشار بیانیه‌ای عنوان کرد که تلاش‌های، به گفته او، «شیطانی و فریبکارانه دشمن» در ترویج «منکر» و تخریب «معروف» به ثمر نخواهد نشست.

خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران جمهوری اسلامی

● رسانه‌های جمهوری اسلامی مدعی شدند حمیدرضا الداغی «شهید امر به معروف» بوده و تلاش کردند تا تصویری از یک «بسیجی» و «آمر به معروف» از او ارائه دهند.

● مادر حمیدرضا الداغی در گفتگو با صداوسیما جمهوری اسلامی: او نه بسیجی بود، نه جهادی بود؛ انسان بود. شرف داشت. انسان بود. سر بلندم کرد.

● جمهوری اسلامی بارها در سال‌های گذشته تلاش کرده از جانب‌باختگان، به نفع ایدئولوژی و تبلیغات حکومتی خود «شهیدسازی» کند اما هربار رسوا شده است.

جمهوری اسلامی در حالی تلاش داشت از مرد جوانی که در حمایت از زن مورد آزار خیابانی قرار گرفته با ضربات چاقو کشته شد، «بسیجی‌سازی» و «نیابتی‌سازی» کرده و او را «شهید امر به معروف» قلمداد کند که خانواده وی اعلام کردند پسرشان «نه بسیجی بود، نه جهادی» بلکه انسان بود و شرف داشت.

طی روزهای گذشته خبری درباره جان باختن یک مرد ۴۶ ساله در سبزوار در دفاع از دختری جوان که مورد مزاحمت خیابانی چند نفر قرار گرفته بود منتشر شد. بر اساس گزارش‌ها حمیدرضا الداغی، ساعت ۹ شب هشتم اردیبهشت به دنبال دخترش در کلاس می‌رفت که با ایجاد مزاحمت چند مرد جوان برای یک دختر روبرو شد. حمیدرضا الداغی در حمایت از این دختر جوان با آنها درگیر شد و بر اثر اصابت ضربات چاقوی افراد مزاحم جان خود را از دست داد.

در ویدئوهای منتشر شده از دوربین‌های مدار بسته در محل کشته شدن حمیدرضا الداغی، چند مرد جوان دیده می‌شوند که دختری جوان را احاطه کرده و با چاقو او را تهدید می‌کنند. با ورود آقای الداغی در دفاع از زن جوان و شروع درگیری، این افراد با چاقو چند ضربه به کمر، دست و سینه او می‌زنند.

رسانه‌های جمهوری اسلامی به سرعت از این خبر سوء استفاده کردند و مدعی شدند حمیدرضا الداغی «شهید امر به معروف» بوده و سعی کردند تصویری از یک «بسیجی» و «آمر به معروف» از او ارائه دهند.

مقامات حکومتی همچنین مراسم تشییع جنازه‌ای به سبک

عدم انتشار آمارهای تورمی؛ پنهانکاری یا هراس از واکنش‌ها به ارقام نجومی؟

● مرکز آمار ایران که اصلی‌ترین نهاد ارائه گزارش‌های تورمی به صورت ماهانه، فصلی و سالیانه در ایران است، بدون هیچ توضیحی، از انتشار آمارهای تورم اسفند ۱۴۰۱ و فروردین ۱۴۰۲ خودداری کرده است.

● کامران ندری: سیاست‌گذار در ایران تمایل دارد آماری را منتشر کند که با اهداف سیاسی او سازگاری بیشتری داشته باشد و عملکردش را در اقتصاد مثبت‌تر نشان دهد.

● علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی شعار سال ۱۴۰۲ را «مهار تورم، رشد تولید» اعلام کرده اما فعالان و سیاست‌گذاران اقتصادی با سردرگمی درباره وضعیت تورمی کشور نه می‌توانند برای «مهار تورم» چاره بیاندیشند و نه برای چگونگی «رشد تولید»!

مرکز آمار ایران در اقدامی عجیب آمار مربوط به تورم در اسفند سال گذشته و فروردین امسال را منتشر نکرده است. این در حالیست که افزایش پرسرعت قیمت‌ها در هفته‌های گذشته نشان از روند صعودی تورم با شتابی قابل توجه دارد. مرکز آمار ایران که اصلی‌ترین نهاد ارائه گزارش‌های تورمی به صورت ماهانه، فصلی و سالیانه در ایران است، بدون هیچ توضیحی، از انتشار آمارهای تورم اسفند ۱۴۰۱ و فروردین ۱۴۰۲ خودداری کرده است. برخی معتقدند ملاحظات سیاسی به نفع دولت سیزدهم سبب منتشر نشدن آمار است و برخی دیگر می‌گویند ارقام فزاینده تورم سبب شده حکومت از هراس پیامدهای اجتماعی جلوی انتشار گزارش را بگیرد.

بانک مرکزی آمار تورم سال ۱۴۰۱ را معادل ۴۶/۵ درصد اعلام کرده و مقایسه آمار تورم بانک مرکزی و مرکز آمار حاکی از آن است که در ماه‌های اخیر، اعداد اعلام شده برای تورم از سوی مرکز آمار، همواره بیشتر از بانک مرکزی بوده است. در نتیجه مشخص است که افزایش آمارهای تورمی می‌تواند یکی از دلایل پنهان کردن ارقامی بی‌سابقه در آمارهای تورمی کشور باشد.

کامران ندری اقتصاددان معتقد است همواره کیفیت آمار منتشر شده و نظم انتشار، مورد بحث بوده است. این اقتصاددان درباره عدم هماهنگی آمارهای تورمی منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران و بانک مرکزی نیز گفته که «در حال حاضر مرکز آمار ایران و بانک مرکزی، دو نهادی هستند که آمار تورم را منتشر می‌کنند. ما در گذشته دیده‌ایم که سیاست‌گذار در ایران تمایل دارد آماری را منتشر کند که با اهداف سیاسی او سازگاری بیشتری داشته باشد و عملکردش را در اقتصاد مثبت‌تر نشان دهد. سابقه تصمیمات سیاسی در کشور ما نشان می‌دهد که این ملاحظات نیز در انتشار آمار وجود دارد.»

به گفته کامران ندری این موضوع در زمان ریاست جمهوری روحانی هم رخ داده است. در آن زمان داده‌های آماری مرکز آمار وضعیت اقتصادی را مثبت‌تر و آمار بانک مرکزی، وضعیت را بدتر نشان می‌داد. به همین خاطر بانک مرکزی از انتشار آمار تورم منع شد.

این اقتصاددان افزوده که «مشخص نیست که این مساله در شرایط فعلی تا چه اندازه درست است اما چنین سابقه‌ای درباره انتشار آمار در ذهن مردم وجود دارد. بنابراین با توجه به این اطلاعات، منتشر نشدن آمار تورم با هدف پنهان



کردن آن، یک فرضیه قوی است.»

او همچنین افزوده که «دو فرضیه در مورد منتشر نشدن آمار تورم وجود دارد؛ اول اینکه سوءمدیریت در برنامه‌ریزی برای تغییر سال پایه باعث تاخیر در انتشار آمار تورم شده و دوم آنکه ملاحظات سیاسی باعث شده است که دولت این آمار را منتشر نکند.»

روزنامه بریتانیایی «فایننشال تایمز» نیز در رابطه با عدم انتشار آمار تورمی در ایران گزارش داد در شرایطی که بحران اقتصادی ایران عمیق‌تر شده، دولت ابراهیم رئیسی داده‌های واقعی در خصوص میزان تورم و گرانی‌های بی‌سابقه را پنهان می‌کند.

در این گزارش به نقل از سعید لیلز تحلیلگر اقتصاد سیاسی آمده که مرکز ملی آمار ایران ظاهراً برای جلوگیری از اذعان به شکست رکورد تاریخی نرخ تورم در دولت ابراهیم رئیسی از انتشار داده‌های حقیقی منع شده است. او تأکید کرد که این دولت نتوانسته تورم را مهار کند.

سانسور آمارهای تورمی در حالی قابل توجه است که علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی شعار سال ۱۴۰۲ را «مهار تورم، رشد تولید» اعلام کرده اما فعالان و سیاست‌گذاران اقتصادی با سردرگمی درباره وضعیت تورمی کشور نه می‌توانند برای «مهار تورم» چاره بیاندیشند و نه برای چگونگی «رشد تولید»!

روند افزایش قیمت کالاها و خدمات در کشور طی ماه‌های اسفند و فروردین نیز گویای افزایش تورم است. کاهش حجم تولید و تجارت در کشور، کاهش درآمدهای کشور و همچنین کسری بودجه شدید دولت که اقداماتی چون چاپ پول و افزایش نقدینگی را در پی دارد، پیشتر از سوی کارشناسان به عنوان عوامل تورم‌زا مطرح و گفته شده بود سال ۱۴۰۲ با تورم پرسرعت روبرو خواهیم بود.

مؤسسه توسعه و تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران ماه گذشته در گزارش «اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۲؛ بیم‌ها و امیدها» هشدار داد که در نبود چشم‌انداز برای دستیابی

به توافق احیای برجام در فقدان اصلاحات ساختاری، شرایط اقتصادی و مالی در سال ۱۴۰۲ وخیم‌تر خواهد شد، تورم و بیکاری افزایش خواهد یافت، ارزش ریال بیشتر سقوط خواهد کرد و رشد اقتصادی کمتر از گذشته خواهد بود.

دکتر تیمور رحمانی استاد اقتصاد دانشگاه تهران درباره مهار تورم در شرایط کنونی اقتصادی ایران گفته که «مسائل اقتصادی ایران و به خصوص مساله تورم، موضوعی نیست که بتوان به سادگی آن را حل کرد و تفکری که در ایران وجود دارد مبنی بر اینکه می‌توان مسائل را به سادگی و بدون تحمل هزینه خاصی حل کرد، تفکری اشتباه است.»

این اقتصاددان در گفتگو با روزنامه «دنیای اقتصاد» گفته که «تورم بالای اقتصاد ایران، انعکاس ایجاد توان خرج کردن فراتر از توان تولید کالاها و خدمات در اقتصاد است که عمدتاً از طریق عملیات مالی دولت مانند بودجه، فرابودجه و تکالیف به نظام بانکی و مدارای مقرراتی با بانک‌ها و موسسات اعتباری رخ می‌دهد.»

به گفته استاد اقتصاد دانشگاه تهران داده‌های اقتصاد ایران حکایت از آن دارد که نرخ تورم حول مقدار ثابتی نوسان نمی‌کند، بلکه دارای روندی صعودی است و این موضوع حکایت از آن دارد که اقتصاد ایران به مرور به متوسط تورم بالاتر گرایش دارد. این روند صعودی انعکاس گسترده شدن ناترازی‌های اقتصاد است.

تیمور رحمانی معتقد است که تمرکز باید بر جلوگیری از شکل‌گیری جهش ارزی باشد. به گفته او، به‌صورت کلی می‌توان مدیریت بازار ارز و جلوگیری از زمینه جهش ارزی و ازطرفی اتخاذ سیاست پولی مناسب به‌منظور افزایش نرخ سود حقیقی و کاهش رشد نقدینگی را توصیه کرد.

دولت ابراهیم رئیسی نشان داده راه‌حل کاربردی برای مهار تورم ندارد و این موضوع بطور مستقیم بر معیشت اقشار حقوق‌بگیر به ویژه کارگران اثرگذار است.

بر اساس مصوبه شورای عالی کار رقم حداقل دستمزد در سال ۱۴۰۲ با افزایش ۲۷ درصدی نسبت به سال



برگزاری «همایش ملی محله اسلامی»؛ فرمانده سپاه تهران: ایجاد محلات اسلامی فراهم کردن شرایط ظهور است!



سردار پاسدار حسن حسن‌زاده

جامعه اسلامی مردم خود دارای نقش هستند و در اداره امور جامعه خود احساس مسئولیت می‌کنند.

حسن‌زاده همچنین «مردمی کردن اداره محلات اسلامی با محوریت مسجد» را یک ضرورت خواند و گفت: «این اقدامات فراهم کردن بستر لازم برای ظهور است.»

نخستین «همایش علمی محله اسلامی» توسط سپاه «محمد رسول‌الله» تهران (از یگان‌های اصلی سرکوب تظاهرات در تهران و حومه) با همکاری دانشگاه «امام حسین» سپاه پاسداران در دانشگاه «تربیت مدرس» تهران برگزار شد.

احمد وحیدی وزیر کشور، سردار علی فدوی جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران و شماری از اعضای فعال پایگاه‌های بسیج در آن شرکت کردند.

بر اساس شواهد، به نظر می‌رسد حکومت خود را برای موج تازه‌ای از اعتراضات آماده می‌کند. مقامات حکومتی می‌دانند اعتراضات در ایران آتش زیر خاکستر است. در همین ارتباط ششم فروردین ماه ۱۴۰۲ سردار پاسدار حسن کرمی فرمانده یگان‌های ویژه نیروی انتظامی خیزش ضدحکومتی اخیر را «آبرفتنه» نامید و با تمجید از نیروهای تحت امر خود گفت «پوشش ۴۰۰ نقطه برای مقابله با اعتراض‌های احتمالی در سال جدید در دستور کار این نهاد نظامی قرار گرفته است.»

فرماندهان ارشد نظامی در ایران به شدت چشم‌انتظار ظهور «امام زمان» هستند! عبدالرحیم موسوی فرمانده ارتش جمهوری اسلامی ۳۱ فروردین ماه در مراسم تحویل ۲۰۰ فروند پهپاد به نیروهای چهارگانه ارتش گفته بود «تمام تلاش ما اجرای دقیق فرامین مقام معظم رهبری است تا بتوانیم شایستگی لازم برای ظهور حضرت ولیعصر را پیدا کنیم.»

● نخستین «همایش علمی محله اسلامی» توسط سپاه «محمد رسول‌الله» تهران (از یگان‌های اصلی سرکوب تظاهرات در تهران و حومه) با همکاری دانشگاه «امام حسین» سپاه در دانشگاه «تربیت مدرس» تهران برگزار شد.

● احمد وحیدی وزیر کشور، سردار علی فدوی جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران و شماری از اعضای فعال پایگاه‌های بسیج در این همایش شرکت کردند.

● پاسدار حسن حسن‌زاده فرمانده سپاه «محمد رسول‌الله» تهران با اشاره به اینکه «طرح محله اسلامی می‌تواند یکی از مهم‌ترین راهکارهای رسیدن به جامعه اسلامی و سپس تمدن نوین اسلامی» باشد تأکید کرد «باید به این مهم توجه کرد که در محله اسلامی باید کار به دست و نقش اصلی مردم و با محوریت و مرکزیت مساجد انجام شود... در جامعه اسلامی مردم خود دارای نقش هستند و در اداره امور جامعه خود احساس مسئولیت می‌کنند.»

سردار حسن حسن‌زاده فرمانده سپاه «محمد رسول‌الله» تهران در همایش ملی «محله اسلامی» که ۱۴ اردیبهشت برگزار شد ایجاد «محلات اسلامی» را دغدغه جدی مسئولان انقلاب اسلامی دانست و گفته این طرح «شیوه رسیدن به محله مطلوبی است که شهر، شهرستان، کشور و جامعه را اسلامی می‌کند.»

وی با اشاره به اینکه «طرح محله اسلامی می‌تواند یکی از مهم‌ترین راهکارهای رسیدن به جامعه اسلامی و سپس تمدن نوین اسلامی» باشد تأکید کرد «باید به این مهم توجه کرد که در محله اسلامی باید کار به دست و نقش اصلی مردم و با محوریت و مرکزیت مساجد انجام شود... در

گذشته روبرو شده اما حتی با همین رقم افزایش، و در صورتی که یک کارگر تمام مزایای شغلی مانند حق اولاد و حق مسکن را دریافت کند، رقم ماهانه حقوق وی در نهایت حدود ۸ میلیون تومان خواهد شد.

رقم حداقل دستمزد مبنای دستمزد کارگران، بازنشستگان و مستمیری‌بگیران تأمین اجتماعی و بخشی از کارمندان بخش خصوصی است. فعالان کارگری در شورای عالی کار رقم سید معیشت را ۱۸ میلیون تومان تعیین کرده بود اما کارشناسان اقتصادی ارقام بالاتری برای سید معیشت ارزیابی کرده‌اند. از ابتدای امسال موجی از تورم مواد خوراکی و اجاره‌بهای مسکن سبب افزایش رقم سید معیشت شده است.

در همین رابطه فرامرز توفیقی، فعال کارگری و نماینده اسبق کارگران در شورای عالی کار از افزایش سه میلیون تومانی خط فقر خبر داده و گفت که «سید معیشت حداقلی ۱۸ میلیون تومانی ابتدای سال، امروز به رقم ۲۱ میلیون تومان رسیده است.»

این فعال کارگری با اشاره به افزایش سه میلیون تومانی خط فقر در ۴۰ روز گذشته از عملکرد نمایندگان مجلس در ارتباط با وضعیت معیشتی کارگران انتقاد کرد و افزود که «با اینهمه اعتراض کارگران، نمایندگان مجلس هیچ اقدامی در مورد زیرپا گذاشتن قانون در بحث دستمزد ۱۴۰۲ صورت ندادند؛ متأسفانه دغدغه این روزهای آن‌ها این است که چه کسی خودروی شاسی بلند گرفته!»

این فعال کارگری با بیان اینکه نمایندگان مجلس هیچ حساسیتی روی بحث‌های معیشتی ندارند و زندگی مردم برایشان مهم نیست گفته که «گوشت، دیگر بطور کامل از سبد خرید خانوارهای کارگری حذف شده و در بخش لبنیات، کاهش حجم و کیفیت اتفاق افتاده است بنابراین در این شرایط صحبت از نرخ سید معیشت، بیشتر شبیه یک جوک است و به طنز می‌ماند.»

خشایار نادى کارشناس اقتصادى معتقد است که یکی از موارد مهم بر انگیزه نیروکار مساله افزایش دستمزد است. وقتی شرایط کشور تورمی است که بالا چهل درصد است مباحث دستمزدی و خدماتی محل بحث کارگران می‌شود.

نسبت مستقیم و مهمی بین دستمزد و انگیزه وجود دارد، اما وقتی با تورم میزان قدرت این دستمزد کاهش می‌یابد باعث می‌شود نیروی انسانی ما دچار بی انگیزگی روزانه شود.

در بهترین حالت وقتی افزایش دستمزد نصف تورم است، مسلمان نیروی کاری که دستمزد ثابت دارد هر روز دچار بحران‌های جدی‌تر مالی می‌شود و انگیزه‌ای برایش نمی‌ماند و بهره‌وری کار پایین می‌آید. وقتی شما حس می‌کنی با تلاش بیشتر فقیرتر می‌شوی چه انگیزه‌ای باقی می‌ماند؟

روزنامه اعتماد به تازگی در گزارش میدانی از خرید مردم، با شماری از شهروندان که تا چندی پیش نیز در معیارهای اقتصاد به شدت ضعیف ایران هنوز طبقه متوسط محسوب می‌شدند، گفتگو کرد که همگی تأکید داشتند: «در هفته‌های گذشته از خریدهای اساسی صرف‌نظر کرده، خورد و خوراک خود و خانواده را به شدت محدود کرده، برخی سال‌هاست گوشت نخوریده و گاهی در مهمانی یا خانه دوستی شاید گوشت بخورند، میوه را هر از گاهی شاید دانه‌ای بخرند و هیچ بودجه‌ای برای تفریح ندارند.»

در این میان صولت مرتضوی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی روز سه‌شنبه ۱۲ اردیبهشت در واکنش به اعتراضات کارگران به مشکلات معیشتی و دستمزدهای ناچیز گفته که «کارگران اگر قناعت کنند، با همین سطح حقوق و درآمد هم می‌توانند زندگی آبرومندانه و خوبی داشته باشند.»



عکس هفته | حمیدرضا الداغی در حمایت از یک دختر جوان توسط مردانی که مزاحم او شده بودند ۸ اردیبهشت ۱۴۰۲ در سبزوار با ضربات چاقو کشته شد. در حالی که رسانه‌های جمهوری اسلامی تلاش کردند او را «آمر به معروف» و بسیجی معرفی کنند، مادر وی در در صداوسیما حکومتی گفت: «او نه بسیجی بود، نه جهادی بود؛ انسان بود. شرف داشت. انسان بود. سربلندم کرد.»